

کتاب هفده فصلی آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس

فصل اول

تبیین مفاهیم جنگ و دفاع

1- تعریف اصطلاحی جنگ

جنگ نزاع بین یک یا چند حکومت است که ابتدا با نیروهای مسلح همراه است. هدف نهایی هر یک از طرفین غلبه بر دیگری و تحمیل شرایط مورد نظرش برای برقراری صلح است.

به عبارت دیگر جنگ عبارت است از برخورد خشونت آمیز نیروهای مسلح دو یا چند دولت پس از به بن بست رسیدن راه حل‌های سیاسی به منظور تحمیل اراده یکی بر دیگری

2- تعریف اصطلاحی دفاع

تدابیری که برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا فناوری توسط یک یا چند کشور مؤتلفه اتخاذ می شود را دفاع می گویند. توانایی های دفاعی بازدارندگی را تقویت می کنند و بازدارندگی نیز به این توانایی ها نیرو می بخشند. هم چنین به حفظ و حمایت از ارزش هایی نظیر زندگی، مالکیت، آزادی، هویت ملی و تمامیت ارضی در برابر تهدیدات گوناگون، داخلی و خارجی و یا ساختاری دفاعی تلقی می گردد.

3- تعریف اصطلاحی جهاد

جهاد از منظر فقها و اسلام شناسان جایگاه ویژه ای دارد. مشخصه ی بارز جهاد حرکت در راه خدا است در این باره آیت الله حسین نوری بر این باور است که :
از لحاظ شرع و فقه اسلامی جهاد عبارت است از ایثار جان و مال در راه اعتلای پایگاه اسلام و پایداری در راه اقامه ی شعائر دینی با تحمل مشکلات در برابر طوفان حوادث شهید مطهری نیز جهاد را ماهیتاً امری دفاعی می دانند و بر این اعتقادند که جهاد، فقط به عنوان دفاع و در واقع مبارزه با یک نوع تجاوز (تهاجم) است... ایشان جنگ برای استخدام نیروهای اقتصادی یا انسانی یک قوم را از نظر اسلام روا نمی دانند.

4- تعریف دفاع مقدس

مجموعه مجاهدت ها، حماسه ها، پایمردی ها و فعالیت های متنوعی که ملت شریف و مسلمانان ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در طول 8 سال (2895روز) در برابر تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران اسلامی انجام داده و در این امتحان الهی سربلند و پیروز بیرون آمدند.

انواع جنگ

جنگ براساس معیارهای مختلف به چند قسم تقسیم می شود:

1- براساس هدف: به جنگهای عادلانه و غیر عادلانه.

2- بر اساس مقیاس‌های جغرافیایی: به جنگ‌های محلی، منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و جهانی (عمومی).

3- بر مبنای انضباط و تاکتیک: به جنگ‌های منظم (کلاسیک) و نامنظم (چریکی).

4- بر اساس سطح جغرافیایی: به جنگ‌های دریایی، هوایی، زمینی.

5- بر اساس قلمرو: به جنگ‌های داخلی و خارجی.

6- بر مبنای نوع ابزار: به جنگ‌های متعارف (غیر هسته‌ای) و نامتعارف (هسته‌ای) تقسیم میشود.

انواع جهاد

اندیشمندان جهان اسلام جهاد را در دو نوع ابتدایی و دفاعی مورد مطالعه قرار دادند. جهاد ابتدایی علی‌رغم همه‌ی مطالبی که دشمنان و کینه‌توزان درباره‌ی تکیه‌ی اسلام بر خشونت گفته‌اند افق برتر از انتقام‌جویی دارد دفاع از حقوق بشر و نفعی و پیشگیری از ظلم و ستم و فتنه و فساد و دفاع از تمامی پایگاه‌ها و سنگرهای انسانی طرح کلی مسیری است که جهاد ابتدایی در اسلام در آن گام می‌سپارد.

مرحوم صاحب‌جواهر می‌گوید:

«جهاد با کفار یا بدان جهت است که آنان را از ستمگری و حمله‌به‌مسلمین و قلمرو اسلام بازدارند و یا به‌خاطر کشاندن آنان به‌سوی اسلام است.»

نوع دوم جهاد همان جهاد تدافعی است که موضع شهید مطهری در این خصوص به‌طور مبصوتی در کتاب جهاد ایشان بیان شده است. ایشان می‌گویند: از منظر اسلام مقتول‌دون اهل‌ه و عیاله شهید. یعنی کسیکه در مقام دفاع از مالش و از ناموسش کشته‌شود از نظر اسلام شهید است. پس دفاع از ناموس هم مانند دفاع از جان و مال است بلکه بالاتر است دفاع از شرافت است دفاع از استقلال برای یک ملت قطعاً امری مشروع است پس در صورتی که یک قوم بخواهند استقلال قوم دیگری را بگیرند و آنها را تحت قیومت خودشان قرار بدهند و این ملت بخواهد از استقلال خودش دفاع کند و دست به اسلحه‌برداری مشروع و بلکه ممدوح و قابل‌تحسین انجام داده است.

از منظر پیامبر گرامی اسلام (ص) جهاد به دو قسمت تقسیم شده است:

جهاد اکبر و جهاد اصغر.

جهاد اکبر: مبارزه با نفس و هواهای نفسانی. جنگ با دشمن درونی.

جهاد اصغر: جهاد و جنگ با دشمن خارجی و بیرونی.

اهداف جنگ

جنگ بین کشورهای متخاصم دارای اهدافی است که در راستای هدف کلی، یک کشور برای خود ترسیم می‌نماید که در اینجا به اهم آنها اشاره می‌نماییم.

جنگ با هدف تصرف سرزمین و کشور گشایی.

جنگ با هدف تحمیل اراده‌ی سیاسی و یا جلوگیری از تحمیل اراده‌ی یکی بر دیگری.

جنگ با هدف قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی رهبران سیاسی.

جنگ با هدف دفاع از سرزمین، مملکت و ناموس.

جنگ با هدف تحقق حقوق بین‌المللی.

جنگ با هدف دستیابی به منابع و ذخایر یک کشور.
جنگ با هدف احیای دین.

علل وقوع جنگ

(1)- علل مادی : هر یک از ابزارهای مادی که برای آغاز و یا ادامه ی جنگ به کار می رود، اگر با انگیزه ها و هدفهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مانند آن همراه باشد، در آن صورت علل مادی جنگ را تشکیل خواهند داد.

(2)- علل سیاسی : برخی عقیده دارند، هر گاه سیاست توانایی خود را در حل و فصل اختلافات از دست بدهد، جنگ آخرین وسیله‌ای است که برای دستیابی به اهداف سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد .

(3)- علل اقتصادی : تلاش برای دستیابی به امکانات اقتصادی، منابع زیرزمینی، از بین بردن منابع تجاری و گمرکی و مانند آن، از علل اقتصادی جنگ معرفی شده‌اند.

(4)- علل معنوی : انسان هایی که به خدا ایمان دارند تنها به انگیزه های اقتصادی، سیاسی و مانند آن به جنگ نمی پردازند. به این معنی که یک انسان با ایمان، انگیزه های فوق را تحت الشعاع انگیزه های الهی قرار می دهد. در واقع در دیدگاه الهی، جنگ برای برداشتن عضو فاسد از پیکره ی اجتماع یا به منظور نابود کردن عقایدیک حیات مادی و معنوی انسان های دیگر را تهدید می کند و یا برای نجات تعدادی از انسان هایی که در بند ظلم و ستم هستند، صورت می گیرد

برخی از دلایل وقوع جنگ ها

به طور کلی می توان گفت: عواملی که موجبات تعارض و اختلاف میان دو یا چند سیستم حکومتی را فراهم نموده و زمینه ساز تهدیدات بوده و سایه یک جنگ را ظاهر می سازند بشرح زیر می باشند :

اختلافات مرزی و دعاوی ارضی .

بحرانهای مختلف (داخلی - خارجی).

مسابقه تسلیحاتی .

تضادهای ایدئولوژیکی .

مسائلی مانند تروریسم، حقوق بشر و مسائل زیست محیطی.

ادعای سیاست واحد بر آبراههای بین المللی استراتژیک و یا بستن آن .

بهره برداری از منابع و ثروت دریاها و اقیانوسها .

انتقال قدرت تکنولوژیکی به کشورهای همجوار .

حمایت از جنبش های مذهبی و نهضت های رهایی بخش .

عزم و تصمیم یک دولت به جنگ .

اقدامات پنهانی از طریق سفارتخانه ها و استفاده از عوامل داخلی هواخواه در کشور رقیب

ادعای باز پس گیری ایالات و مناطق از دست رفته در جنگهای گذشته و کسب اعتبار

سیاسی .

- انجام اقدامات خرابکارانه و زمینه سازی براندازی در کشور رقیب .

- بدست آوردن مستعمراتی بمنظور داشتن بازار فروش محصولات و منبع مواد خام.

جنگ و دفاع از منظر حضرت امام خمینی(ره):

امام خمینی (ره) به عنوان مرجع عالیقدر شیعیان و رهبر امت اسلامی جهان و صاحب نظر برجسته در اندیشه‌ی نظامی و دفاعی و هم به عنوان فرمانده‌ی کل نیروهای مسلح پس از پیروزی انقلاب اسلامی و هم به عنوان رهبری کننده‌ی یکی از بزرگترین جنگ‌های جهان، ضمن تأکید بر اصل تدبیر در جنگ، اصولی چند را مورد نظر قرار داده است. برخی از این اصول عبارتند از:

(1)- ایمان به هدف متعالی و مقدس «جهاد فی سبیل الله»

(2)- اطاعت از فرماندهی.

(3)- اتکا بر مردم (مردمی بودن جنگ).

(4)- اصل اخلاق جنگی و اخلاق در جنگ.

(5)- وحدت نیروهای مسلح و نیز بین قوای نظامی و مردمی.

(6)- جنگ اعتقادی (جنگ در راه آرمان و اعتقادات والا).

(7)- توجه به اسلحه و تکنولوژی به مثابه‌ی ابزار.

(8)- سلاح و صلاح (اسلحه باید در دست انسان صالح باشد).

(9)- نفی جنگ هسته‌ای و تکیه بر جنگ متعارف.

(10)- نفی هر گونه سلطه‌ی غیر خدایی.

(11)- نگرش تکلیفی و مسنولیتی.

(12)- تکیه بر نقش اساسی انسان.

(13)- باور، اراده و عمل.

(14)- نفی یأس و نومیدی.

(15)- استفاده از تجارب دیگران.

(16)- اطلاعات و آمادگی و برنامه‌ریزی.

(17)- جنگ حق و باطل.

(18)- اسلام و کفر.

جنگ و دفاع از منظر مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای

«قدرت‌های بزرگ ریاکارانه این جنگ را که بر ما تحمیل شده بی‌معنا می‌نامند و این در حالی است که خود همواره از آغازگر متجاوز آن حمایت نظامی، سیاسی و اقتصادی کرده‌اند. شك نیست که به راه انداختن چنین جنگی همواره بی‌معناست، ولی آنان تا وقتی هنوز متجاوز از دست یافتن به هدفهای شومش مأیوس نشده بود چنین تعبیری نمی‌کردند. اما امروز این جنگ برای ملت ما دارای معنایی بسیار مهم است. کوشش مجاهدت‌آمیز و فداکارانه برای سوزاندن ریشه‌ی تجاوز و اثبات این‌که يك ملت قادر است که علی‌رغم خواست قدرتهای بزرگ از انقلاب و ثبات و شرف خود دفاع کند. ملت ما با فداکاری و ایثار خود در حال شکستن و ابطال معادله‌ای است که همیشه مشوق تجاوز و جنگ بوده است، و آن معادله این است که تکیه بر سلاح پیشرفته و تکیه بر حمایت قدرتها تضمین‌کننده‌ی موفقیت است. ملت ایران در مدت این هفت سال پاسخ به سوال بزرگی را جستجو کرده است.»

به طور کلی آموزه‌های دفاع مقدس از نظر حضرت امام خامنه‌ای به شرح زیر می‌باشد

- 1- جنگ تدافعی و دفاعی 2- دفاع از حق و حقیقت 3- دفاع از آرمانها و هدفها 4- جنگ طلب نبودن 5- والاترین ارزش ها دفاع است 6- عمق بخشی دفاعی 7- دفاع همگانی 8- دفاع، حق انسانی 9- لزوم تفکر دفاعی 10- عقلی بودن دفاع 11- بسیج و دفاع 12- بسیج و دفاع از اسلام و انقلاب 13- حضور زنان در دفاع 14- دفاع مردمی 15- هویت و غیرت ملی 16- دفاع از هویت ملی 17- دفاع از اسلام.

فصل دوم

آشنایی با جغرافیای مناطق مرزی ایران و عراق

1- آشنایی با موقعیت جغرافیایی ایران

الف- موقعیت

سرزمین کنونی ایران که بخش عمده‌ای از فلات کبیر ایران را تشکیل می‌دهد با بیش از نود درصد از مساحت در غرب این فلات واقع شده است.

کشور ایران دارای سه امتیاز موقعیتی است :

- (1)- متصل به موقعیت بری اورا سیاست.
- (2)- به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است.
- (3)- به لحاظ در اختیار داشتن تنگه ی استراتژیک هرمز، دارای موقعیت گذرگاهی است و روزانه 18 میلیون بشکه نفت از این تنگه صادر می‌شود.

همسایگان و مناطق مرزی ایران

پیرامون جمهوری اسلامی ایران، بالغ 8731 کیلومتر می باشد که 4113 کیلومتر مرز خشکی و 1918 کیلومتر آن را مرز رودخانه ای، دریاچه و باتلاق تشکیل می دهد و 2700 کیلومتر طول کرانه های ایران در شمال (دریای مازندران) و در جنوب (خلیج فارس و دریای عمان) می باشد. در بعضی از نقاط، مرز طبیعی این کشور با مرز سیاسی آن منطبق است. در بسیاری از موارد خطوط مهم مرزی، بین مرز طبیعی و سیاسی انطباق وجود ندارد. بطور کلی مرز طبیعی ایران شامل همه فلات ایران است.

مرزهای ایران در دریای آزاد در جنوب کشور و در خلیج فارس واقع است و از دهانه‌ی فاو تا بندرعباس 1259 کیلومتر (به خط مستقیم) امتداد دارد.

مرزهای غربی ایران با عراق از دهانه‌ی فاو تا دالامپرداغ، 1609 کیلومتر است که 84 کیلومتر آن در اروندرود بر اساس خط تالوگ قرار دارد و از دهانه‌ی فاو تا نهرخین تداوم می یابد.

بقیه‌ی مرز مشترک بین این دو کشور، مرز خشکی است که از لحاظ شکل متنوع ترین مرز سیاسی است.

در منطقه‌ی قصر شیرین و نفت شهر، به صورت محدب و در دره‌ی شیلر، بین کردستان ایران و عراق که پاته را از مریوان جدا می کند، مرز به شکل مقعر و در جلگه خوزستان مرز به صورت خط مستقیم است. کشور ترکیه نیز از همسایگان غربی ایران است که از دالامپرداغ تا قره سوی سفلی و ارس 486 کیلومتر مرز مشترک بین این دو کشور وجود دارد.

با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، نسبت به حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاور و تأثیر آن- حوزه‌ها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ایران از یک موقعیت برتری نسبت به کشورهای اطراف خود برخوردار است. در واقع می‌توان گفت ایران به عنوان یک بازیگر، با توان ژئوپلیتیکی بالادر تمام حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاورش حضور دارد و در پیدایش تشکلهای منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاور و درکارکردهای حوزه‌های ژئوپلیتیکی نقش و سهم مهمی می‌تواند داشته باشد و فرایندهای سیاسی حوزه‌های مجاور را شکل بدهد.

حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاور ایران تفاوت‌ها و مشابهت‌هایی با ایران دارند و ایران با تمام این حوزه‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند دارای مشابهت‌ها و تجانس‌ها و دارای روابط مشترکی باشد.

ب- وسعت و شکل

کشور ایران با وسعتی در حدود 1/648/195 کیلومتر مربع، از گسترش قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و از این حیث شانزدهمین کشور جهان است. از لحاظ شکل جغرافیایی، چهار ضلعی نامنظمی است که بزرگترین قطر آن در جهت شمال غربی به جنوب شرقی (از آارات تا خلیج گواتر) در حدود 2250 کیلومتر و قطر کوچک آن در جهت شمال شرقی به جنوب غربی (از سرخس تا دهانه ی اروندرود) در حدود 1400 کیلومتر است.

ج- جمعیت

در سال 1398 جمعیت ایران به تعداد 83 میلیون نفر رسیده است. باتوجه به صحنه‌های عملیاتی جنگ ایران و عراق که در مناطق غربی ایران شکل گرفته لذا جغرافیای نظامی استان‌های شمال غرب، غرب و جنوب غربی ایران مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

2- آشنایی اجمالی با جغرافیای استان‌های مناطق مرزی ایران با عراق

الف- جغرافیای منطقه شمال غربی

(1)- موقعیت طبیعی

آذربایجان در شمال باختری ایران یکی از مناطق حساس و مرتفع کشور است. مجاورت با همسایگان (جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و عراق) و وجود عوارض حساس و پراهمیت در مجاورت این منطقه چه در داخل و چه در خارج، از نظر عملیات نظامی فوق العاده با ارزش می باشد.

(2)- وضعیت مناطق مرزی

(الف)- مرز با جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و جمهوری خود مختار نخجوان محل تلاقی قره سوی سفلی و ارس مرز مشترک ایران و جمهوری‌های یادشده و ترکیه است.

(ب)- مرز با کشور ترکیه و عراق: مرز ایران در آذربایجان باختری از خط الرأس ارتفاعات عبور کرده و از لحاظ عملیاتی می‌توان آن را به سه بخش تقسیم کرد:

(1)- از ترمچین تا دالامپرداغ (نقطه مرز مشترک ایران، عراق، ترکیه)

(2)- از دالامپرداغ تا دره‌ی قطور.

(3)- از دره‌ی قطور تا دارکلان (دیم قشلاق)

آذربایجان به وسیله‌ی ارتفاعات مشخصی استخوان بندی شده و یک منطقه‌ی کوهستانی را تشکیل داده است. این ارتفاعات شامل: قره داغ - سبلان داغ و میشو داغ - بزغوش داغ و سهند - ارتفاعات قافلانکوه - رشته ارتفاعات طالش و ارتفاعات آرات می‌باشد. در این منطقه ایلات و عشایر مختلف از جمله شاهسون ها و اکراد وجود دارند که اکراد در کوه های باختری جنوبی منطقه سکنی دارند که تیره های عمده آنها شامل: (جلالی در ناحیه ی آرات، میلان در منطقه ی ماکو، محال ثلاث در ناحیه ی قطور، سگال در منطقه ی سلماس، عشایر ارومیه، عشایر منطقه ی مهاباد و عشایر منطقه ی سفز و سردشت) آذربایجان گرچه از لحاظ اداری سه استان را تشکیل می دهد اما از لحاظ جغرافیایی در سطح عملیاتی در حکم یک منطقه ی واحد منصوب می شود.

ب- جغرافیای منطقه ی غربی ایران

(1)- موقعیت طبیعی

منطقه ی غربی ایران شامل استان های کردستان، کرمانشاه و قسمتی از استان ایلام می باشد. این منطقه، از شمال و شرق به آذربایجان و از جنوب به ارتفاعات کبیرکوه و در جنوب غربی ایران قرار گرفته است. طول این منطقه در حدود 600 و عرض آن حدود 150 کیلومتر می باشد.

(2)- وضعیت مناطق مرزی

به طور کلی منطقه مرزی غرب ایران به علت کوهستانی بودن به صورت مرز محدب و معقر بوده که هر یک از مناطق مرزی در اجرای عملیات نظامی دارای نقش های متمایز می باشد و از نظر دفاعی بهترین سدهای کوهستانی را دارا می باشد. این منطقه دارای ارتفاعات مشخصی بوده و قسمت شمال آن یک منطقه کوهستانی را تشکیل داده و قسمت جنوبی آن مناطق کم ارتفاع می باشد. منطقه ی کرمانشاه منطقه ای است نیمه کوهستانی که بلندترین نقطه را الوند با ارتفاع 1580 متر در مواضع پدافندی اسدآباد در بر دارد و پست ترین منطقه در باختر مواضع پاتاق است. مهم ترین عارضه منطقه ی ایلام رشته ارتفاع کبیرکوه می باشد این رشته ارتفاعات، ارتفاعات منظم و عظیمی است و ستون فقرات منطقه را تشکیل می دهد که به طول تقریبی 200 کیلومتر و به عرض متوسط 60 الی 70 کیلومتر می باشد. جمعیت منطقه ی غرب کشور بر اساس آمار سال 1375 عبارت است از کردستان 1348383 نفر، کرمانشاه 1778596 نفر، ایلام 477886 نفر که از این تعداد در حدود 53 % ساکن در نقاط شهری و در حدود 45 % در مناطق روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن می باشند.

ساکنین منطقه ی غرب ایران را از لحاظ مذهب می توان به شرح زیر تقسیم کرد -کردستان: در سمت شمال سنی (شافعی) و در قسمت جنوب این منطقه سنی (شافعی) و مذهب شیعه را نیز می توان دید.

کرمانشاه: سنی، شیعه، علی الهی و سایر اقلیت های مذهبی.

-ایلام: شیعه و مذهب سنی (حنفی).

(3) اهمیت و ارزش نظامی منطقه ی غربی

این منطقه به واسطه ی موقعیت کوهستانی خود همیشه منطقه‌ای بسیار مشکل و پر زحمت برای عملیات نظامی محسوب شده است.

ج- جغرافیای منطقه ی جنوب غربی ایران

(1)- موقعیت طبیعی

استان خوزستان در جنوب غرب ایران و خارج از سد کوهستانی قرار گرفته است. جلگه‌ای صاف و بی عارضه به شمار می‌رود و در وسط جلگه فقط یک رشته ارتفاع خیلی پست که ارتفاع آن از صد متر متجاوز نیست دیده می‌شود. این ارتفاع کم اهمیت، یگانه نقطه ی برجسته و یگانه ارتفاع قابل توجه این جلگه محسوب می‌شود.

مساحت منطقه ی خوزستان در حدود 66/532 کیلومتر مربع است. (صفوی، 1384 : 142) حداکثر طول آن در حدود 300 کیلومتر بین اندیشمک و دهانه ی اروندرود و عرض آن در حدود 200 کیلومتر بین خرمشهر و بهبهان است.

(2)- وضعیت مرزی منطقه ی جنوب غربی

منطقه ی خوزستان با عراق 630 کیلومتر مرز مشترک دارد که از این مقدار 420 کیلومتر مرز زمینی و 210 کیلومتر مرز دریایی است.

مرز خشکی منطقه ی خوزستان با عراق به 4 بخش متمایز تقسیم می‌شود :

(الف)- از خلیج فارس تا محل تلاقی نهر خین و اروندرود.

(ب)- از محل تلاقی نهر خین و اروندرود تا پاسگاه ژاندارمری حدود.

(ج)- از پاسگاه مرزی حدود تا پاسگاه مرزی طلایه.

(د)- هورالعظیم : این هور که در مواقع بارندگی و بالا آمدن آب دجله سطح آب هور نیز بالا آمده و جنوب آن حدود پاسگاه مرزی طلایه و شمال آن به نواحی جنوبی بستان می‌رسد. سرتاسر هور پوشیده از نی و گیاهان مردابی است، فقط در تابستان ها آب هور تبخیر شده و بارندگی نیز کم - می‌شود.

خوزستان تقریباً 210 کیلومتر مرز دریایی با عراق دارد.

مرز ایران در آب های جنوب، تابع مقررات کنوانسیون 1982 حقوق بین الملل دریاهاست که بر اساس خط مبدأ تعریف شده از سوی ایران، تا عمق دوازده مایلی آب ها، دریای سرزمینی محسوب می شوند.

ارتفاعات مرزی در استان خوزستان شامل ارتفاعات حمیرین است که در مرز قرار دارند و ارتفاعات تینه، برقازه، میشداغ، رقابیه و ارتفاعات الله اکبر که تا شمال بستان نیز ادامه دارد و به نواحی مرکزی در استان خوزستان، ارتفاعات پست و پراکنده ی اطراف شهر اهواز و حمیدیه قرار دارند.

(3)- محورهای وصولی منطقه ی جنوب غربی

(الف)- تهدید از طرف دریا : محور دریا محوری است که کشتی های جنگی و خارجی با

تناژ بالا قادر به عملیات و تردد در این منطقه هستند. محور تهدیدهای خارجی در این منطقه به دو شاخه تقسیم می شوند : 1- محور خورموسی و بندر امام خمینی (ره) 2- محور اروندرود و دهانه-

(فاو).

(ب) - تهدید از طریق عبور از رودخانه به دو شاخه تقسیم می‌شوند: 1- محور دهانه ی فاو و اروندرود تا خرمشهر. 2- محور طلائیه تا چزابه.
(ج) - منطقه ی عبور از خشکی به دو شاخه تقسیم می‌شوند: 1- محور شلمچه تا طلائیه. 2- محور چزابه تا موسیان.

محور چلات، دهلران: این محور در بالای موسیان واقع شده و جزو استان ایلام محسوب می‌شود اما در این منطقه قابل بررسی است و می‌تواند یک محور عملیاتی محسوب شود. شبکه آبیهای مهم منطقه جنوب غربی ایران شامل رودخانه ی کارون، کرخه، جراحی، شاپور، دویرج، بالارود، هندیان و اروندرود می‌باشد. مردم منطقه از نظر نژاد، ایرانی اصیل و از قوم پارت هستند اما به مرور زمان در اثر کوچ نژادهای مختلف، طوایف متعددی به وجود آمده‌اند.

(4) - اهمیت و ارزش نظامی منطقه ی جنوب غربی کوهستان شمالی خوزستان به علت ارتفاع زیاد به سختی قابل دور زدن می‌باشد و عدم وجود معابر نفوذی زیاد هرگونه عمل نظامی عمیق را غیرممکن می‌سازد.
د- شناخت کلی منطقه ی خلیج فارس و جزایر آن

موقعیت خلیج فارس به نحوی است که در تمامی استراتژی های غرب و شرق به نحوی این آبراه بزرگ دریایی خودنمایی می‌کند. پس شناخت آن و بهره برداری صحیح از امکانات نظامی و اقتصادی آن رابطه ی مستقیمی با ثبات سیاسی و امنیت کشور ما دارد.

خلیج فارس دریای کم عمقی است که در حاشیه ی غربی اقیانوس هند واقع شده و بین شبه جزیره ی عربستان و جنوب ایران قرار دارد. مساحت آن حدود 239000 کیلومتر مربع است. طول آن از دهانه ی شطالعرب (اروندرود) تا تنگه ی هرمز که به دریای عمان می‌پیوندد قریب 1375 کیلومتر و عرض آن بین 180 تا 250 کیلومتر متغیر است و وجود تخته سنگ هایی در زیر آب باعث عدم نزدیک شدن به سواحل می‌شود عمیق ترین محل در قسمت جنوبی تنگه ی هرمز نزدیک رأس المسنم (182 متر) است.

بنادر مهم ساحل شمالی خلیج فارس عبارتند از: میناب، بندرعباس، بندرلنگه، بندرکلات، بندر بوشهر، بندر امام، بندر آبادان و بندر خرمشهر.

جزایر ایران در خلیج فارس عبارتند از: جزایر خارک و خارکو، جزیره ی لاوان (شیخ شعیب)، جزایر فارور بزرگ و کوچک، جزیره ی کیش، جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی، هندورابی، سیری، جزیره ی قشم، جزیره ی هنگام، جزیره ی هرمز، جزیره ی لارک، جزیره ی فارسی و موقعیت سواحل خلیج فارس را نشان می‌دهد.

3- شناخت محیط عراق

الف- موقعیت و وسعت

عراق بین 36/5 - 29 درجه عرض شمالی و 48 - 38 درجه طول شرقی قرار دارد. این کشور از جنوب با کشورهای کویت و عربستان، از سمت غرب با اردن و سوریه، از شمال با ترکیه و از شرق با جمهوری اسلامی ایران همسایه است. سرزمین عراق در جنوب غربی آسیا و جنوب غربی فلات ایران واقع شده است.

موقعیت استراتژیکی عراق که در تقاطع سه قاره قرار گرفته و ویژگی های خاص جغرافیایی آن، نقش عمده‌ای در تاریخ این کشور به عهده داشته است.

وسعت عراق 434924 کیلومتر مربع می‌باشد که از آن مقدار 4910 کیلومتر مربع مرز آبی شامل دریاچه‌ها و باتلاق‌ها و سایر پهنه‌های آبی می‌باشد. عراق در میان همسایگان پیرامونی خود از نظر وسعت بعد از کشورهای عربستان سعودی، ایران و ترکیه در جایگاه چهارم قرار می‌گیرد. در سرشماری کشور عراق در سال 1987 میلادی جمعیت این کشور به حدود 16 میلیون نفر رسیده است.

ب- قومیت، دین و مذهب

در تقسیم بندی عراق به لحاظ قومی و نژادی بر روی تقسیم‌بندی زیر توافق بیشتری وجود دارد : 77-80 درصد عرب (بزرگترین گروه قومی) از نژاد سامی که اعظم آنها شیعه هستند، 19 درصد کرد (دومین گروه بزرگ قومی) و بقیه (ترکمن‌ها و مسیحیان) که حدود 1 تا 2 درصد جمعیت را شامل می‌شوند آسوریان و ارمنه هم 1 درصد و ایرانیان با حدود 1 درصد در شهرهای مذهبی عراق ساکنند.

ج- وضعیت توپوگرافی عراق

کشور عراق از نظر توپوگرافی یک کشور جلگه‌ای و مسطح محسوب می‌شود. بیش از 90 درصد قلمرو این کشور را جلگه‌ها و دشت‌های مسطح و نسبتاً بی‌عارضه تشکیل می‌دهد، فقط از جانب شمال شرقی و شمال امتداد و انتهای ارتفاعات زاگرس و ارتفاعات توروس ترکیه، به‌طور محدود توپوگرافی این کشور را به هم زده است.

د- آب و هوای عراق

آب و هوای عراق در درجه ی اول متأثر از موقعیت جغرافیایی (موقعیت ریاضی آن) می‌باشد و در درجه ی دوم نیز عوامل و پدیده‌های طبیعی، محیطی، پیرامونی و داخلی بر چگونگی اقلیم این کشور و روند وضعیت دما و رطوبت در فصول مختلف تأثیرگذار هستند.

ه- رودخانه‌ها و کانالهای مهم عراق

در شمال بصره در ناحیه‌ای بنام «القرنه» دجله و فرات به هم پیوسته و شطالعربرا (اروند رود) تشکیل می‌دهند. (اروند رود) شطالعرب تا 80 کیلومتری (از قرنه تا نهرخین) در خاک عراق جریان می‌یابد و پس از آن با الحاق رودخانه ی کارون از نهرخین تا سواحل خلیج فارس (دهانه ی اروند رود) به نام اروند رود به طول 84 کیلومتر (به‌طور دقیق 93 کیلومتر) مرز بین‌المللی ایران و عراق را تشکیل می‌دهد. عرض آن در مواقع عادی بین 500 تا 700 متر و عمق آن از 10 تا 15 متر متغیر است. رودهای مهم عراق عبارتند از : دجله، فرات، دیاله، الوند و...

و- سواحل و بنادر عراق

(1)- سواحل : سواحل عراق در خلیج فارس از دهانه ی فاو (رأس البیشه) شروع و تا بندر ام‌القصر به طول 48 کیلومتر ادامه دارد.

(2)- بنادر : عراق با داشتن بنادر عمده ی «بصره»، «ام‌القصر»، «فاو» و سکوه‌های نفتی «الامیه» و «البکر»، بخش عمده‌ای از کالاهای خود را از طریق حمل‌ونقل دریایی جابجا می‌کند
ز- بخشی از محورهای مواصلاتی عراق

- محور مریوان، پنجوین، سید صادق، سلیمانیه
- محور خسروی، خانقین، بغداد
- محور نفت شهر، نفت خانه، خانقین
- محور مهران، بدره، دیونی، عزیزیه، بغداد کوت
- محور بستان، جزابه، شیب، حلفانیه، عماره
- محور هویزه، طلاییه، نشوه، بصره
- محور خرمشهر، شلمجه، تنومه، بصره

فصل سوم

مناقشات مرزی ایران و عراق

1 - از تشکیل دولت عثمانی تا دولت عراق (1920 میلادی)

در اوایل قرن دهم هجری شاه اسماعیل صفوی موفق شد با کمک ایلات و عشایر شیعی مذهب آذربایجان و گیلان، حکومت‌های مستقل محلی و نظام ملوک الطوائفی را در گستره سرزمین ایران برانداخته و دولت مرکزی قدرتمندی را به نام صفویه در ایران تأسیس نماید. این امر از لحاظ سیاسی و مذهبی موجبات نارضایتی و ناراحتی همسایه غربی ایران یعنی امپراطوری عظیم عثمانی فراهم گردید که ادعای خلافت بر مسلمین را داشت. و مایل به قدرتمند شدن ایران در منطقه نبود و آن را رقیبی برای خود می‌پنداشت.

در نتیجه جنگ‌های خونین ایران و عثمانی که در حقیقت، جنگ تضاد منافع دو ابر قدرت منطقه‌ای بود آغاز شد که تا پنج قرن بعد و انحلال امپراتوری عثمانی که حدود 24 جنگ بین این دو دولت بود، واقع شد که اولین آن نبرد معروف چالدران در 914 هجری قمری و آخرین آن در سال 1238 هجری قمری (در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار) رخ داد.

در این جنگ‌ها که در دوران سلسله‌های صفویه، زندیه، افشاریه و قاجاریه به وقوع پیوست هر گاه که ایران از نظر نظامی فاقد قدرت بود عثمانی‌ها پیروز شده و قسمتی از ولایات قفقاز و آذربایجان و کردستان را تصرف می‌کردند و زمانی که سپاه ایران پیروز می‌شد عثمانی‌ها را به عقب رانده و بر بین‌النهرین (عراق امروزی) و بخش‌های شرقی ترکیه امروزی تسلط می‌یافتند.

مهمترین علل جنگ‌ها و انعقاد قراردادهای صلح و آتش‌بس و رفع اختلاف بین دولت ایران

و عثمانی:

الف - اختلاف سرحدی دو دولت و توسعه طلبی حکام عثمانی و چشم داشت آنها به قسمت‌هایی از خاک ایران به خصوص به ولایت گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، کردستان و عراق و متقابلاً علاقه ی ایرانیان به عراق به خاطر مقابر ائمه مورد احترام و اعتقاد پیشینیان.

ب - اختلاف مذهبی ناشی از شیعه بودن ایرانیان و سنی بودن عثمانی‌ها که در تداوم اختلاف‌های دو کشور نقش اساسی را ایفا می‌کرد.

ج - بدرقتاری حکام و مأموران دولت عثمانی با زوار ایرانی که برای زیارت عتبات عالیات به بین‌النهرین (عراق) عزیمت می‌کردند.

د - تحريك و آتش افروزي كشورهاي اروپايي براي برافروختن آتش جنگ بين ايران و عثماني، به منظور تضعيف اين دو ابر قدرت شرقي و تأمين امنيت و منافع خود.
ه - اوضاع نابسامان داخلي ايران در زمان هاي مختلف ناشي از بي ثباتي حكومت هاي استبداد و بي لياقتي زمامداران.

و - پناهنده شدن اميران و شاهزادگان ناراضي و ياغي ايران و عثماني به كشورها و دربارهاي يكدیگر.

ز - وضعيت ايالات و عشایر سرحدی و مرز نشین و ییلاق و قشلاق کردن آنها در ولایات مرزی دو کشور که برای استفاده از مراتع بین دو کشور تردد می کردند و بر حسب منافع خود، مکرراً ترك تابعیت و تجدید تابعیت نموده و باعث بر هم خوردن روابط دو کشور می شدند.

همان طور که گفته شد آخرین جنگ بین ایران و عثماني (قبل از فروپاشي آن در سال 1920 م)، در سال 1823 م (1238 ق) در زمان سلطنت فتحعلي شاه قاجار رخ داد که منجر به عقد قرارداد معروف (ارزروم - 1) گردید. این قرارداد نتوانست اختلافات هفت گانه فوق الذکر را کاملاً فیصله داده و موجبات رضایت طرفین را فراهم آورد.

در سال 1253 ق (زمان سلطنت محمد شاه قاجار) در اثر لشکر کشي علیرضا پاشا والي بغداد به محمره (خرمشهر فعلی) و غارت این شهر و سپس کشتار شیعیان در کربلا و بی احترامی عثماني به بقاع متبرکه که با اعتراض شدید دولت ایران مواجه شده بود می رفت که جنگ خونین دیگری بین دو دولت درگیرد که با وساطت دول روس و انگلیس که وقوع جنگ تازه بین ایران و عثماني به نفع منافع منطقه ای آنان نبود يك کمیسیون چهار جانبه از نمایندگان ایران و عثماني و روس و انگلیس (به عنوان میانجی) برای رسیدگی به اختلافات ایران و عثماني و حل و فصل آنها تشکیل شد.

محل مذاکرات شهر ارزروم بود و رئیس هیئت نمایندگی ایران را میرزاتقي خان فراهانی (امیر کبیر بعدی) بر عهده داشت. این مذاکرات سه سال طول کشید و انگلیس و روس در آن به شدت اعمال نفوذ می کردند، ولی درایت و هوشمندی و آگاهی های سیاسی میرزاتقي خان فراهانی مانع از این گردیده بود که بتواند حقوقی از ایران تضییع نمایند. نهایتاً در سال 1847 میلادی پیش نویس عهدنامه معروف به ارزروم - 2 تهیه و به امضای نمایندگان دول چهارگانه رسید. و در آن مقرر گردید طبق رسم، پس از امضای شاهان دو کشور رسمیت یافته و مبادله گردد.

طبق این قرارداد نواحی واقع در شرق دشت ذهاب، شرق شط العرب (اروند رود) و بندر خرمشهر متعلق به ایران شناخته شد و دو دولت متقابلاً حق کشتیرانی آزاد یکدیگر را در شط العرب (اروند رود) به رسمیت شناخته و از کلیه دعوی ارضی نسبت به یکدیگر صرف نظر نمودند و دولت عثماني متعهد شد از آزار و اذیت زوار شیعه ایرانی در عتبات خودداری نماید.

عهدنامه مزبور قبل از مبادله رسمی به علت تغییراتی که دولت عثماني در آن به تحريك و با واسطه گری انگلستان به طور يك جانبه در خصوص حقوق ایران در شط العرب (اروند رود) به عمل آورده که موجب تضییع حق ایران می شد مورد اعتراض ایران قرار گرفت و به امضای محمد شاه قاجار نرسید و بدین ترتیب از طرف ایران فاقد اعتبار تلقی گردید و اختلافات ایران و عثماني در زمینه مسایل مرزی کماکان ادامه یافت؛ اگر چه موجب جنگ جدیدی نشد.

هفتاد سال بعد یعنی در سال 1913 میلادی در زمان سلطنت احمد شاه قاجار مجدداً مذاکرات بین ایران و عثمانی با میانجی‌گری روس و انگلیس برای رفع موارد اختلاف در قرارداد ارزروم - 2 در قسطنطنیه (پایتخت عثمانی؛ شهر استانبول فعلی) بین هیئت‌های نمایندگی طرفین شروع شد و سال بعد (1914) مذاکرات تکمیلی در تهران ادامه یافت که حاصل آن تنظیم یک پروتکل (متمم عهدنامه) بود که به پروتکل 1913 قسطنطنیه و صورت جلسات 1914 تهران موسوم است که مرزهای مشترک ایران عثمانی را مشخص می‌نمود. (همین مرزهای زمینی فعلی بین ایران و ترکیه، ایران و عراق).

مرزهای زمینی تعیین شده ایران در این عهدنامه، در مقایسه با مرزهای عهدنامه ارزروم - 2 کم و بیش عقب‌تر است و تمامی ارون‌رود (شط العرب) نیز به جز قسمت کوتاهی در مقابل آبادان به عثمانی واگذار گردیده بود؛ لذا حقوق ایران در آن لحاظ نگردیده بود و به همین جهت پروتکل و صورت جلسات مذکور هم از طرف مجلس شورای ملی وقت ایران تصویب نگردید و از طرف دیگر به علت شروع جنگ جهانی اول (1914) و درگیری عثمانی در این جنگ پروتکل مزبور در مجلس مبعوثان عثمانی مطرح و تصویب نگردید فلذا عهدنامه مزبور از درجه اعتبار ساقط محسوب گردید و آن دولت نیز اعلام کرد نمی‌توان آن را یک سند سیاسی معتبر دانست.

به این ترتیب می‌توان گفت که در دوره قاجاریه تا پایان عمر امپراطوری عثمانی (1920 م) مرزهای خاکی و آبی دو کشور اگرچه بارها و بارها تعیین شدند اما همواره چون مورد رضایت ایران نبود (و حق هم همین بود) لذا هیچ‌گاه رسماً مصوب نشدند.

2 - از تشکیل کشور عراق تا قرارداد 1975 الجزایر و در ادامه تا پیروزی انقلاب اسلامی

پس از جنگ جهانی اول (1914-1918) امپراطوری عثمانی که از دول مغلوب جنگ بود فروپاشید و قلمرو وسیع آن توسط فاتحین جنگ (به ویژه انگلیس و فرانسه) تجزیه گردید و کشورهای جدیدی به جغرافیای جهانی وارد شدند؛ از جمله آنها تشکیل عراق در بین‌النهرین بود (1920 م) که از سوی جامعه ملل (سازمانی شبیه سازمان ملل متحد فعلی) برای مدت 12 سال تحت قیمومیت انگلستان درآمد. تا پس از کسب توانایی‌های لازم و تجارب اداری و سیاسی و ... به استقلال کامل دست یابد.

مرزهای عراق با دولت‌های همجوارش که تماماً از نوع کشورهای به وجود آمده از امپراطوری عثمانی بودند (ترکیه، اردن، عربستان و کویت) توسط فرانسه و انگلیس تعیین گردید و در مورد مرزهای این کشور با ایران پروتکل 1913 قسطنطنیه و صورت جلسات مذاکرات 1914 تهران را مبنای قرار دادند که طبعاً چون ایران پروتکل مزبور را تصویب نکرده بود دعاوی مرزی ایران با کشور جدید عراق همان موارد اختلاف با عثمانی سابق بود که بخش عمده این اختلاف مربوط به مرز مشترک رودخانه‌ای ارون‌رود حقوق کشتیرانی در آن بود. عدم پذیرش و نارضایتی دولت ایران از مرزهای تعیین شده عراق با ایران سبب گردید که از شناسایی رسمیت دولت عراق خودداری کند.

دولت انگلستان که مایل بود به عراق استقلال ظاهری داده و آن را جزو اقمار خود به سازمان ملل وارد نماید با دادن وعده حل مشکل مرز مشترک زمینی و رودخانه ای و احقاق حقوق ارضی، از ایران در خواست نمود تا دولت جدید عراق را به رسمیت بشناسد.

با اتکا به وعده فوق، دولت ایران در 1929م رژیم عراق را به رسمیت شناخت. اما به زودی معلوم شد که دولت عراق (در واقع دولت انگلستان) در وعده ای که به حل عادلانه مشکل داده، فقط منظورش به رسمیت شناختن عراق از سوی دولت ایران بوده است. بنا بر این در سال 1310ش (1931م) ایران رسماً عدم اعتبار تعیین حدود مرزی 1913 را به دولت عراق اعلام نمود و به دنبال این جریان روابط دو کشور رنگ تیرگی گرفته و در ارون درود و سرحدات خاکی تصادمهایی بین گشتی ها و ژاندارمری طرفین روی داد.

در سال 1932 م انگلستان عراق را از قیومیت خود خارج ساخته و ظاهراً این کشور دارای استقلال کامل گردید اگر چه زمامداران این کشور تحت نفوذ مستقیم انگلستان قرار داشته و این کشور بر عراق سیادت کامل داشت.

در این زمان و نیز سال های بعد، یادداشت های تندي بین ایران و عراق مبادله شده که طی آن عراق اصرار می ورزید که معاهده ارزروم 1847 و پروتکل 1913 و صورت مجلس مذاکرات 1914 در تعیین سرحدات دو کشور رسمیت داشته و ارون درود به طور کامل در مالکیت و حاکمیت عراق است ولی ایران قراردادی را که صد سال پیش بر او تحمیل گردیده و هیچ گونه قوت قانونی نیافته بود، قبول نکرده و آن را باطل شمرد.

به دنبال درگیری های مرزی، عراق در 1313ش (1934 م) از ایران به جامعه ملل شکایت کرد. چون اجلاس جامعه مزبور در یافتن راه حل مورد رضایت طرفین توفیق نیافت، به طرفین پیشنهاد نمود از طریق مذاکره مستقیم در حل موارد اختلاف تلاش نمایند که این پیشنهاد از طرف دو دولت ایران و عراق پذیرفته شد.

در این مذاکرات که به منظور عقد عهدنامه جدیدی برای تعیین دقیق مرزهای زمینی و آبی دو کشور در تهران و بغداد آغاز شد، نماینده عراق اصرار می ورزید که در مذاکرات مربوط به ارون درود، انگلیس هم شرکت نماید که برای ایران قابل قبول نبود و لذا نماینده ایران به عنوان اعتراض به این امر، جلسات را ترک و به ایران مراجعت نمود و مشکل همچنان به قوت خود باقی ماند.

قدرت یافتن مجدد آلمان از سال 1935 م به بعد برای دولت انگلیس موجب نگرانی شد. و بدین جهت درصدد برآمد به هر ترتیب اختلاف مرزی ایران و عراق حل گردد؛ زیرا موضوع عقد یک پیمان دفاعی بین دولت‌های منطقه (ایران، ترکیه، افغانستان) برای مقابله با تهدیدات احتمالی آلمان طرح ریزی شده بود و علاوه بر دولت انگلستان، دولت ترکیه نیز اصرار می‌ورزید که هر چه زودتر اختلافات مرزی ایران و عراق حل شده تا زمینه برای عقد پیمان مزبور فراهم شود. بدین جهت پس از مذاکرات مفصل در تهران و بغداد، دو دولت ایران و عراق طرح عهدنامه‌ای را براساس عهدنامه ارزروم 1847 و پروتکل 1913 اسلامبول و صورت مجلس‌های تحدید حدود 1914 تهیه کردند، که اگر چه در آن به مالکیت ایران در اروند رود اعتراف نشده بود ولی اسمی نیز از حق حاکمیت مطلق عراق بر اروند رود نبرده بود، ولی ایران و عراق در اداره امور اروند رود و میسر کشتیرانی حقوق مساوی یافتند که قرار شد در قرارداد مجددی و ظرف یک سال آینده جزئیات و نحوه اداره شط، روشن و تصویب شود (مرزهای زمینی این عهدنامه همین مرزهای زمینی امروزی است).

این طرح در تیر ماه 1316 ش (1937 م) به امضای وزرای خارجه ایران و عراق رسیده و مورد قبول قرار گرفت و تقریباً تجدید همان عهدنامه‌های رسمیت نیافته قدیمی و به عبارت دیگر تحمیلی تازه بود. در این زمان دولت عراق عملاً تحت‌الحمایه انگلستان قرار داشت.

اسناد و مدارکی که از طرف وزارت امور خارجه انگلستان بعدها منتشر شده، حاکی از آن است که درباره مسئله اختلافات مرزی ایران و عراق عامل تصمیم‌گیرنده و تعیین‌کننده دولت انگلستان است. طبق این مدارک، اگر چه به نظر دولت انگلستان عملاً تنها راه حصول اطمینان از حفظ آرامش و ثبات در مرز ایران و عراق در رودخانه اروند رود تعیین خط تالوگ (خط‌القعر) به عنوان خط مرز مشترک بوده است و باز به موجب همین مدارک، دولت عراق نیز اصرار چندانی در مورد اینکه مرز دو کشور، خط تالوگ نباشد نداشته و پافشاری چندانی هم روی حاکمیت مطلق عراق روی اروند رود نمی‌کرد، ولی مدعی اصلی در این میان وزارت دریاداری بریتانیا بود که به موجب اسناد مذکور، استدلال می‌کرده که چنانچه مرز دو کشور، خط تالوگ تعیین شود منافع دولت انگلیس به خطر خواهد افتاد و وزارت خارجه انگلستان نیز از نظر وزارت دریاداری تبعیت نمود.

مطالعه موارد عهدنامه سرحدی 1316 ش و پروتکل ضمیمه آن به خوبی نشان می‌داد که حقوق حاکمیت ایران در اروند رود نادیده گرفته شده و تضییع گردیده است. به علاوه در این عهدنامه رسماً به عهدنامه 1930 م عراق و انگلیس (که به موجب آن عراق عملاً تحت‌الحمایه و حافظ منافع انگلیس در آمده بود) اشاره گردید و در نتیجه آثار استعمار به خوبی در معاهده مرزی 1316 ش (1937 م) مشهود است.

چهار روز بعد از امضای عهدنامه بین ایران و عراق و حل ظاهری اختلافات فیما بین، پیمان دفاعی و عدم تعرض معروف به پیمان سعدآباد بین دولت‌های ایران، عراق، افغانستان و ترکیه در تهران به امضاء رسید. دولت ایران برای ابراز حسن نیت و رعایت همسایگی حاضر بود که با وجود تضییع حقوق ایران، مقررات آن را اجرا نموده و حداقل حقوق ناچیزی که برای او قایل شده بودند از سوی عراق رعایت شود.

متأسفانه تجربیات نشان داد که این آمادگی يك طرفه بوده و عراقی‌ها حاضر نبودند حقوق ایران را رعایت کنند و بلافاصله پس از امضای قرارداد سعی کردند با طفره و تعطل از زیر بار تعهدات مربوطه در معاهده و پروتکل ضمیمه آن، که مربوط به اداره اروند رود می‌شد شانه خالی کرده و اداره کشتیرانی و عواید حاصله از اروند رود را در دست خود نگه دارند.

در مورد مفاد عهدنامه 1316 ش به طور خلاصه می‌توان گفت این عهدنامه که بر مبنای پروتکل 1913 م قسطنطنیه و صورت مجالس 1914 م در مورد تعیین خطوط مرزی ایران و عثمانی تهیه گردیده بود. به جای اینکه مطابق مسلم‌ترین اصول حقوق بین‌المللی در مورد مرزهای آبی و رودخانه‌ای بین دو کشور، خط تالوگ به عنوان مرز مشترک در اروند رود تعیین شود، به جز قسمت کوچکی (در حدود پنج کیلومتر) در مقابل جزیره آبادان حاکمیت تمامی اروند رود به عراق واگذار شده بود.

اختلافات مرزی ایران و عراق به ویژه مسئله اروند رود همیشه عامل بروز بحران و اختلاف، آن هم اکثراً از سوی عراق بود. در 1949 م (1328 هـ. ش) با توجه به اینکه عراق حقوق مندرج در عهدنامه 1313 ش را همچنان نادیده می‌گرفت دولت ایران پیش‌نویس يك عهدنامه جدید را به عراق پیشنهاد داد که به علت عدم توجه و عدم همکاری مقامات عراقی، مشکلات موجود کماکان حل نشده باقی مانده و تلاش ایران برای بهبود مناسبات بی‌نتیجه ماند.

در 1958 م (1337 هـ. ش) ایران مجدداً خواستار احقاق حقوق طبیعی و مسلم خود در اروند رود شد و از دولت عراق خواست تا پا پذیرش خط تالوگ در این رودخانه، به اختلافات دیرینه خاتمه دهد. ولی سرلشکر عبدالکریم قاسم، رئیس جدید رژیم وقت عراق، در يك مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت: «اساساً در عهدنامه 1937 م عراق آن پنج کیلومتر از اروند رود را به ایران بخشیده و این يك بخشش بوده و يك حق مکتسب نبوده است. ایران در این باره مستحق نبود اما عراق امیدوار بوده است که با این وضع مسائل مرزی حل شود ولیکن مسائل مرزی تا کنون حل نشده و اگر این مسائل و مشکلات در آینده حل نشود ما (عراق) در موضوع بخشش این پنج کیلومتر پایبند نخواهیم بود و آن را به میهن خود باز خواهیم گرداند.»

متعاقب این اظهارات که حاکی از سوء نیت و رفتار غیردوستانه رئیس دولت جدید عراق در قبال پیشنهاد ایران برای آغاز مذاکره و حل مسالمت‌آمیز اختلافات میان دو کشور در امور مرزی بود وزارت خارجه ایران اعلام کرد: «با این ترتیب، دولت ایران جز خط تالوگ (خط‌القعمر) قابل کشتیرانی، هیچ مدرک دیگری را برای تعیین خط مرزی در اروند رود با حقوق خود و اصول مسلم بین‌المللی منطبق نمی‌داند.»

به این ترتیب اختلافات دو کشور همسایه همچنان ادامه یافته و علی‌رغم ملاقات‌ها و مذاکرات متعدد بین مقامات دو کشور موضوع اختلاف مرزهای خاکی به طور اعم و مسئله اروند رود به طور اخص به همان نحو باقی مانده و مقامات عراقی به طور وضوح از حل مشکل طفره رفته و هیچ‌گونه علاقه‌ای به رفع اختلافات نشان نمی‌دادند.

در 1348 ش هیئت نمایندگی ایران مأمور مذاکره درباره اختلافات مرزی با عراق، که در بغداد به سر می‌برد، با ملاحظه عدم همکاری مقامات عراقی با تسلیم یادداشتی به وزارت امور خارجه عراق مبنی بر اینکه به علت تخلف عراق از مفاد عهدنامه 1316 ش و مغایر بودن این عهدنامه با عرف و اصول حقوق بین‌المللی در مورد مرزهای رودخانه‌ای این عهدنامه را کان لم یکن تلقی می‌نماید، بغداد را ترک نمودند.

اما دولت عراق در پاسخ اظهار داشت که عراق اروند رود را جزئی از قلمرو خود دانسته و از دولت ایران می‌خواهد که به کشتی‌هایی که با پرچم ایران در اروند رود حرکت می‌کنند دستور دهد پرچم خود را پایین آورده و پرچم عراق را برافرازند و همچنین اگر از نفرات نیروی دریایی ایران کسی در کشتی باشد او را به زور خارج خواهد کرد و پرچم ایران را پایین خواهد کشید و همچنین در آتیه با توسل قوه قهریه اجازه نخواهد داد که کشتی‌هایی که مقصد آنها بنادر ایران (خرمشهر، آبادان) در اروند رود است وارد اروند رود شوند.

متعاقب این اعلام، روابط دو کشور به شدت تیره و بحرانی شد و دولت ایران رسماً عهدنامه 1316 ش را بدون ارزش و منتفی اعلام کرد، ولی آمادگی خود را برای آغاز مذاکره برای حل اختلافات و عقد قرارداد جدید اعلام نمود.

دولت عراق متقابلاً دست به یک سلسله اقدامات خصمانه از قبیل راندن اجباری هزاران نفر افراد ایرانی‌الاصول مقیم عراق و اعمال تضيیقات فراوان برای زوار ایرانی اماکن مقدسه و جنگ تبلیغاتی شدید و درگیری‌ها پراکنده مرزی مبادرت ورزید و دامنه بحران تا به آنجا کشیده شد که به تمرکز نیروهای نظامی دو کشور در طول مرزهای مشترک منجر گردید و قدرت نمایی ارتش ایران مانع از این شد که عراق بتواند از تردد کشتی‌ها در اروند رود با پرچم ایران جلوگیری نماید. گسترش دامنه بحران تا 1353 ش (1975 م) ادامه یافت و ایران با حمایت از جنبش اکراد بارزانی که خواهان خود مختاری در عراق بودند دولت بعثی عراق را تحت فشار شدیدی قرار داد.

مفاد بیاتیه 1975 (م) الجزایر و حل اختلافات مرزی

الف - مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل قسطنطنیه مورخ 1913 م و صورت جلسه‌های هیئت تعیین مرز مورخ 1914 م تعیین کنند.

ب - مرزهای آبی خود را براساس خط تالوگ تعیین نمایند.

ج - با این کار دو کشور امنیت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهای مشترک خویش برقرار خواهند ساخت. طرفین بدینسان متعهد می‌شوند که در مرزهای خود یک کنترل دقیق و مؤثر به منظور قطع هرگونه نفوذ که جنبه خرابکارانه از هر سو داشته باشد اعمال کنند.

د - دو طرف توافق کردند که مقررات فوق، عواملی تجزیه‌ناپذیر از یک راه حل کلی بوده و در نتیجه بدیهی است که نقض هر یک از مفاد فوق مغایر روح توافق الجزایر است.

توافق فوق بین شاه سابق ایران و صدام حسین معاون وقت رئیس جمهوری عراق و میانجیگری الجزایر صورت گرفت. در اجرای این تفاهنامه، وزرای خارجه ایران و عراق و الجزایر چندین بار جهت تنظیم قرارداد ملاقات نموده و بالاخره در ژوئن 1975 م اسنادی به شرح زیر بین دو دولت در بغداد توسط وزرای خارجه به امضاء رسید:

عهدنامه مربوط به مرزهای دولتی و حسن همجواری که مشتمل بر يك مقدمه و 8 ماده است که ماده 6 آن به خصوص:

الف - در مورد رفع اختلافات به طرق مسالمت‌آمیز تأکید نموده و مقرر می‌دارد که اختلافات احتمالی دو طرف از طریق ارجاع به حکمیت و دیوان داوری حل و فصل شود.
 ب - پروتکل راجع به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی و شرح مرز زمینی.
 ج - پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه‌ای.
 به علاوه چندین الحاقیه و موافقت‌نامه نیز مربوط به حل و فصل کلیه موارد اختلافات دو طرف، مانند:

- (1) - مسئله کلانتران مرزی
 - (2) - تعلیف احشام
 - (3) - استفاده از آب رودخانه‌های مرزی
 - (4) - مقررات مربوط به کشتیرانی در اروندرود
 - (5) - مسافرت اتباع ایران و عراق برای زیارت اماکن مقدسه به امضاء رسیده و طرفین به اختلاف دیرینه خود ضمن تأیید و اذعان به اینکه، مرز زمینی دو کشور براساس پروتکل 1913م قسطنطنیه و مرزهای آبی براساس تالوگ (خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی در پایین‌ترین سطح قابل کشتیرانی) تجدید حدود گردیده است و این مرز زمینی و رودخانه‌ای الی‌الابد، قطعی، دائمی و لایتغیر است، خاتمه دادند.
- متعاقب تصویب معاهدات فوق‌الذکر در مجالس شورای هر دو کشور این معاهدات رسمی، مصوب و لازم‌الاجراء گردید.

این قرارداد طبق ماده منشور ملل متحد در دبیرخانه آن سازمان به شماره های 14903 - 14907 به ثبت رسید و رسمیت یافت. به این ترتیب ماهیت روابط ایران و عراق براساس عهدنامه 1975 و پروتکل‌ها و موافقت‌نامه‌های آن، براساس حسن همجواری و رفع هرگونه اختلاف از طریق مسالمت‌آمیز، پی‌ریزی گردید.



نقشه شماره 1 - مناطق و بخشهایی که در طول تاریخ 200 ساله ی گذشته، از ایران جدا شده است.

فصل چهارم

بررسی وضعیت محیط داخلی و بین‌المللی ایران و عراق و مقایسه تطبیقی آن

الف - وضعیت سیاسی - امنیتی

از روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، کشور جمهوری اسلامی ایران دچار بروز برخی از اختلافات در بین گروه‌های سیاسی افرادی که در رأس حکومت بودند شد. در همین شرایط بعضی درگیری‌ها در سطح بعضی از استانها و شهرها مشاهده گردید و در برخی از نقاط، کشور دچار مشکلات امنیتی گردید.

1- وضعیت نظام جمهوری اسلامی ایران در آستانه ی جنگ

احزاب و گروه های سیاسی به صورت فراگیر در سطح همه کشور فعالیت های سیاسی خود را به شدت ادامه می دادند. علاوه بر فعال شدن برخی از احزاب قدیمی مانند جبهه ملی، نهضت آزادی، گروه فدائیان اسلام، حزب ملت ایران و حزب توده، احزاب جدیدی مانند حزب جمهوری اسلامی، جنبش مسلمانان مبارز، حزب خلق مسلمان و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تشکیل و فعالیت می نمود.

همچنین تلاش زیادی برای توسعه نگرانی و ناآرامی در بعضی از شهرهای بلوچ نشین استان سیستان و بلوچستان نیز صورت گرفت. امام خمینی(ره) برای بررسی مسائل آن منطقه و رسیدگی به وضع مردم، حجت الاسلام سید علی خامنه ای را برای رسیدگی به کمبودها و محرومیت های مردم بلوچ در 9 فروردین 1358 به آن استان اعزام نمود. ایشان در حکم خود مرقوم فرمودند: «در طول پنجاه سال رژیم سفاک پهلوی، همیشه برادران و خواهران منطقه بلوچستان و سیستان مورد ظلم و جور بودند. لذا جنابعالی به آن منطقه رفته به خواسته‌های اهالی محترم آن مناطق رسیدگی نمایید و انتظارات مردم دلیر آن دیار را برای اینجانب و اولیای امور گزارش دهید.»

علاوه بر ناآرامی های فوق در استان های مختلف از سوی عوامل وابسته به رژیم بعث عراق و یا گروه های چپ، گروه فرقان نیز که بعضاً به صورت مخفیانه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شده بود، دست به کار ترور برخی از شخصیت های مهم انقلاب اسلامی شد. از جمله آیت الله مرتضی مطهری، رئیس شورای انقلاب و از یاران نزدیک امام خمینی در شب 12 اردیبهشت ماه سال 1358 از سوی این گروه درست چند روز پس از ترور اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی (سپهبد قرنی)، جلوی منزل خود در قلعهک تهران مورد حمله ی مسلحانه قرار گرفته و به شهادت رسیدند.

همچنین حاج مهدی عراقی از یاران امام خمینی(ره) و فرزندش حسام نیز توسط گروه فرقان و آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی از علمای برجسته آذربایجان و امام جمعه تبریز که نقش مؤثری در پیشبرد نهضت اسلامی در آذربایجان داشت، به شهادت رسیدند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از اقدامات ذیل برای تضعیف جریان انقلاب و جلوگیری از تشکیل نظام با ثبات جدید در ایران، صورت گرفت :

(1)- ترور علمای تأثیر گذار و روحانیون پر نفوذ طرفدار امام خمینی در سراسر کشور.

(2)- فعالیت و تبلیغات گسترده به منظور انحلال و نابودی ارتش و جلوگیری از تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

(3)- توسعه اختلافات قومی و تلاش برای واگرایی اقوام ایرانی از یکدیگر.

(4) - سعي در عدم تشكيل يك حكومت مردمی مقتدر مبتني بر تفكر اسلامي و نيز مشكل آفريني در جهت ايجاد بسترهاي قانوني و تشكيل نهادهاي مؤثر.

ب - وضعیت اقتصادی

ایران در زمان مسئولیت دولت موقت، دچار آشفتگی های ناشی از تغییر رژیم بود. در همان دو ماهه اول پس از سقوط نظام شاهنشاهی، کشور درگیر همه پرسی به منظور تعیین شکل و ماهیت نظام جدید و همچنین استقرار نهادهای جمهوری اسلامی و نیز تثبیت نظام برآمده از انقلاب اسلامی بود.

در بدو شروع جنگ، گرچه درآمدهای نفتی ایران وضع مناسبی داشت ولی تولید نفت ایران نسبت به دو سال قبل از آغاز جنگ، کاهش یافته بود و تعاملات اقتصادی ایران نسبت به دوره رژیم گذشته تا حدود زیادی محدود شده، از نظر اقتصادی توسط آمریکا و برخی از کشورهای اروپای غربی تحریم و قیمت نفت نیز به شدت کاهش یافته بود.

ج - وضعیت اجتماعی و فرهنگی

در دوران پر شور انقلاب در سال 1357، یکی از شعارهای اساسی مردم ایران با عنوان «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» علاوه بر درخواست آزادی بیگانه ستیزی و نفرت از دخالت قدرت های بزرگ، بازگشت به هویت ملی اسلامی خود بود. از صفات دیگر ایرانیان می توان به باهوش بودن، مهربانی، مهمان نوازی، دینداری نوع دوستی و افتخار به فرهنگ و تاریخ پر افتخار خود و ... را نام برد.

د - وضعیت نظامی

با فروپاشی نظام شاهنشاهی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران، مبانی، ساختارها و مولفه های قدرت نظامی در کشور دچار تغییر و دگرگونی عمیق شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل روشن نبودن وضعیت کاری و خدمتی، بسیاری از اعضای ارتش به پادگانهای خود نرفتند. برای مردم هم مهمترین مسئله اطمینان از بی طرف باقیماندن ارتش و پیوستن کامل آنها به حرکت انقلابی ملت بود.

در چنین شرایطی در پادگانها و پایگاه های نظامی، عملاً نظام فرماندهی، سلسله مراتب و انضباط وجود نداشت. برای مدیریت پادگان ها، از سوی ارتشی های وفادارتر به انقلاب، شوراهای اسلامی در هر پادگان و مرکز نظامی تشکیل شد و آنها افرادی را به عنوان فرمانده در هر رده مشخص می کردند.¹

پس از پیروزی انقلاب، تمام امرای ارتش به دلیل وابستگی به نظام شاهنشاهی، بازنشسته و یا با روش های دیگر از ارتش جدا شدند و استعداد نیروی انسانی ارتش، کاهش یافت. همچنین دولت موقت اجازه داد که اعضای ثابت ارتش به یگان های شهرهای خود، منتقل گردند. بنابراین افراد از حوزه تخصصی خود جدا و به واحدهایی بدون توجه به تخصص خویش، ملحق شدند. براین اساس به ساختار و سازمان ارتش یک لطمه اساسی وارد شد.

¹سخنرانی امیر سرتیپ حسینی سعدی معاون هماهنگ کننده ستاد کل نیروهای مسلح در مرکز اسناد دفاع مقدس در سال 1388

پس می توان گفت ظرف دو سال قبل از آغاز جنگ، توان نظامی ایران نه تنها توسعه نیافت و تقویت نشد بلکه عملاً به طور مرتب از نظر تجهیزاتی و پشتیبانی تضعیف گردیده و تحلیل رفت.

اگر چهار مولفه «ساختار و سازمان»، «نیروی انسانی»، «تجهیزات» و «آموزش» را پیش نیاز آمادگی رزمی بدانیم، مشخص می شود که گرچه ارتش دارای تجهیزات، امکانات و جنگ افزارهای فراوان و نسبتاً پیشرفته ای بود، اما انسجام و نظام فرماندهی خود را تا حد زیادی از دست داده بود و دارای یک ساختار مستقل از امریکا نیز نبود. تسلیحات و تجهیزات نظامی ایران در آستانه جنگ، در نیروهای زمینی، هوایی و دریایی پیشرفته تر از تجهیزات و جنگ افزارهای ارتش عراق بود، ولی با این حال نیاز به بازسازی روحی، فکری و همچنین کسب آمادگی های بیشتری داشت. در آستانه جنگ، آمار تعداد اعضای نیروهای مسلح به دلیل کاهش دوره خدمت سربازی و ترخیص هزاران نفر از اعضای ارتش به 250 هزار نفر کاهش یافت. وضعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران عواملی همچون بحران های منطقه ای در استانهای کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان و ترکمن صحرا و ظهور روز افزون جریان ها و سازمان های سیاسی، نظامی، تحرکات و تهدیدات داخلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به منظور حفظ و حراست از انقلاب اسلامی و دستاورد های آن تشکیل گردید بر این اساس ماموریت اصلی سپاه مقابله با بحران های داخلی و سپس خارجی بود و ساختار و سازمان سپاه نیز در همین راستا شکل گیری نمود.

2 - وضعیت رژیم بعثی عراق در آستانه ی جنگ

الف - وضعیت سیاسی

در دوران حزب بعث، رئیس جمهور در عراق همه کاره بود و به عنوان رئیس دولت، نخست وزیر، فرمانده کل نیروهای مسلح و رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق، حق تصمیم گیریهای ویژه و اختیارات مطلق را داشت.

ظهور و کودتای صدام بر علیه حسن البکر، قدرت رئیس جمهور در عراق را افزایش داد و مجلس را بعنوان ابزاری مؤید تصمیمات صدام حسین بصورت تمام عیار در خدمت وی قرار داد.

ساختار ارتش بعثی عراق به گونه ای بود که صدام خود با فرمانده لشکرها و سپاه ها در تماس بود و سلسله مراتب عمودی گسترده وجود نداشت. و بسیار تمایل داشت تا خود را رهبر جهان عرب بنامد. او فردی خشن، دیکتاتور، ضد شیعه، ضد ایرانیان و دارای تعصب شدید عربی بود. این روحیه و ویژگی های صدام در تمام ارکان رژیم عراق، خود را نشان می داد. با دیکتاتوری حاکمان عراق در دوران حزب بعث، این کشور به یک ثبات نسبی و پایدار دست یافت و به سرعت خود را از نظر نظامی تقویت نمود. از زمان روی کار آمدن حزب بعث در عراق، این کشور به عنوان یکی از دولت های تحت نفوذ شوروی سابق در منطقه خاورمیانه و جزء بلوک بندی قدرت شرق محسوب می گردید و همواره نگران توسعه قدرت ایران بود.

امام خمینی (ره) درباره حزب بعث می فرماید: «ما حزب بعث را جنایتکارانی می دانیم که در حال صلح و جنگ در جنایتند. در طول حکومتشان در عراق در حال جنگ نبودند لکن جنایت آنها بر اسلام و مسلمین، بر ملت عراق، بر مراجع عظام عراق و بر علمای اسلام هر روز واقع می شد و بعد آن هم آن دیوانگی را که در فطرت آنها بود و طغیانگری را که خمیره ذاتی صدام است، آن دیوانگی را عمل کرد و عقلائی اسلام و عقلائی جهان دست به دست هم دادند که این سنگ را از چاه بیرون بیاورند لکن کار این دیوانه آن طور است که نمی شود این سنگ را بیرون آورد مگر با اسلحه و قوت ایمان.»

به هر حال تاریک ترین دوران مردم عراق، زمان حاکمیت حزب بعث بر این کشور است که جز ویرانی و جنگ، چیز دیگری نداشت.

ب - وضعیت اقتصادی

عراق کشوری ثروتمند و سرشار از منابع انرژی بوده و اقتصاد آن بر پایه نفت استوار و با بیش از 120 میلیارد بشکه ذخایر نفتی دومین کشور نفتی خاورمیانه پس از عربستان می باشد. با ملی شدن صنعت نفت در عراق در اول ژوئن 1972، ظرف تنها چند سال، عواید نفتی عراق 15 برابر شد. این ثروت بی کران بود که توانست قدرت حزب بعث را پایدار نموده و ارتش عراق را توسعه دهد و این کشور را برای جنگ با ایران آماده کند.

در ماه های آغاز جنگ، عراق با تولید نفتی به اندازه ظرفیت تولیدی ایران و با صادرات حدود 2/5 میلیون بشکه در روز، درآمد سرانه نفتی بالاتری نسبت به ایران در اختیار داشت. البته در سال 1357 هجری شمسی درآمد نفتی ایران به مراتب بیشتر از عراق بود ولی با پیروزی انقلاب اسلامی تولید و فروش نفت ایران کاهش چشمگیری یافت.

ج - وضعیت اجتماعی و فرهنگی

جمعیت عراق حدود 13 میلیون نفر بود. این کشور ترکیبی از سه قوم عرب، کرد و ترکمن بوده و فاقد عناصر لازم برای تشکیل یک ملت است.

در مجموع 96 درصد مردم عراق مسلمان می باشند و در دوران حاکمیت حزب بعث بر عراق سعی می شد تا شیعیان در جنوب و کردها در شمال عراق از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، عقب نگه داشته شوند. در این دوران به شهر تکریت توجه ویژه ای می شد و بغداد هم شاهد پیشرفت معقولی بود. رژیم عراق همیشه نگران حرکت های سیاسی شیعیان و کردها بود. بسیاری از کردهای عراق در دوران صدام، آواره شده و به خارج از کشور فرار کردند.

اقلیت اعراب سنی، بیشتر منافع و منابع مالی و اقتصادی عراق را علاوه بر قدرت اداری و حاکمیت سیاسی در اختیار داشتند.

د - وضعیت نظامی

از زمان روی کار آمدن حزب بعث، عراق همواره در پی تقویت و توسعه توان نیروهای مسلح خود بوده است. از این تاریخ، به طور مرتب بر کمیت و کیفیت ارتش بعثی عراق افزوده شد. در این دوران، عراق با استفاده از پیمان دوستی 15 ساله با شوروی، که در سال 1351 شمسی مطابق با 1972 میلادی بین دو کشور به امضاء رسیده بود، تمام نیازمندی های تسلیحاتی، آموزشی، تدارکاتی و سازماندهی ارتش بعثی را عمدتاً از شوروی تأمین می کرد.

این کشور توانست با برخی از دولت های اروپایی مانند فرانسه و ایتالیا نیز قراردادهایی به منظور تأمین جنگ افزارها و تجهیزات نظامی منعقد نماید. بر مبنای دکترین شوروی، راهبرد قدرت نظامی عراق، بر اساس یک «استراتژی زمین پایه» طرح ریزی شده بود. بنابراین ستون فقرات ارتش عراق متکی بر نیروی زمینی و تشکیل سه سپاه بزرگ، برنامه ریزی شده بود. هسته اصلی قدرت ضربت نیروی زمینی را یگان های زرهی و قدرت تحرك آن را واحدهای مکانیزه تشکیل می دادند که با آتش پر حجم توپخانه پشتیبانی می شدند. بنابراین ارتش عراق توانسته بود حدود 5450 تانک و نفربر، 1500 عراده توپخانه صحرایی، 12 لشکر زرهی، مکانیزه و پیاده، 2 تیپ مستقل، 20 تیپ گارد مرزی و 10 تیپ آموزشی به نام احتیاط و 336 فروند انواع هواپیما از جمله 250 فروند هواپیمای جنگی و 330 فروند انواع بالگرد بود.

در طی جنگ سیر تجهیز نیروی هوایی عراق به هواپیماهای فرانسوی افزایش یافت به گونه ای که در سال های پایانی جنگ ستون فقرات قدرت هوایی ارتش بعثی را میراژهای F1-2000 و انواع موشکهای هوا به هوا و هوا به سطح مانند آگزو سه و بمبهای لیزری، تشکیل می دادند.

مقایسه ی تطبیقی وضعیت دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق

با توجه به مطالب مطرح شده در این فصل، می توان وضعیت ایران و عراق را قبل از آغاز جنگ، به شرح ذیل جمع بندی نمود:

(1) - ایران در طول یک سال و نیم قبل از آغاز جنگ، درگیر و مشغول ایجاد بسترهای قانونی برای تشکیل نظام جمهوری اسلامی پس از فروپاشی رژیم شاهنشاهی بود و در نتیجه دچار اختلاف نظرها و چالشهای سیاسی به منظور روی کار آوردن دولت دائمی گردید. در حالی که در عراق حزب بعث با قدرت کامل مخلفان را سرکوب و زمام امور کشور را در اختیار داشت.

(2) - ایران دچار تروریسم از سوی گروه هایی نظیر فرقان، منافقین و درگیری های مسلحانه در برخی از استانها شده بود. و همزمان نیز درگیر با هجوم سراسری رژیم بعث عراق شد، در حالی که رئیس جمهور عراق تصفیه در درون حزب بعث را آغاز و مخالفین درون کشور را بشدت سرکوب نمود تا پس از آغاز جنگ هیچگونه نگرانی از اوضاع سیاسی داخلی کشور نداشته باشد.

(3) - روابط خارجی ایران دچار تحول اساسی گشته و بسیاری از کشورهای دوست تبدیل به دولت های متخاصم و یا دولت های غیر دوست شدند. در حالی که رژیم بعثی يك پیمان دوستی و همکاری نظامی با اتحاد جماهیر شوروی داشت و با کشورهای عضو بلوک شرق مناسبات خوبی برقرار کرده بود. همچنین دولت عراق در حال نزدیک شدن به امریکا و برخی از کشورهای اروپایی و فاصله گرفتن از سوریه به دلیل رقابت های حزبی بود.

(4) - امنیت داخلی ایران در اولویت برنامه های دولت قرار داشت و ایجاد یک دولت با ثبات و نهادهای قانونی مردمی نیز مهمترین دغدغه مسئولین کشور بود. در حالی که عراق دارای ثبات سیاسی، ساختار یکپارچه و قدرت متمرکز، استبدادی، دیکتاتوری، با حاکمیت امنیتی و پلیسی در کشور و بدون نگرانی از يك تهدید خارجی بود.

(5) - از نظر ساختاری، ایران قبل از آغاز جنگ، فاقد نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی بود که بتواند بطور منظم مسائل مربوط به تهدیدات نظامی و امنیتی علیه کشور را بررسی، ارزیابی و مورد مطالعه قرار داده و بحران های امنیتی و دفاعی را مدیریت نموده و کنترل نماید و تهاجم نظامی ارتش عراق زمانی آغاز شد که ایران آمادگی ورود به یک جنگ تمام عیار را نداشت. (6) - با توجه به این که حداکثر جمعیت ایران را شیعیان تشکیل می دهند و از طرفی حزب بعث دارای اندیشه ای ضد شیعی و ضد ایرانی بوده لذا سعی می کرد جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تهدید جدی معرفی و به دنبال برتری جویی و تلاش برای توسعه قدرت عراق در جهان عرب بود.

در نهایت می توان گفت: ایران در شرایط قبل از آغاز جنگ، از نظر نظامی در وضعیت نابسامان، از نظر سیاسی متشتت و دچار چند دستگی و اختلافات داخلی، از نظر اقتصادی در حال آشفتگی و از نظر بین المللی نیز در شرایط نسبتاً منزوی بسر می برد. اما رژیم عراق در آستانه جنگ تحمیلی، دارای ثبات سیاسی، ساختار یکپارچه و قدرت متمرکز، استبدادی، دیکتاتوری، با حاکمیت امنیتی و پلیسی در کشور و بدون نگرانی از یک تهدید خارجی بود.

3 - نقش نظام بین الملل در وقوع جنگ

الف- کشورهای منطقه

چند ماه قبل از آغاز جنگ در 1359/3/14 صدام حسین رئیس جمهور عراق در شهر طائف عربستان با بعضی از سران کشورهای عربی ملاقات نمود و اطلاعاتی از اوضاع اقتصادی، اجتماعی و نظامی ایران از آنها دریافت نمود. (نجف پور، 1383: 67) با آغاز جنگ، عراق بلافاصله از پشتیبانی تقریباً همه کشورهای عربی خلیج فارس و نیز اردن و مصر برخوردار شد. عربستان سعودی و کویت توافق کردند تا تولید نفت خود را افزایش داده و این اضافه تولید را برای عراق به فروش برسانند.

از سوی دیگر کویت با به اجرا گذاشتن مقررات جدیدی سعی نمود تا ایرانیان و شیعیان طرفدار انقلاب اسلامی را در آن کشور تحت فشار قرار دهد. اردن بندر عقبه را به منظور تدارک ارتش بعثی عراق در اختیار آن کشور قرار داد و جاده ارتباطی اردن به عراق، مهم ترین مسیر تدارکاتی ارتش عراق و نیز صادرات نفت عراق از طریق تانکرهای نفتکش شد.

با ادامه جنگ، روابط کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با دولت عراق گسترده تر شد و این کشورها کمک های مالی فراوانی به دولت عراق کردندو برخی از کشورهای عربی مانند الجزایر که در جنگ بی طرف بودند، اکثر کشورهای عربی از عراق پشتیبانی می کردند. برای مثال مصر که کشور فقیری بود با اعزام صدها هزار نفر کارگر به عراق، امکان بسیج نیروی انسانی به جبهه ها را برای عراق فراهم آورد.

از سوی دیگر، حافظ اسد رئیس جمهور سوریه طی مصاحبه ای با روزنامه السفير در 1359/8/17 جنگ عراق با ایران را محکوم و آن را برای انحراف افکار عمومی اعراب از مبارزه با اسرائیل و به نفع امریکا ارزیابی کرد. این اقدام سوریه موجب شد تا عراق بلافاصله روابط سیاسی خود را با سوریه قطع کند. لیبی یکی دیگر از کشورهای عربی و آفریقایی بود که از ابتدای جنگ در طرف ایران قرار گرفت و معتقد بود جنگ باید تا سقوط صدام ادامه یابد.

ب- کشورهای فرامنطقه ای

(1) - ایالات متحده ی آمریکا

برخی از صاحب نظران معتقدند که تصمیم قطعی به آغاز جنگ از تیرماه 1359 که برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا در مرز اردن با صدام حسین ملاقات کرد، اتخاذ گردید. بعضی سیاستمداران می گویند قدرت های جهانی با این جنگ موافق بودند، چون در جهت منافع آنها بود. آمریکا اعتقاد داشت که درگیر کردن ایران با جنگ، باعث می شود تا مسئولان کشور در سیاستهای خود تجدید نظر کنند.

البته خود آمریکا مدعی است که قبل از اشغال لانه جاسوسی، مقامات ایران را از حمله احتمالی عراق مطلع کرده است و حتی کشور عمان را از همکاری با عراق در استفاده از پایگاه های آن کشور برحذر داشته است ولی آنچه مشخص است این است که هیچ يك از قدرت های بزرگ جهانی از جمله آمریکا و شوروی مانع از حمله ارتش عراق به ایران نشدند و از ابزار شورای امنیت نیز برای توقف جنگ، استفاده نکردند. آمریکا رژیم عراق را بعنوان آغازگر جنگ محکوم نکرد و در برابر اقدامات غیر قانونی عراق در نقض معاهده الجزایر، سکوت اختیار کرد.

در هنگامی که جنگ اتفاق افتاد، نه تنها ایران از سوی آمریکا در وضعیت تحریم تسلیحاتی به سر می برد بلکه به دلیل گروگان گیری اعضای سفارت آمریکا در تهران، روابط سیاسی آمریکا با ایران قطع گردیده و با حمله ی نظامی آمریکا به طیس، وضعیت بحرانی بر روابط دو کشور حاکم بود. آمریکا جنگ را فرصت مناسبی برای تضعیف و فشار به ایران، جهت بازگرداندن ایران به دامان ایالات متحده می دانست.

امریکا در جریان جنگ عراق با ایران، از رژیم بعثی عراق حمایت کرد. امریکا در تلاش بود تا دو طرف درگیر در جنگ را در کنترل خود، داشته باشد. البته امریکا می خواست که عراق پیروز و فاتح میدان جنگ باشد ولی نمی خواست که عراق بر منطقه خلیج فارس مسلط شود.

(2) - اتحاد جماهیر شوروی

در زمان آغاز جنگ، شوروی گسترده ترین روابط سیاسی و نظامی را با دولت بعثی عراق داشت و عراق را یکی از کشورهای بلوک شرق محسوب می کرد. گرچه روابط سیاسی شوروی با ایران نیز برقرار بود و سفارت خانه های دو کشور فعال بوده ولی روابط با ایران در شرایط شکننده ای قرار داشت. در اوایل انقلاب که حزب توده در ایران فعال بود و تمام فراریهای حزب توده از خارج به ایران برگشته و سازماندهی گسترده ای انجام داده بودند، شوروی به تأثیر گذاری آنها امیدوار شده بود. با آغاز جنگ، اتحاد جماهیر شوروی، وقفه ای 8 ماهه را در ارسال سلاح های خود به عراق صورت داد، زیرا حزب بعث عراق، قبل از آغاز جنگ، سرکوب حزب کمونیست آن کشور را آغاز کرده بود و گرایش زیادی به تأمین تجهیزات نظامی از کشورهای اروپایی نشان می داد. همزمان با قطع ارسال سلاح از سوی شوروی به عراق، این کشور به دولت های اروپای شرقی دستور داد تا سلاح های ساخت شوروی خود را برای عراق ارسال نمایند. بدین صورت تسلیحات، مهمات و قطعات یدکی مورد نیاز ارتش عراق از کشورهای اروپای شرقی تأمین و از طریق بندر عقبه در اردن در اختیار ارتش عراق قرار می گرفت.

عمده ترین تأمین کنندگان سلاح برای ارتش عراق در دوران جنگ، کشورهای شوروی و فرانسه بودند. از سوی دیگر به دلیل اشغال افغانستان به دست ارتش سرخ، قبل از آغاز جنگ عراق با ایران، شوروی انتظار سکوت ایران در برابر این واقعه را داشت، ولی ایران به صورت جدی با حمله به افغانستان مخالفت کرد و این موضوع باعث شد تا شوروی به حمایت خود از عراق ادامه دهد تا بدین وسیله بتواند به ایران فشار وارد نماید.

(3)- رژیم صهیونیستی اسرائیل

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت اسرائیل در تهران تعطیل و با حضور یاسر عرفات، سفارت فلسطین در ایران افتتاح گردید. مردم در خیابان ها شعار امروز ایران، فردا فلسطین را سر می دادند. این نوع اقدامات، اسرائیل را تبدیل به دشمن اصلی ایران کرد و توجه رژیم صهیونیستی از کشورهای عربی به سوی جمهوری اسلامی جلب شد. در زمان آغاز جنگ، هیچ يك از دو کشور ایران و عراق با رژیم صهیونیستی روابط دیپلماتیک نداشتند. اسرائیل نسبت به هر دو کشور نگرانی داشت. ایران را خطر بزرگی برای خود محسوب می کرد و از نزدیکی مردم عراق با ایران نگران بود. جنگ عراق با ایران موجب شد تا مسئله فلسطین در سطح کشورهای عربی و در جهان اولویت خود را از دست بدهد.

ج- سازمان های بین المللی

طبق ماده 51 منشور سازمان ملل متحد هر کشوری که مورد تجاوز قرار گیرد، باید از کلیه ابزار و ادوات نظامی برای دفاع از تمامیت ارضی خود، استفاده کند. از سوی دیگر این کشور، باید بلافاصله شورای امنیت سازمان ملل را در جریان قرار داده و درخواست برگزاری جلسه فوری بنماید. از آنجا که به هنگام آغاز جنگ، ایران فاقد وزیر امور خارجه بود و کشورهای غربی نیز در تخاصم شدید با ایران قرار داشتند، متأسفانه ایران اقدامات حقوقی لازم را انجام نداده و از شورای امنیت سازمان ملل درخواستی برای تشکیل جلسه فوری نکرد.

فصل پنجم

علل، اهداف و زمینه سازی رژیم بعث عراق در تهاجم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران

الف- علل سیاسی

(1)- جلوگیری از نفوذ و صدور انقلاب شیعی در عراق

انقلاب اسلامی با شعار صدور انقلاب و حاکمیت اسلام بر سراسر کره زمین به پیروزی رسیده بود. طبیعی بود نخستین مراکزی که از نظر ایدئولوژیک مورد توجه انقلاب اسلامی قرار میگرفت، کشورهای همسایه بودند. در میان همسایگان ایران، کشور عراق با داشتن 62% شیعه، خطر را بیش از دیگر کشورها احساس میکرد.

(2)- براندازی نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران

در کتاب منتشره از سوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در سال 1361 در صفحات 25 و 8 از قول طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق که در مقام فرماندهی ارتش خلقی عراق بوده آورده است: «این جنگ برای عهدنامه 1975 و یا چندصد کیلومتر خاک و یا نصف شط العرب (اروندرو) نیست... ما بر این نکته تأکید میکنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید مگر اینکه رژیم حاکم بر ایران از بین برود.»

(3)- خروج از تنگنای ژئوپلیتیک عراق و دسترسی بیشتر به آب های آزاد
نوک پیکان حملات عراق متوجه منطقه خوزستان بود. اشغال این منطقه برای عراق چند
فایده در برداشت:

(الف)- عراق با اشغال خوزستان و بوشهر می توانست مرز دریایی خود را به میزان
زیادی گسترش داده و از بن بست ژئوپلیتیک خارج شده و نفوذ خود را به راحتی در خلیج
فارس وسعت بخشد.

(ب)- منطقه بسیار حاصلخیز خوزستان، دارای معادن عظیم نفت و گاز بود و اشغال
چنین سرزمینی، هم باعث نفوذ شدید عراق در بازار نفت می شد و همچنین تصرف جلگه پرآب
و سرسبز خوزستان وسعت کشور او را افزایش می داد.

(ج)- با توجه به اینکه مردم خوزستان، عمدتاً عرب زبان اند، صدام تصور می کرد اگر
به ایران حمله کند، مردم عرب زبان به استقبال او آمده و به حمایت از ارتش بعث عراق برمی
خیزند.

(4)-عقدہ حقارت تاریخی صدام در خصوص امضای قرارداد 1975 الجزایر و اقدام برای
جبران آن

صدام برای اقناع افکار عمومی عراق و جهان عرب که امضای قرارداد 1975 الجزیره را
نشانه ی ضعف او در برابر قدرت ایران میدانستند، در اولین فرصت مناسب قرارداد را لغو کرد.
(5)- همسو و موافق بودن کشورهای منطقه با تصمیم صدام در تهاجم به جمهوری اسلامی

ایران

کشورهای منطقه با تصمیم صدام برای حمله به ایران به دلیل احساس خطر مشترک این
کشورها از انقلاب اسلامی سو بودند. زیرا انقلابی که توانسته بود رژیم پادشاهی 2500
ساله را سرنگون کند میتواند خطری جدی برای کشورهای منطقه باشد زیرا این کشورها
ویژگی های مشترکی با رژیم شاهنشاهی داشتند .

(6)- تضاد ایدئولوژیک

شعار پان عربیسم حزب بعث هیچگونه هماهنگی با تفکر وحدت مسلمین امام خمینی(ره)
نداشت. لذا یکی از اهداف صدام برای تجاوز به ایران اسلامی، رقابت ایدئولوژیک با انقلاب
اسلامی ایران بود. ایدئولوژی حزب بعث با طرح شعارهایی چون: وحدت جهان عرب،
سوسیالیسم، ناسیونالیسم عربی و ... در پی متحد ساختن اعراب و جلب توجه آنان به رهبری
حزب بعث عراق بود.

(7)- باور صدام به حمایت اعراب ایرانی خوزستان از تهاجم عراق

(8)- آرزوی صدام برای رهبری جهان عرب و به دست آوردن ژاندارمی در منطقه

(9)- ماهیت اخلاقی شخص صدام و جاه طلبی وی در امر کشور گشایی و برتری طلبی

(10)- ضعف سیاست خارجی ایران

(11)- عدم وحدت نظر و همدلی بین دولت، نهادهای سیاسی و مذهبی ایران

(12)- چراغ سبز آمریکا به عراق در مورد تهاجم به جمهوری اسلامی ایران

در این رهگذر منافع مختلفی نصیب آمریکا می شد از جمله فشار به ایران در جهت آزادی گروگان های سفارت آمریکا.

(13)- اظهار نظر و مصاحبه های ناآگاهانه بعضی از مقامات سیاسی و نظامی وقت ج.ا.ا در مورد مالکیت ارضی تیسفون و مدائن و بصره که موجب سوء استفاده طرف های عراقی در مورد زدن برجسب به ناحق کشورگشایی به ج.ا.ا می گردید.

ب - علل نظامی

(1)- کاهش نیروهای ارتش توسط دولت بازرگان به طوری که در تاریخ 58/2/9 اعلام داشت که ایران به ارتش 500 هزار نفری نیازی ندارد و تعداد ارتشیان کاهش خواهد یافت.

(2)- لغو قراردادهای نظامی توسط دولت بازرگان از جمله زیردریانی ها و تانک های شیر 1 و شیر 2 و هواپیماهای پیشرفته و ناوچه های موشک انداز مدرن.

(3)- کاهش مدت خدمت سربازی از 24 ماه به 12 ماه و سپس برگشت آن به 18 ماه پس از

4 ماه.

(4)- شعار انحلال ارتش از سوی گروه های ضدانقلاب و تأثیر روانی آن بر روی روحیه ی کارکنان ارتش.

(5)- قطع پشتیبانی های همه جانبه ی نظامی و تدارکاتی کشورهای غربی و شرقی از ارتش جمهوری اسلامی ایران و تحریم تسلیحاتی ایران.

(6)- برکناری و یا فرار فرماندهان رده ی بالای ارتش و ایجاد ضعف مدیریت در ارتش.

(7)- رکود در برنامه های آموزشی و از کار افتادن سلاح و تجهیزات به علت عدم انجام

نگهداری و تعمیرات دوره ای.

(8)- انتقالات و انتصابات غیرمنطقی و شتابزده فرماندهان و پرسنل فنی و متخصص در

ارتش.

(9)- بی اعتمادی و بدبینی مسنولین، نسبت به فرماندهان ارتش در اثر وقوع کودتای نقاب (پادگان شهید نوژه ی همدان).

(10)- درگیر شدن قسمت قابل ملاحظه ای از یگان های ارتش در ناآرامی های داخلی از جمله کردستان و عدم حضور آنان در مناطق مرز مشترک با عراق به عنوان عامل بازدارنده.

(11)- آمادگی رزمی ارتش عراق و پیش بینی و برنامه ریزی برای شروع جنگ از یک سال

قبل از تهاجم. یعنی در زمینه ی برنامه ریزی برای جنگ مشکلی وجود نداشت و طرح های لازم با تمام جزئیات از یک سال گذشته تهیه شده بود و به طور مستمر مرور می شد. 1 و در مقابل، آماده نبودن ارتش جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در یک جنگ همه جانبه. 2

(12)- فرصت طلبی صدام حسین جهت بهره برداری از ضعف مقطعی ارتش ایران.

¹سرلشکر سامرایی در صفحه 53 کتاب ویرانی دروازه شرقی می نویسد: «در زمینه برنامه ریزی برای جنگ مشکلی وجود نداشت، طرح های لازم با تمام جزئیات، از یک سال گذشته تهیه شده بود و بطور مستمر مرور می شد»
²سرلشکر عراقی و فقیق سامرایی، در صفحه 42 و 43 کتاب «ویرانی دروازه شرقی» چنین می گوید:
« پس از سرنگونی شاه، توانمندی رزمی ایران، به سرعت کاهش یافت و تا 40 درصد توانمندی سابقش افت کرد.....نیروهای ما و وضعیت عراق، از برتری کاملاً آشکاری برخوردار بودند.....»

تصمیم گیرندگان تهاجم عراق به ایران در تجزیه و تحلیل خود از اوضاع ارتش ایران، از هم پاشیدگی مقطعی بنیه‌ی دفاعی ایران رانقطه‌ی امید‌ی برای صدام می‌دانستند، کما اینکه طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق سه ماه قبل از حمله، گفته بود: «امروز ارتش ایران از هم پاشیده شده است.»

(13)- خروج 12 هزار مستشار آمریکایی از ایران، ظاهراً قدرت دفاعی ارتش را در زمینه های آموزشی و تعمیر و نگهداری تقلیل داده بود.

ج- علل اقتصادی

مشکلات اقتصادی ایران در سال 59 کمتر از مشکلات سیاسی نبود، بحث تحریم اقتصادی و کاهش قیمت نفت موجب تضعیف بنیه‌ی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران گردیده بود. قسمتی از این مشکلات به شرح زیر بودند:

(1)- مشکل فروش نفت و توطئه‌ی دشمنان خارجی در بازارهای نفتی و ایجاد تزلزل در قیمت پایه‌ی نفت در سازمان اوپک.

(2)- بلوکه شدن دارایی‌های ایران در بانک‌های آمریکا و تحریم اقتصادی ایران.

(3)- حرکت کند چرخ‌های اقتصادی کشور به دلیل عدم امکان تهیه و خرید قطعات و لوازم یدکی کارخانجات.

(4)- عدم پیش‌بینی راه‌حل‌های اقتصادی متناسب با استراتژی عدم وابستگی به شرق و غرب.

(5)- معلق ماندن و بلا تکلیف بودن قراردادهای اقتصادی ایران با کشورهای غربی که عمدتاً در زمان رژیم گذشته منعقد شده بود.

(6)- کمک‌های اقتصادی و مالی کشورهای عربی به عراق، سبب تقویب بنیه‌ی اقتصادی عراق و به تبع آن نیروهای مسلح گردیده بود.

2- اهداف کلی رژیم بعث عراق در تهاجم علیه جمهوری اسلامی ایران

الف- سرنگون کردن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران. (به علت هراس رژیم بعث عراق از رخنه و تأثیرگذاری پیام انقلاب اسلامی در عراق)

ب- تجزیه استان خوزستان و الحاق آن به عراق.

ج- خروج از تنگنای ژئوپلیتیک عراق با تصرف سواحل شمال خلیج فارس.

د- حاکمیت مطلق بر آبراه اروندرود و لغو قرارداد 1975 الجزایر.

ه- کسب رهبری جهان عرب.

و- استرداد جزایر سه‌گانه ایرانی (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک).

3- زمینه‌سازی رژیم بعث عراق جهت تهاجم به نظام جمهوری اسلامی ایران

(1)- اخراج و مصادره اموال منقول و غیرمنقول حدود پنجاه هزار نفر از اتباع شیعه مذهب عراق به اتهام ایرانی الاصل بودن آن‌ها.

(2)- ایجاد مزاحمت و محاصره‌ی اقامتگاه علمای برجسته و روحانیون ایرانی که در عتبات عالیات به سر می‌بردند و ایجاد تضییقات عدیده جهت مسافرت ایرانیان به عتبات عالیات.

- (3)- پناه دادن به بسیاری از ضدانقلابیون فراری به عراق و وابستگان رژیم گذشته ایران.
- (4)- تأسیس رادیو‌هایی به زبان های فارسی، ترکی، ارمنی، کردی، ترکمنی، بلوچی و عربی جهت تحریک اقوام ایرانی و ایجاد تفرقه و فتنه های قومی و مذهبی در داخل ایران.
- (5)- ایجاد دفتر به اصطلاح آزادی بخش خوزستان و کوشش مذبحانه ای برای تحریک ایرانیان عرب زبان علیه جمهوری اسلامی ایران
- (6)- چاپ نقشه های جعلی استان خوزستان و تغییر اسامی شهرهای منطقه.
- (7)- اظهارات و اعمال تهدیدآمیز مانند :
- (الف)- صدام در فروردین ماه 1359 در اجتماعي در شمال عراق گفت :«عراق آماده است با زور تمام اختلافات خود را با ایران حل کند.»
- (ب)- خروج بي قيد و شرط ایران از جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی.
- (ج) بازگرداندن دنباله شط العرب به حالت قبل از معاهده 1975.
- (د) به رسمیت شناختن عربی بودن استان خوزستان (با نام جعلی).
- صدام در 1359/2/12 طی سخنرانی اعلام کرد : " نه خمینی (امام) و نه هیچکس دیگری نمی تواند مانعی در راه ارتش ما باشد".
- (8)- اعزام عده ای از خرابکاران آموزش دیده عراقی به داخل خاک ایران در لباس ایرانیان اخراجی به منظور خرابکاری در مراکز حیاتی.
- (9)- احداث پاسگاه های جدید مرزی و تقویت پاسگاه های قدیمی مرزی.
- (10)- فراخوانی نیروهای ذخیره ارتش عراق به جز افراد ایرانی الاصل.
- (11) - حمله به پاسگاه های مرزی ایران و به اسارت بردن تعدادی از مردم روستاهای مرزی، نیروهای نظامی و ژاندارمری.
- (12)- پرداخت مبلغ یکصد میلیون دلار به کشور اردن برای ایجاد تسهیلات عبور وسایل جنگی از طریق بندر عقبه.
- (13)- انتقال هواپیماهای نظامی و مسافربری از عراق به فرودگاه های عربستان و اردن بمنظور حفظ سلامت آن ها.
- (14)- انتقال کشتی های باری و تجاری عراق از اروندرود و بندر بصره به بنادر و مناطق دیگر.
- (15)- تخریب لوله های نفت ایران توسط عوامل خرابکار رژیم بعث.
- (16)- رزمایش یگان های ارتش عراق در مناطق و سرزمین های مشابه با ایران.
- (17)- استقرار یگان های نظامی و ایجاد مواضع در سرتاسر مرز.

فصل ششم

هجوم سراسری و اشغال مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران

با فراهم شدن زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی، حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران در دستور کار سران رژیم بعث عراق و استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا قرار گرفت. 1

صدام حسین که پیش از این در برابر اسناد مسلم تاریخی ایران مجبور به پذیرش حاکمیت ایران بر آبراه مشترک مرزی اروندرود براساس خط تالوگ شده بود بدلیل برخورداری از خوی جاه طلبی خود درصدد برآمد تا قرارداد الجزایر را که با امضای شخص او صورت گرفته بود نادیده گرفته و همچنین بمنظور تحقق آرزوهای قدیمی اش در زمینه ثبت شدن نامش در تاریخ از طریق یک اقدام بزرگ نظامی مایل بود با ایران وارد جنگ شود. بعلاوه به قدرت رسیدن نظام اسلامی در ایران، در دو بعد منطقه ای و جهانی موجب نگرانی کشورهای منطقه و عموم کشورهای غربی بویژه ایالات متحده ی آمریکا، انگلیس و فرانسه شده بود و حزب بعث توسعه طلب عراق اطمینان داشت فرصت طلایی برای بازگرداندن حاکمیت و سلطه بر شط العرب (اروند رود) و برطرف کردن مشکل ژئوپلیتیکی کشور عراق با دسترسی به قسمتی از سواحل شمال غربی خلیج فارس و آزاد کردن عرب زبانهای استان خوزستان از تابعیت ایران فرا رسیده است. بر همین اساس ارتش بعثی عراق علاوه بر تهاجم هوایی، یگان های نیروی زمینی خود را در سه سپاه سازماندهی و در مناطق شمالی، میانی و جنوبی برای اشغال اهداف پیش بینی شده مستقر نمود.

1 - تهاجم گسترده ی هوایی عراق در تاریخ 31 شهریور 1359

در ساعت 12:00 به وقت بغداد روز 31 شهریور 1359 نیروی هوایی ارتش عراق با 192 فروند هواپیمای جنگنده بمب افکن برای انهدام پایگاههای هوایی، فرودگاهها و مراکز حساس و حیاتی ایران حمله هوایی گسترده ای را آغاز نمود. هدف از این عملیات هوایی بمباران پایگاه های هوایی تهران، تبریز، دزفول، همدان، بوشهر، شیراز، اصفهان و فرودگاههای کرمانشاه، سنندج و ارومیه بود. ولی با فرا رسیدن شب معلوم شد که نتیجه حمله ی هوایی کاملاً نا موفق بوده و همه ی آسیبی که به ایران وارد شده بود صرفاً انهدام یک هواپیمای جنگی و یک هواپیمای مسافربری بود درحالیکه عراق یک فروند هواپیمای بمب افکن سنگین ساخت شوروی از نوع توپولوف شانزده را از دست داد.

2- محورهای پیشروی و اهداف عملیاتی رژیم بعث عراق در تهاجم زمینی

الف- سپاه یکم(منطقه ی شمالی) مجاور مرزهای آذربایجان غربی و کردستان از دالامپرداغ(محل تلاقی مرزهای ایران، ترکیه و عراق) تا باویسی(حدود 20کیلومتری شمال قصر شیرین) با لشکرهای 7پیاده کوهستانی و لشکر 11پیاده (منهای تیپ 49پیاده) و تعدادی از تیپ های احتیاط و گارد مرزی بمنظور تأمین هدف های ذیل مأموریت داشتند :

(1)- کنترل معابر و محورهای وصولی مناطق مرزی شامل :

(الف)- محور موصل-رواندوز-حاج عمران-پیرانشهر

(ب)- محور اربیل- قلعه دیزه- سردشت

(ج)- محور سید صادق- پنجوین- باشماق- مریوان

(2)- پشتیبانی نظامی و مالی از گروه های شورشی و تروریستی که در سرتاسر این منطقه از اوایل سال 1358 برای جداسازی با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران درگیر نبرد بودند.

(3)- برقراری امنیت و حفظ نقاط حساس و حیاتی کردستان عراق در مقابل تهدیدات حزب دموکرات کردستان عراق و سایر گروه های جنبش های مسلحانه ی منطقه.

ب- سپاه دوم (منطقه میانی) از باویسی (شمال قصر شیرین) تا چنگوله (جنوب مهران) حدود 400 کیلومتر قرارگاه سپاه دوم از بغداد به قزل رباط (جنوب جلولا) تغییر مکان و با در اختیار گرفتن لشکر های پیاده کوهستانی و زرهی و تیپ های مستقل، احتیاط و گارد مرزی مأموریت داشت با استفاده از محورهای موجود اهداف پیش بینی شده را اشغال نماید.

محورهای پیشروی ارتش بعث عراق به منطقه ی میانی:

1- میدان- باویسی- تپله کوه- تپه رش- سر پل ذهاب

2- خانقین- خسروی- قصر شیرین- سر پل ذهاب

3- خانقین- خسروی- قصر شیرین- گیلان غرب

4- نفت خانه- نفت شهر

5- مندلی- سومار

6- بدره- زرباطیه- مهران

اهداف تهاجم ارتش بعث عراق به منطقه ی میانی

(1)- تصرف شهرهای مرزی (قصر شیرین- نفت شهر- سومار و مهران) و سپس شهرهای سر پل ذهاب و گیلان غرب به منظور بهره گیری تبلیغاتی و آوارگی مردم برای ایجاد مشکل برای دولت جمهوری اسلامی ایران.

(2)- تصرف عوارض حساس ارتفاعات زاگرس به منظور اطمینان از یک پدافند مطمئن و ایجاد یک فضای امن برای شهرهای خود در این منطقه.

ج- سپاه سوم (منطقه ی جنوبی) از چنگوله تا فوا حدود 385 کیلومتر. قرارگاه سپاه سوم از ناصریه به منطقه ی حارثه در حومه ی بصره تغییر مکان و با در اختیار گرفتن لشکرهای مکانیزه، زرهی، تیپ های مستقل و نیروی مخصوص، مکانیزه، گارد ریاست جمهوری، و تعدادی تیپ های احتیاط و گارد مرزی مأموریت داشت با استفاده از محورهای موجود، استان خوزستان را که در نقشه های عراق، استان عربستان نامگذاری شده بود اشغال نماید.

محورهای هجوم ارتش عراق به جنوب غربی ایران :

1- علی غربی- ارتفاعات حمزین- عین خوش- تپه های علی گره زد- پل نادری- شهر دزفول

2- فکه- تپه بر غازه- ارتفاعات ابوصلیبی خات (تپه های رادار)- شهر شوش

3- سوبله- تنگ چزابه- بستان- تپه های الله اکبر- شهر سوسنگرد

4- نشوه- طلایه- شهر سوسنگرد

5- تنومه- کوشک- شهر اهواز

6- شلمچه - شهر خرمشهر

7- شلمچه- مارد- شرق کارون- شهرآبادان

اهداف تهاجم ارتش بعث عراق به منطقه ی جنوبی

- (1)-کنترل کامل اروندرود با تصرف خرمشهر و آبادان.
 - (2)- دسترسی به سواحل شمال غربی خلیج فارس با تصرف بنادر امام و ماهشهر.
 - (3)- تصرف منابع مهم نفت و گاز با هدف تضعیف و نابودی اقتصاد ایران.
 - (4)- تصرف استان خوزستان و آزاد کردن مردم عرب زبان این استان.
 - (5)- تحمیل اراده به جمهوری اسلامی ایران و یا سرنگونی نظام.
- با حرکت و جابجایی گسترده و استقرار نیروهای ارتش بعثی عراق در خطوط مرزی در 17 سپتامبر 1980 م (26 شهریور 1359 ه.ش) شب هنگام نمایندگان مجمع ملی عراق برای تشکیل جلسه ای فوق العاده دعوت شدند و صدام حسین فرمانده کل قوا طی سخنرانی مفصلی، لغو قرارداد 1975 م الجزایر را که خود امضاء کرده بود اعلام نمود.

وی در این جلسه توضیح داد که چون زمامداران ایران با مداخله آشکار در امور داخلی عراق با پشتیبانی و مسلح کردن شورشیان کرد، قصد براندازی نظام ما را دارند لذا همان طوری که شاه از استرداد اراضی عراق خودداری نمود و ما ناگزیر شدیم همان سرزمین هارا (منظور صدام مناطق زین الکش و میمک میباشد که در 17 و 19 شهریور 1359 اشغال نمودند) به زور آزاد کنیم، بنابراین در مقابل شما اعلام می دارم که قرارداد 1975 م از طرف ما ملغی است.

او که در مقابل تلویزیون سخنرانی می کرد قرارداد را درمقابل بینندگان تلویزیون پاره کرد و اضافه نمود ما این تصمیم تاریخی را برای بدست آوردن حاکمیت بر اراضی و آبهای خود گرفتیم و علیه هرکس که بخواهد با این تصمیم مشروع ما مخالفت نماید با تمام قدرت و شایستگی، مقابله خواهیم کرد.

3 - مناطق اشغال شده و آخرین حد پیشروی ارتش بعث عراق

در سپیده دم روز اول مهرماه 1359 ه.ش تهاجم زمینی ارتش بعث عراق با عبور از خطوط مرزی ایران برای اشغال اهداف پیش بینی شده در عمق خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز شد که نتایج اشغال در هر یک از استان های مجاور مرز به شرح زیر می باشد :

الف- استانهای آذربایجان غربی و کردستان

نیروهای سپاه یکم ارتش بعث عراق در وصول به اهداف خود با مشکلی مواجه نشده و موفق شدند با حمایت از گروه های شورشی و ضد انقلاب ایران از رهائی نیروهای مسلح ایران درگیر نبرد، جلوگیری نمایند.

ب- استان های ایلام و کرمانشاه

در استان ایلام بخشی از نیروهای سپاه دوم موفق شدند روز دوم مهرماه شهر مهران را اشغال نمایند. در روز سوم مهرماه پیشروی متجاوزین در ارتفاعات کاتی سخت و سد کنجان چم دفع شد و نیروهای عراقی از ورود به شهر صالح آباد بازماندند و بدین ترتیب نیروهای متجاوز در استان ایلام از ادامه پیشروی باز مانده و زمینگیر شدند.

شهر موسیان در ساعت 15:00 روز 12 مهرماه توسط نیروهای از سپاه سوم اشغال شد ولی متجاوز برای اشغال شهر دهلران اقدام جدی به عمل نیاورد.

در استان کرمانشاه شهرهای مرزی سومار و نفت شهر در روز دوم و قصرشیرین در روز چهارم مهرماه توسط دشمن اشغال شد. متجاوزین از روز سوم تا پنجم مهرماه تلاش گسترده ای را برای تصرف شهرهای سرپل ذهاب در سه راه گردنه پاتاق و گیلان غرب در سر راه گردنه ی قلاجه به عمل آوردند ولی در اثر مقاومت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در کنار نیروهای مردمی و بومی موفق به تصرف این دو شهر نشدند و در غرب این دو شهر در ارتفاعات دستک، قراویز، بازی دراز و تنگ حاجیان زمینگیر و از روز ششم پیشروی متجاوزین در استان کرمانشاه نیز متوقف گردید در حالی که تا وصول به اهداف پیش بینی شده ده ها کیلومتر فاصله داشتند. دستاورد سپاه دوم ارتش عراق در این دو استان اشغال چهارشهر کوچک مرزی و حدود سه هزار کیلومتر از سرزمین های حاشیه مرز بود.

ج- استان خوزستان

(1) - جبهه ی شمالی (غرب دزفول- شوش)

نیروهائی از سپاه سوم در روزهای پنجم و ششم مهرماه به حوالی پل سرخه نادری و شوش در غرب رودخانه کرخه رسیدند. گرچه تلاشهای محدودی در روز ششم مهرماه در منطقه ی سرخه نادری و روزهای هفتم و دهم مهرماه در منطقه ی شوش برای عبور از رودخانه ی کرخه برای اشغال سرپل هائی به عمل آوردند ولی با مقاومت اندک نیروهای ایرانی مواجه و متوقف شدند.

به نظر میرسد مهمترین عامل مقاومت و ایستادگی نیروهای رزمنده ی جمهوری اسلامی ایران به خصوص نیروهای مردمی و مقاومت آن ها در کلیه مناطق بخصوص شهر خرمشهر بود که موجب گردید آهنگ پیشروی نیروهای سپاه سوم مختل و سران ارتش عراق برای ادامه ی پیشروی و استفاده از موفقیت های به دست آمده دچار تردید شوند و تا روشن شدن وضعیت در سرزمین های غربی رودخانه ی کرخه متوقف گردند و حتی در اشغال سرپلی در غرب رودخانه ی کرخه در منطقه ی سرخه نادری به مساحت حدود 20 کیلومتر مربع توسط نیروهای ایرانی، عکس العملی به غیر از آتشباری توپخانه برای انهدام نیروهای مستقر در سرپل به عمل نیاورند.

با اشغال خرمشهر در چهارم آبان ماه تلاش های آفندی متجاوز برای اشغال کامل استان خوزستان متمرکز گردید و لذا در نهم آبان ماه همزمان با پیشروی برای اشغال آبادان تهاجم گسترده ای را برای اشغال شهر دزفول آغاز نمود. نیروهای سپاه سوم با اجرای آتش سنگین به نیروهای خودی مستقر در سرپل سرخه نادری از ساعت 5:30 تا 18:30 در مدت 13 ساعت مداوم شش بار و هر بار با یک یگان تازه نفس حمله نمودند جنگ تن به تن بارها در سنگرهای مقدم پدافندی جریان داشت و نهایتاً در اثر مقاومت مدافعین ایرانی، متجاوز با تحمل تعداد زیادی کشته و زخمی از پیشروی بازماند.

اظهارات اسرا و پناهندگان عراقی حاکی از این بود که فرمانده ی لشکر 10 زرهی در روز قبل اعلام نموده بود که با قبول 60 درصد تلفات ناهار را در دزفول صرف خواهیم کرد. حمله ی یگان های دیگری از سپاه سوم در منطقه ی شوش توسط مدافعین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مقاومت های مردمی سرکوب و دفع گردید.

(2) - جبهه ی میانی (سوسنگرد - اهواز)

نیروهائی از سپاه سوم ارتش بعث عراق در مسیر چزابه، تپه های سوسنگرد و الله اکبر موفق شدند در روز چهارم مهرماه شهر بستان را تصرف و در روز پنجم با عقب راندن نیروهای خودی از تپه های الله اکبر تا حوالی 3 کیلومتری روستای هوفل در شمال غربی سوسنگرد پیشروی نمایند و نیروی دیگری در مسیر نشوه، طلانیه و سوسنگرد موفق شد بدون برخورد به مقاومت مؤثر به حوالی سوسنگرد برسد.

نیروهای عراقی با تپانی با عناصر ضد انقلاب وارد شهر شدند و با گماردن 16 نفر مزدور در مشاغل حساس عملاً سوسنگرد به اشغال متجاوز درآمد. در حالی که متجاوزین تدارک پیشروی به سمت اهواز را فراهم می نمودند در روز هشتم مهرماه با شیخون تعداد معدودی از رزمندگان خودی مواجه و با از دست دادن 22 دستگاه تانک و تعدادی کشته و زخمی از سوسنگرد متواری و تا مرز عقب نشینی نمودند و کلیه ی مزدوران وابسته به نیروهای عراقی توسط دولت ایران محاکمه و اعدام شدند.

در روز چهارم مهرماه نیروئی از دشمن از طریق محور تنومه، کوشک و اهواز موفق شد در مسیر پیشروی، پادگان حمید را اشغال و در روز پنجم مهر به دب حردان (حدود 20 کیلومتری غرب اهواز) برسد.

نیروهای عراقی بعد از این که در سایر جبهه ها متوقف و از ادامه ی پیشروی باز ماندند برای تهدید اهواز مجدداً سوسنگرد را در روز 24 آبان ماه محاصره و وارد شهر شدند ولی در 26 آبان ماه با عکس العمل نیروهای ایرانی مواجه و به مناطق غرب سوسنگرد عقب نشینی و در حوالی دهلاویه مستقر شدند. کلیه نیروهای سپاه سوم ارتش عراق بعد از این شکست در سرتاسر استان خوزستان از ادامه پیشروی بازماندند و در لاک دفاعی خود فرو رفتند.

(3) - جبهه ی جنوبی (خرمشهر-آبادان)

تهاجم برای تصرف بندر خرمشهر از پاسگاه مرزی شلمچه در محوری که 17 کیلومتر فاصله دارد آغاز شد. متجاوز تصور می کرد این مسافت را در اسرع وقت طی و در مدت دو، سه روز خرمشهر را تصرف و سپس با اشغال آبادان در کمتر از شش روز کرانه های شمالی رودخانه اروندرود را در اختیار خواهد گرفت.

سپاه سوم گرچه به سبب مقاومت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مقاومت های مردمی تقویت های لازم را برای اشغال خرمشهر به عمل آوردند ولی به سبب طولانی شدن تصرف خرمشهر برای تضعیف روحیه ی مدافعین و کاهش امکانات پشتیبانی از آنها در 19 مهرماه با احداث پل در منطقه ی مارد در 20 کیلومتری شمال آبادان از رودخانه کارون عبور و سر پلی در شرق رودخانه به مساحت 150 کیلومتر مربع اشغال و با قطع جاده های آبادان-اهواز و آبادان - ماهشهر جزیره ی آبادان را از طریق راه زمینی محاصره و سقوط آبادان جدی شد.

بالاخره بعد از 34 روز نبرد، نیروهای عراقی موفق شدند خرمشهر را اشغال نمایند و سپس اقدامات اساسی برای اشغال آبادان به عمل آوردند و بالاخره نیروهای عراقی در شب نهم آبان ماه با توسعه ی سر پل شرق کارون، سواحل شمالی رودخانه ی بهمن شیر را به طول 18 کیلومتر اشغال و با احداث پل در منطقه ی ذوالفقاری از رودخانه عبور و از طریق نخلستان ها وارد آبادان شدند ولی عکس العمل نیروهای خودی بخصوص نیروهای مردمی و بومی منطقه در روز نهم آبان ماه موجب شد که نیروهای نفوذ یافته عراقی با قبول تعدادی کشته، زخمی و اسیر تا چهار کیلومتری شمالی رودخانه ی بهمن شیر عقب نشینی نمایند.

دست آوردهای سپاه سوم که مأموریت تصرف استان خوزستان را به عهده داشت بعد از 56 روز تلاش آفندی تصرف دو شهر از 26 شهر این استان و اشغال حدود 12 هزار کیلومتر مربع از 64236 کیلومتر مربع از مساحت استان خوزستان (کمتر از $\frac{1}{5}$) در غرب رودخانه های کرخه و کارون بود و از دسترسی به ذخائر زیرزمینی محروم ماند و زمین گیر شدند.

ویژگی های اولین مرحله جنگ از 31 شهریور تا 4 آبان 1359 (اشغال خرمشهر)

- 1- ناکامی نیروی هوایی در ایجاد یک وضعیت هوایی مناسب به نفع نیروهای عراقی.
- 2- ناکامی در تصرف اهداف مهم نظامی و عملیاتی بر روی زمین و دفاع شدید نیروهای ایرانی از شهرهای دزفول، اهواز، آبادان و خرمشهر.
- 3- گسترش وسیع و با سرعت سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و نیروهای بسیجی.

- 4- تغییر رویه نیروهای خودی از مرحله ی عقب نشینی به مرحله ی هجوم و دفاع نیرومند رسیدند و با عملیات چریکی، ابتکار عملیات را در اختیار گرفتند. وزیر دفاع ایران «مصطفی چمران» شخصاً فرماندهی و اداره ی این گونه عملیات را بر عهده داشت.
- 5- روحانیون رده بالای جمهوری اسلامی ایران به دلایل روانی و به صورت داوطلبانه در جنگ شرکت می کردند.

- 6- نیروهای خودی قدرت به کارگیری ماهرانه و گسترده ی سلاح توپخانه را پیدا نمودند. افسران دیده بان ایرانی به صورت شایسته ای اقدام به هدایت و کنترل آتش می کردند و همین مسأله سبب شد تا نیروهای ما آن ها را در مناطق فاقد پوشش و استحکام، زیر فشار آتش شدید قرار داده و منهدم نمایند.

فصل هفتم

نظرات و تدابیر حضرت امام خمینی(ره)، مقاومت مردمی و نیروهای مسلح، متوقف کردن

متجاوز

1- تدابیر و موضع گیری حضرت امام(ره) در برابر تهاجم ارتش بعث عراق

تهاجم ارتش بعث عراق به ایران اسلامی حادثه ی بسیار بزرگ و یکی از طولانی ترین جنگ های معاصر در منطقه ی خلیج فارس می باشد در این روند تدابیر، سیاست ها و خط مشی های حضرت امام(ره) در دو مرحله بیان شده است.

الف- مرحله ی اول: چالش های امنیتی و نظامی قبل از شروع جنگ

با پیروزی انقلاب اسلامی حضرت امام(ره) با اجتناب از سلطه ی هردو ابرقدرت غرب و شرق، خطمشی سیاسی کشور را استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی اعلام فرمودند به یقین برای رهبر انقلاب روشن و آشکار بود که استکبار جهانی به ویژه آمریکا پذیرای سیاست اعلام شده نمی‌باشد و قطعاً مشکلاتی برای رژیم نوپای جمهوری اسلامی ایجاد خواهد نمود. لذا تدابیر ارزشمندی را در فراهم نمودن توان بازدارندگی اتخاذ فرمودند. اهم تلاش رهبر کبیر انقلاب اسلامی در جهت حفظ ارتش، تشکیل سپاه پاسداران، تشکیل بسیج مردمی و آگاهی مردم انقلابی متمرکز گردید که بخشی از مهم ترین تدابیر حضرت امام(ره) در مقابله با مخالفان ارتش چنین است :

- (1)- تضعیف ارتش، تضعیف اسلام است تضعیف نکنید البته پاکسازی و تصفیه می‌شوند آنهائی که باقی می‌مانند عزیزند. آنهائی که تضعیف ارتش را می‌خواهند خائند.
- (2)- شما نظامیان، شما ارتشیان از ما هستید. شما حافظ استقلال کشور هستید هرکس با شما مخالفت کند با استقلال کشور و اسلام مخالفت کرده است.
- (3)- به منظور ایجاد همبستگی بین مردم انقلابی و افراد ارتش روز 29 فروردین ماه را روز ارتش تبیین فرمودند که هم‌اکنون نیز این فرمان تداوم دارد.
- (4)- در شایعه انحلال ارتش توسط گروهک های ضدانقلاب فرمودند : «مردم ارتش را یاری و تقویت کنید آنکه می‌گوید ارتش باید منحل شود، منافق است ارتش باید بماند.»
- (5)- در دوم اردیبهشت ماه 1358 برای پاسداری و صیانت از انقلاب و ایجاد امنیت و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، فرمان تشکیل و سازماندهی سپاه پاسداران را صادر فرمودند.

(6)- در پنجم آذرماه 1358 تشکیل ارتش بیست‌میلیونی توسط نیروهای بسیج مردمی را اعلام نمودند و با فراخوانی مردم برای حفظ نظام و انقلاب، جذب، آموزش، سازماندهی و به کارگیری آن‌ها را به سپاه پاسداران محول و تأکید فرمودند : «اسلام رزمنده می‌خواهد، جنگجو می‌خواهد، در مقابل آنهائی که هجوم می‌کنند به مملکت ما، اسلام مجاهد می‌خواهد درست کند، نمی‌خواهد یک نفر آدم عیاش درست کند.»

(7)- حضرت امام(ره) تهدید عراق و تمامی تحولات امنیتی در داخل را یک سیکل به هم پیوسته داخل و خارج در چارچوب سیاست‌های آمریکا علیه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی تعریف کردند و این امر نقش بسیار مؤثری در اعتماد به نفس و تسلط روحی و روانی مردم برای مقابله با تجاوز عراق داشت حضرت امام در تاریخ 1359/6/21 نقش آمریکا در تحریک رژیم بعثی عراق را در آماده شدن برای حمله به ایران متذکر شدند و در تاریخ 1359/6/27 تصریح می‌نماید که آمریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد و دست آمریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است.

ب- مرحله ی دوم : بعد از تهاجم رژیم بعث عراق

حضرت امام(ره) با تفسیر ماهیت معنوی جنگ با تأکید بر مفهوم جنگ، جنگ اسلام و کفر و «صدام عامل آمریکا» بهم پیوستگی جنگ و انقلاب را مشخص و ماهیت تجاوز به ایران را روشن ساختند و مقاومت همه جانبه با تأکید بر نیروهای بسیج مردمی برای مقابله با مهاجمین عراقی را اعلام نمودند.

(1)- در 1359/6/31 فرمودند: « این صدام حسین است که به واسطه ی تحریک آمریکا به ما حمله کرده است».

(2)- ساختار و سازمان دفاعی برای مقاومت با تشکیل شورای عالی دفاع و صدور فرامین جدید به منظور هماهنگی نیروهای مسلح و نیروهای مردمی را ابلاغ فرمودند.

(3)- حضرت امام(ره) در یک عملیات روانی بر علیه صدام و رژیم بعثی به ملت ایران اطمینان می‌دهند که یک دزدی آمده است سنگی انداخته و فرار کرده و در قبال اسلام‌گرایی صدام نیز می‌فرمایند: « صدام حسین به حسب حکم شرعی کافر است» و جرم ملت ایران را مخالفت با آمریکا تعیین می‌کند.

(4)- موضع‌گیری رهبر انقلاب در برابر تهاجم سراسری ارتش عراق در اوضاع نابسامان سیاسی و اقتصادی کشور مبتنی بر عنصر ایمان و توکل بر خدا بود. وی در این خصوص می‌فرماید:

« من از ملت ایران خواهانم که در هر مسئله‌ای که پیش می‌آید قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از هیچ چیز باک نداشته باشند ما از آن قدرت‌های بزرگ نترسیدیم این صدام که قدرتی ندارد، عراق چیزی نیست».

(5)- سخنان ملکوتی امام‌راحل(ره) که از قلب مطمئن و جان آرام او سرچشمه می‌گرفت روحیه ی مردم و مسئولان و نیروهای مسلح را تقویت نمود و اتکال آن‌ها را به خدا بیشتر کرد و انگیزه دفاع و مبارزه با دشمن را در آنان به ویژه جوانان جان برکف میهن‌اسلامی بالا برد تا جایی که فرمودند:

«هروقتی که مقتضی بشود من پیامی به ملت خواهم داد و به صدام‌حسین و امثال او ثابت خواهم کرد که اینها، این اذنب آمریکا قابل‌ذکر نیستند».

(6)- امام‌راحل(ره) با تحقیر دشمن مردم را به مبارزه و حتی شکست دشمن امیدوار کردند و این صحنه‌های اعجاز آفرین ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی است که در بحرانی‌ترین شرایط با در دست گرفتن سکان، کشتی نظام را از تزلزل نجات می‌دهد و ثابت می‌کند که جوهر اقتدار نظام و امنیت کشور ولایت فقیه است.

(7)- حضرت امام(ره) تکلیف ملت ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را در واکنش به تجاوز رژیم بعثی اینگونه تبیین می‌کنند:

«جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است جوانمردی ارتش و سایر قوای مسلحه مثل سپاه پاسداران و دیگران ما را به یاد جوانمردی‌های صدر اسلام انداخت».

تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را. کشته بشویم تکلیف را عمل کرده‌ایم، بکشیم هم تکلیف را عمل کرده‌ایم. این همان منطقی است که ما در اول هم، که با این رژیم فاسد پهلوی مخالفت می‌کردیم، منطقی ما همین بود. منطقی این نبود که ما حتماً باید پیش ببریم. منطقی این بود که برای اسلام مشکلات پیدا شده است. احکام اسلام دارد از بین می‌رود. مظاهر اسلام دارد از بین می‌رود و ما مکلفیم که هرچه قدرت داریم با آن‌ها مقابله کنیم کشته هم شدیم اهمیتی ندارد. شما هیچ وقت از هیچ چیز هراس نداشته باشید شما برای حفظ اسلام دارید جنگ می‌کنید و برای نابودی اسلام. الان اسلام به تمام در مقابل کفر واقع شده است و شما باید از اسلام پاسداری کنید و حمایت کنید و دفاع کنید. دفاع یک امر واجبی است بر همه کس. و بر هر کس که هر مقدار قدرت دارد باید دفاع بکند از اسلام».

بی‌ثباتی اولیه حاصل از پیامدهای تهاجم عراق با دعوت مردم به آرامش نه تنها به رفع نگرانی از تهدید موجودیت نظام انجامید بلکه رزمندگان اسلام موفق شدند متجاوزین را از رسیدن به اهداف از پیش تبیین شده محروم نمایند.

2- واکنش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهاجم ارتش بعثی عراق

در حالیکه ارتش بعثی عراق از اوایل سال 1359 ه.ش فعالیت‌های گسترده‌ای را برای تهاجم به ایران اسلامی تدارک می‌دید صدام حسین با احضار هشتاد هزار نیروی ذخیره و احتیاط در فروردین ماه 1359، با مرمت جاده‌های مرزی و احداث جاده‌های جدید به طرف مرزهای ایران، جابجایی یگان‌های نظامی از اقصی نقاط کشور به طرف مرزها و تجاوزات مرزی متعدد اقدام کرد و کلیه اقدامات که نشانگر قرآن و شواهد تهاجم به ایران بود توسط نیروهای مردمی، ژاندارمری و عوامل اطلاعاتی به فرمانده کل‌قوا (بنی‌صدر) گزارش می‌شد.

ولی به دلایل غیرمنطقی رئیس جمهور وقت ایران هرگز باور نداشت ارتش بعثی عراق به ایران اسلامی حمله نماید لذا نه تنها اقدام اساسی در به کارگیری قدرت ملی برای ایجاد موانع و استحکامات در محورهای پیشروی برای افزایش قدرت دفاعی به عمل نیامد بلکه از نیروهای سپاه پاسداران که کارآمدی آن‌ها در مبارزه با افراد مسلح غیرقانونی و ضد انقلاب در استان‌های شمال غرب و شرق و نیروهای منافقین که به اتفاق یگان‌های ارتش تجاربی را کسب نموده بودند برای تقویت قدرت نظامی کشور استفاده ننمود.

در نتیجه تعدادی از محورهای پیشروی فاقد نیروی دفاعی و تعداد دیگری از یگان‌ها از نیروی کافی برخوردار نبودند و لذا در ابتدا امکان پیشروی برای تعدادی از یگان‌های ارتش بعثی عراق در سرزمین‌های صاف و بدون عارضه استان خوزستان فراهم گردید. با توجه به گستردگی فعالیت‌های عملیاتی رزمندگان اسلام (ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای بسیج مردمی، ژاندارمری و...) در سرزمین‌های گسترده و در محورهای پیشروی متعدد که با فراز و نشیب‌های فراوان همراه بود تشریح آن در این اجمال نمی‌گنجد.

لذا مهمترین حوادث نبرد در چهار مقطع زمانی که هر مقطع از ویژگی خاصی برخوردار

می‌باشد بیان می‌گردد:

الف- مقطع اول از شروع جنگ تا ششم مهرماه 1359 (صدور قطعنامه‌ی شورای امنیت

مبنی بر آتش‌بس)

پس از حمله سراسری رژیم بعث عراق و عدم دستیابی به اهداف خود، اولین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل صادر شد که این قطعنامه توسط صدام پذیرفته شد چرا؟ چون سران ارتش بعثی عراق پی بردند که در برآوردهای خود دچار اشتباه شدند. صدام به توانمندی قدرت نظامی عراق، فقدان توان دفاعی ایران و استقبال مردم بومی و عرب زبان خوزستان از ارتش عراق امیدوار بودند که در این چند روز هرگز تحقق پیدا نکند. ایران این قطعنامه را نپذیرفت و بر لزوم عقب نشینی متجاوزین بدون آتش بس تاکید نمود و پذیرش آن برای عراق دشوار بود زیرا تصور می شد که جنگ به داخل سرزمین عراق کشیده شود.

«در همین روز ما احساس کردیم که در موقعیت نظامی خوشایندی قرار نداریم.»

با توجه به تهاجم ارتش رژیم بعث عراق، واکنش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به قرار زیر بود:

(1)- در پاسخ به تهاجم نیروی هوایی ارتش بعث عراق، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ 1 مهر 1359 با 140 فروند هواپیمای بمب افکن، اقدام به بمباران پایگاه های هوایی «الحریه» در کرکوک و پایگاه های «بصره»، «ناصریه» و «البکر» در شرق، «الدجیل» در شمال بغداد و «الکوت» کردند. با بمباران پایگاه الحریه، تا چند روز پرواز هواپیماهای عراقی از این پایگاه امکان پذیر نبود در ادامه هجوم هوایی ارتش عراق بلافاصله تهاجم سراسری او به مرزهای زمینی جمهوری اسلامی ایران در همین تاریخ آغاز شد. 1

(2)- نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران با صدور اعلامیه ای در روز اول مهرماه کلیه ی مرزهای آبی کشور را منطقه ی جنگی اعلام و اجازه حمل کالا از طریق مرزهای آبی کشور به طرف عراق را قطع نمود. (نامه 17/59-1359/7/1)

(3)- استقرار رزمندگان اسلام و مقابله با دشمن بعثی در مناطق عملیاتی (ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای بسیج، ژاندارمری، نیروهای بومی محلی و...)

(4)- جلوگیری از نزدیک شدن مهاجمین عراقی به شهر صالح آباد و زمین گیر شدن یگان های ارتش بعثی عراق در ارتفاعات کانی سخت و سد کنجان چم در سوم مهرماه در ایلام و سایر مناطق در استان ایلام.

(5)- عقب راندن متجاوزین از شهرهای سرپل ذهاب و گیلان غرب تا ارتفاعات دستک، قراویز، بازی دراز و تنگه ی حاجیان در پنجم و ششم مهرماه در استان کرمانشاه.

(6)- متوقف نمودن پیشروی دشمن در سرزمین های منطقه ی میانی (صحنه ی عملیات کرمانشاه - ایلام).

(7)- سد پیشروی نیروهای دشمن در حومه ی شمالی و غربی خرمشهر و جلوگیری از ورود مهاجمین به داخل شهر و مقاومت جانانه ی مردم غیور خرمشهر در مقابله با نیروهای حزب بعث عراق همراه با نیروهای ارتش، سپاه و نیروهای مردم و بسیج.

(8)- جلوگیری از عبور نیروهای عراقی از رودخانه ی کرخه در منطقه ی پل سرخه نادری.

ب- مقطع دوم از ششم مهرماه تا چهارم آبان ماه 1359 (سقوط خرمشهر)

ایستادگی و مقاومت رزمندگان اسلام در غرب و شرق خرمشهر موجب شد که متجاوز برای تضعیف روحیه ی مدافعین شهر و کاهش امکانات پشتیبانی از آن ها و تسریع در اشغال آن در 1359/7/19 با عبور از رودخانه ی کارون در منطقه ی ماردر 20 کیلومتری شمال آبادان سرپلی در شرق رودخانه به مساحت 150 کیلومتر مربع اشغال و با قطع جاده های آبادان- اهواز و آبادان- ماهشهر، آبادان را از طریق راه زمینی محاصره نماید تا با ایجاد محدودیت پشتیبانی از نیروهای رزمنده در خرمشهر، آبادان در معرض سقوط قرار گیرد.

با شروع نبرد در خیابان ها و کوچه ها در 24 مهرماه خرمشهر به خونین شهر تغییر نام داده شد و سرانجام بعد از 34 روز نبرد، خونین شهر سقوط کرد ولی رزمندگان اسلام و به خصوص نیروهای مردمی و بسیجی با مقاومت و پایداری و نثار خون خود دستاوردهای ارزشمندی را به ارمغان آوردند و موجبات شکست دشمن را در استان خوزستان فراهم نمودند. مقاومت مردمی در خرمشهر آهنگ پیشروی نیروهای عراقی را در سایر مناطق خوزستان مختل و سران ارتش بعثی عراق را در ادامه ی حملات آفندی در غرب رودخانه های کرخه و کارون دچار تردید و تا تعیین تکلیف نبرد در خرمشهر متوقف شوند و لذا فرصت مناسب برای وصول نیروها و سازماندهی پدافند در آبادان و غرب دزفول- شوش فراهم گردید.

حماسه ی مقاومت در خرمشهر، رویای تصرف شش روزه استان خوزستان و تحمیل اراده به نظام مقدس جمهوری اسلامی را برای نیروهای حزب بعث به کابوس تبدیل نمود. مقاومت در خرمشهر صحنه ی آزمون حساسی برای جوانان امروز و نسل آینده ایران زمین می باشد که با الگوگیری از انمه و با شعور انقلابی و پیروی از ولایت فقیه می توان با حداقل امکانات در مقابل با دشمن تا دندان مسلح مقابله نمود.

ج- مقطع سوم از چهارم آبان تا نهم آبان ماه 1359 (ادامه ی تهاجم دشمن برای تصرف آبادان و دزفول)

متجاوز پس از اشغال خرمشهر در حداقل فاصله ی زمانی ممکن تلاش خود را برای تصرف آبادان و دزفول در جبهه های جنوبی و شمالی استان خوزستان به طور همزمان متمرکز نمود تا پس از تصرف اهواز، زمینه ی اشغال خوزستان را فراهم نماید.

دشمن پس از اشغال شهر خرمشهر در شب هفتم آبان ماه پس از استقرار در کنار رودخانه ی بهمین شیر و با احداث پل در منطقه ی ذوالفقاری از طریق نخلستان ها به سمت شهر آبادان و با هدف تصرف این شهر اقدام به یک تهاجم وسیع نمود که با ایثارگری ها و فداکاری های جانانه ی نیروهای مردمی و بومی و نیروهای سپاه و ارتش مواجه گردید. پس از یک نبرد سنگین او را از شهر، بیرون راندند.

دشمن در جبهه ی شمالی (غرب دزفول- شوش) در روز نهم آبان ماه با عبور از رودخانه- ی کرخه به منظور تصرف شهر دزفول، حمله ی خود را آغاز نمود. دشمن متجاوز پس از اجرای آتش تهیه ی شدید و طولانی از ساعت 5:30 تا 18:30 بمدت 13 ساعت مداوم در شش مرحله و هر بار با یک یگان تازه نفس تهاجم نمود.

نبرد تن به تن بارها در سنگرهای مقدم پدافندی جریان داشت و نهایتاً در اثر مقاومت رزمندگان اسلام نیروهای عراقی با تحمل تعداد زیادی کشته و زخمی نتوانستند در خطوط مقدم پدافندی رخنه نمایند و پس از عدم موفقیت متوقف شدند.

د- مقطع چهارم از نهم تا بیست و ششم آبانماه 1359 (آزادسازی سوسنگرد)
سران ارتش عراق برای جبران دو شکست متوالی و بهره‌برداری تبلیغاتی آخرین تلاش آفندی را در جبهه‌ی میانی برای تصرف شهر سوسنگرد متمرکز نمودند.
دشمن در 24 آبان ماه شهر سوسنگرد را به طور کامل محاصره و در 25 آبان ماه نبرد خیابانی و تن به تن توسط سپاه پاسداران، نیروهای بسیج مردمی، مردم بومی محلی و ژاندارمری در داخل شهر آغاز شد و بالاخره در ساعت 6:30 روز 26 آبان ماه در اجرای فرمان امام راحل رزمندگان اسلام با شکستن حلقه‌ی محاصره‌ی دشمن از شرق وارد شهر شدند و با کمک نیروهای رزمنده در شهر، متجاوزین را منهدم و به غرب سوسنگرد فراری دادند و شهر را آزاد نمودند و بدین ترتیب پیشروی متجاوز در سر تا سر جبهه‌های استان خوزستان متوقف گردید.

3- واکنش نیروهای مردمی و نیروهای بسیج در مقابل تهاجم ارتش بعث عراق

ایثار و فداکاری رزمندگان اسلام در صحنه‌های نبرد و دفاع مؤثر و کارساز و همچنین مقاومت مردم بومی محلی در شهرها جهت مقابله با ارتش بعث عراق در هنگام تهاجم بسیار حائز اهمیت است به گونه‌ای که دشمن را در دستیابی به اهدافش نا امید گردانید و این رشادت‌ها دشمن را متوقف نمود.

ارتش بعثی عراق پس از 56 روز جنگ در استان خوزستان که منجر به توقف کامل آن‌ها گردید دستاورد قابل توجهی نداشت و این نشانگر آن است که ارتش بعثی عراق به جز تصرف ناتمام خرمشهر، چندین شهر کوچک مرزی و پانزده هزار کیلومتر مربع از سرزمین‌های حوالی مرزها به هیچ کدام از اهداف خود دست نیافت.

توقف ارتش متجاوز در کلیه‌ی مناطق عملیاتی بنا به میل او نبود بلکه توسط رزمندگان اسلام به وی تحمیل شد. نیروهای عراقی هرگز نمی‌خواستند در تپه‌های غربی شهرهای صالح‌آباد، گیلان‌غرب، سرپل ذهاب زمین گیر شوند زیرا تا وصول به اهداف پیش‌بینی شده خود ده‌ها کیلومتر فاصله داشتند و هم‌چنین متجاوزین هرگز تمایل نداشتند در بیابان‌های غرب رودخانه کرخه (غرب دزفول- شوش)، دب حردان (غرب اهواز)، دهلاویه (غرب سوسنگرد) و شرق کارون (شمال آبادان) متوقف بشوند.

به طور یقین اشغال استان خوزستان (یا به قول صدام استان عربستان) هدف راهبردی سران کشور عراق و آمریکا بود، در حالیکه از استان خوزستان به مساحت 64236 کیلومتر مربع کمتر از یک پنجم آن و از 26 شهر این استان فقط دو شهر خرمشهر و بستان اشغال شد و دشمن به شهرهای بزرگ و کوچک و هم‌چنین ذخایر زیر زمینی این استان که عمدتاً در شرق رودخانه‌های کارون و کرخه هستند دسترسی پیدا نکرد و رویای تصرف اهداف بزرگ و کوتاه مدت به سهولت به افسانه‌ها پیوست..

«اهداف نظامی عراق در جنوب، اشغال شهرهای دزفول، اهواز و بنادر آبادان، امام، ماهشهر و تسلط بر استان خوزستان بود که بحمدالله این آرزو را به گور برد.»

فصل هشتم

اقدامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران از توقف دشمن تا پایان سال اول جنگ

تحلیل‌گران مسائل جنگ تحمیلی، برهه زمانی تثبیت دشمن متجاوز در سراسر مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران با کشور عراق را از آغاز جنگ تحمیلی تا نیمه دوم آبان‌ماه 1359 (26 آبان‌ماه، روزناکام کردن عراق در تصرف سوسنگرد) در نظر گرفته‌اند و معتقدند که آن زمان، پایان پیشروی نیروهای متجاوز و رفتن ارتش عراق در لاک دفاعی بوده است.

1- اوضاع سیاسی - اجتماعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران

الف- اوضاع سیاسی- اجتماعی

بعد از تثبیت و متوقف نمودن تهاجم دشمن، کماکان مشکلات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ادامه داشت پاره ای از آن‌ها به شرح زیر بود:

(1)- کوچ جنگ‌زدگان از مناطق اشغالی به شهرهای امن‌تر، ادامه تعارضات سیاسی داخلی از جمله کشمکش‌های ابوالحسن بنی‌صدر (رئیس جمهوری)، نهضت آزادی و لیبرال‌ها با نیروهای انقلابی و پیرو خط امام (ره).

(2)- مبارزه مسلحانه سازمان مجاهدین (منافقین) خلق علیه نظام جمهوری اسلامی ایران باترور برخی از شخصیت‌های برجسته سیاسی و مذهبی کشور در حوادث ششم تیر (ترور حجت الاسلام خامنه‌ای در مسجد ابوذر تهران)، هفتم تیرماه 60 (انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در چهارراه سرچشمه تهران و شهادت 72 تن از جمله آیت الله بهشتی)، هشتم شهریورماه 1360 (انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت شهیدان رجایی رئیس‌جمهور و باهنر نخست‌وزیر) و

(3)- تشکیل چند کابینه در طول مدت کمتر از 4 ماه (از خردادماه تا مهرماه 1360) و همچنین بروز اغتشاشات و بحران‌های داخلی در اقصی نقاط کشور.

(4)- در آن شرایط بسیار سخت، سیاست‌های استکبارستیزانه نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مزید بر علت شده بود که حمایت جدی هیچ کشور خارجی را در سطح منطقه و جهان به همراه خود نداشته باشد.

(5)- پس از برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا، گروه‌های مخالف نظام که با وی هم‌پیمان شده بودند، موقعیت را برای تشدید بحران‌های داخلی مناسب دیدند و بدان امید که رئیس‌جمهور همچنان از حمایت مردمی برخوردار است؛ دست به تشنج آفرینی زدند. در این راستا، ابتدا جبهه ملی در 1360/3/25 در مخالفت با لایحه قصاص، مردم را دعوت به راهپیمایی کرد. لیکن با اشاره حضرت امام خمینی (ره) مردم انقلابی به خیابان‌ها ریختند و تلاش جبهه ملی را خنثی نمودند.

پنج روز بعد (1360/3/30) سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که از همان روزهای اول انقلاب اقدام به جمع‌آوری سلاح و تشکیل تیم‌های مخفی کرده بود تحت عنوان حمایت از رئیس‌جمهور، یک راهپیمایی غیرقانونی و خشونت‌بار به راه انداخت. در جریان آن اقدام مسلحانه، عده‌ای از پیروان خط امام (ره) به خاک و خون کشیده شدند. لیکن، آن اقدام نه تنها به تحقق اهداف سازمان مذکور نیانجامید، بلکه واکنش شدید مردم را نیز به دنبال داشت.

بنی‌صدر و رجوی که به اتکا یکدیگر، به مخالفت با نظام پرداخته بودند سرانجام، به پاریس گریختند؛ و طرفداران‌شان نیز به خانه‌های تیمی خزیدند. لیکن هنوز مرکزیت نظامی سازمان در داخل کشور استقرار داشت. به‌دنبال انهدام پی‌درپی خانه‌های تیمی و تشکیلات سازمان مذکور، و همچنین کشته شدن بسیاری از سران منافقین تقریباً ساختار منافقین در داخل کشور از هم پاشید.

مهمترین چالش بنی‌صدر در مقام فرمانده کل قوا بیشتر براداره جنگ با استفاده از نیروهای ارتش اصرار می‌ورزید، در حالی که مخالفین وی به حضور بیشتر نیروهای مردمی و سپاه پاسداران در کنار ارتش اعتقاد داشتند.

ب- اوضاع نظامی

(1) - بازسازی ساختار و سازمان نیروهای مسلح

مهمترین استراتژی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، توقف و تثبیت ارتش عراق و ممانعت از پیشروی آن و حفظ شهرهای مرزی، به‌خصوص شهرهای مهم بود. مقامات و فرماندهان نظامی عراق احتمالاً تصور می‌کردند که نیروهای ایران بر اثر انقلاب، کاملاً از هم گسیخته شده‌اند. طراحان نظامی عراق کاملاً از نقاط ضعف ارتش ایران مطلع بودند. متوقف کردن و تثبیت ارتش عراق، به ایران فرصت داد تا تعداد زیادی از نیروهای ذخیره را فراخواند و به منطقه جنگی بفرستد. همچنین به ارتش و نیروهای انقلابی ایران، زمان لازم را برای حضور در خطوط مقدم، ایجاد خطوط دفاعی و سنگر گرفتن در آن را داد. ارتش که در هنگام حمله‌ی عراق (در منطقه جنوب)، به‌تدریج به تقویت و اعزام یگان‌های جدید پرداخت. سپاه پاسداران نیز استفاده از نیروهای مسلح و مردمی و بسیج به سامان‌دهی و گسترش سازمان رزم خود مبادرت ورزید و مقاومت‌های مردمی را به‌خصوص در جبهه‌ی جنوب و غرب سامان‌دهی و فرماندهی کند.

(2) - فعال شدن سپاه در جهت ایجاد سازمان رزم

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلیل ضرورت حضور و مقابله با دشمنان بعثی و همچنین درک درست از شرایط پیش آمده و برای کمک به ارتش جمهوری اسلامی ایران وارد عرصه جنگ و دفاع مقدس شد که در ابتدا با مخالفت شدید بنی‌صدر که سمت فرمانده کل قوا را به عهده داشت، مواجه شد و سپس اقدام به توسعه ساختار و سازمان نظامی خود نمود.

ج- اجرای عملیات‌های زمینی، هوایی و دریایی

(1) - عملیات‌های زمینی

حضور گسترده و همه‌جانبه مردم در صحنه‌های جنگ و پشتیبانی بی‌دریغ آنان از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران باعث جلوگیری از پیشروی نیروهای دشمن به‌طور گسترده گردیده است و در این راستا در مناطق جنوب و غرب عملیات‌های متعدد و متنوعی زمینی، هوایی و دریایی انجام شد که در برخی از آنها اشاره می‌گردد.

((الف)) عملیات آفندی تنگ حاجیان (گیلانغرب) (59/10/14)

در دی ماه 59 قرارگاه عملیات غرب ارتش و سپاه پاسداران یک طرح آفندی در جبهه کرمانشاه تهیه کرد که تلاش اصلی آن، محور گیلانغرب بود و تاریخ اجرای آن هماهنگ با عملیات کرخه کور (عملیات نصر) در خوزستان روز 14 دی ماه 1359 تعیین گردید.

روز اول حمله در شرایطی به پایان رسید که فقط گردان تانک و گردان سپاه پاسداران در مرکز منطقه نبرد حدود 3 کیلومتر پیشروی کرده و متحمل تلفات سنگینی شده بودند و بقیه نیروها در شمال و جنوب پیشروی چندانی نکردند. سرانجام تلاش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در قسمت شمالی منطقه نبرد نیز به نتیجه مطلوب نزدیک شد.

((ب)) عملیات آفندی میمک (59/10/19):

بلندی های میمک که در منطقه مرزی جنوب غربی صالح آباد قرار دارد یکی از دو نقطه مورد اختلاف در مرز زمینی ایران و عراق بود بدین سبب ارتش عراق در دومین تهاجم قبل از آغاز جنگ عمومی خود این منطقه را در 19 شهریور ماه 1359 اشغال نمود.

((ج)) عملیات آفندی بازی دراز در منطقه سرپل ذهاب (مرحله اول) (60/2/2)

اهمیت ارتفاعات بازی دراز در آن است که این بلندیها بر محورهای شمالی گیلانغرب و سرپل ذهاب و همچنین به غرب منطقه نبرد تا شرق شهر قصر شیرین تسلط کامل دارند و در دست داشتن آنها امتیازات تاکتیکی زیادی برای نیروی اشغال کننده ایجاد می نماید، نیروهای عمل کننده ترکیبی از نیروهای ارتش و سپاه بودند.

این عملیات در ساعت 0500 صبح روز دوم اردیبهشت ماه پیشروی خود را به طرف جنوب غرب برای آزاد کردن ارتفاعات بازی دراز آغاز کردند.

تا پایان روز پنجم نبرد، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی حدود هشتاد درصد مأموریت آفندی خود را در ارتفاعات بازی دراز انجام داده بعلاوه تهدیدات دشمن را در منطقه حساس سرپل ذهاب خنثی کردند.

سرانجام تلاش جانبازانه رزمندگان جمهوری اسلامی در 5 روز نبرد مداوم در آغاز روز هفتم اردیبهشت به نتیجه نهایی رسید و در ساعت 0730 آن روز، موفق شدند قله 1150 را تصرف نمایند. در نبردهای آن روز تعداد دیگری از افراد دشمن به اسارت رزمندگان ایران درآمد. توپخانه پشتیبانی با احساس مسئولیت کامل، فعال بود و با حداکثر امکانات به روی دشمن آتش می ریخت.

(2) عملیات های آفندی پس از تثبیت دشمن تا آغاز عملیات ثامن الائمه، در صحنه عملیات

جنوب:

(الف) عملیات نصر (کرخه کور) منطقه عمومی هویزه (59/10/15)

بعد از پیروزی بر دشمن در جبهه سوسنگرد در مورخ 59/8/26، ملت مسلمان ایران که از این پیروزی به هیجان آمده بود سکوت و سکون را در جبهه ها نمی توانستند بپذیرند و این خواست مردم که در سخنرانی ها و خطبه های نماز جمعه از زبان انمه جمعه و جماعت بیان می گردید، به مراکز تصمیم گیری، از جمله شورای عالی دفاع منعکس شد.

بدین ترتیب عملیات نصر در دو مرحله اجرا گردید: در مرحله اول که در روز 15 دیماه انجام گرفت، نیروهای خودی، دشمن را در شمال رودخانه کرخه کورمنهدم کردند و تلفات و خسارات قابل توجهی به دشمن وارد ساختند. در مرحله دوم که ساعت 0950 روز 16 دیماه شروع شد، نیروهای خودی با پاتک شدید و پر حجم دشمن مواجه گردیدند و سرانجام پس از 8 روز نبرد نتوانستند به اهداف خود دسترسی پیدا کنند و در نهایت مجدداً به محل استقرار اولیه مراجعت نمودند.

(ب) عملیات (توکل) شرق رودخانه کارون (59/10/20) :

بعلت حساسیت فوق العاده محاصره آبادان و احتمال پیشروی و توسعه سرپل توسط نیروهای عراقی، مقامات مسنول جمهوری اسلامی ایران تلاش می کردند هر چه زودتر نیروهای متجاوز را سرکوب و به غرب رودخانه کارون، عقب برانند، بر همین اساس، فرماندهی رودخانه اروندر را بصورت محدودی تقویت نمودند تا این فرماندهی نیز همزمان با عملیات نصر، با هجوم به سرپل دشمن در شرق کارون، نیروهای متجاوز را به غرب رودخانه کارون به عقب براند.

حمله در اولین دقایق آغاز روز 20 دیماه شروع شد و تا حوالی ظهر همان روز ادامه یافت، ولی به علت توان رزمی برتر دشمن و آگاهی دشمن از اجرای تگ نیروهای خودی، و موفقیتی به دست نیامد و عناصر فرماندهی اروندر که متشکل از نیروهای نامتجانس ارتشی، ژاندارمری، تکاوران دریایی و گروه عملیات نامنظم بود، با تحمل تلفات نسبتاً سنگین به مواضع قبلی خود، عقب نشینی کردند.

(ج) - عملیات تپه چشمه در غرب پل نادری (60/1/15)

در منتهی الیه ارتفاعات غرب پل نادری تپه ای وجود دارد که به نام تپه چشمه معروف می باشد که از یک موقعیت عالی دیدبانی برخوردار است.

در ساعت 3 بامداد روز 60/1/15 لشکر 21 حمزه طی یک تگ شبانه این تپه را تصرف نمودند. لشکر 10 زرهی عراق در ساعت 0800 صبح روز 15 فروردین ماه به منظور باز پس گیری این عارضه حساس، مبادرت به پاتک نمودند، اما بعلت پیش بینی های طرح ریزی شده و بکارگیری موثر بالگردهای هوانیروز، دشمن ناکام ماند و به این ترتیب اولین عملیات آفندی محدود لشکر 21 پیاده که با هدف توسعه سرپل غرب نادری انجام گرفت، نتیجه پیروزمندان ای داشت.

(د) عملیات دارخوین (عملیات فرمانده کل قوا؛ خمینی روح خدا) (60/3/21) :

بر اساس تجربیات حاصله از دو عملیات آفندی ناموفق در منطقه شمال آبادان، تصمیم به اجرای یک عمل آفندی محدود در منطقه دارخوین اتخاذ گردید که هدف آن تصرف و نگهداری خاکریزهای یکم و دوم دشمن در جنوب آبادی محمدیه (در جنوب دارخوین) بود.

برآورد اطلاعاتی عملیات دارخوین به وسیله فرماندهی سپاه پاسداران منطقه (برادر رحیم صفوی) در تاریخ 60/3/10 تهیه شد و سپس بر مبنای برآورد وضعیت که به عمل آمد طرح عملیاتی با هماهنگی فرمانده سپاه پاسداران دارخوین و لشکر 77 در تاریخ 60/3/13 تهیه و منتشر گردید، بر مبنای این طرح، یگانهای لشکر 77 که در شرق و جنوب سرپل دشمن بودند مأموریت تثبیت دشمن را بعهده داشتند و نیروهای سپاه پاسداران دارخوین تحت پشتیبانی یگانهای توپخانه لشکر 77 مأموریت تک به مواضع دشمن را بعهده داشت. گردان 214 سوار زرهي و يك گروهان از گردان 107 ژاندارمري، نیروهای سپاه پاسداران را پشتیبانی میکردند.

پس از اجرای ده دقیقه آتش تهیه، هجوم رزمندگان سپاه در ساعت چهار و پانزده دقیقه روز 21 خرداد ماه به مواضع دشمن شروع شد و تا ساعت 1100 روز 21 خردادماه، خاکریزهای یکم و دوم دشمن تصرف شد و حدود 200 نفر از افراد دشمن اسیر شدند. پاتکهای دشمن در اثر آتش توپخانه و مقاومت دلیرمردان سپاه، نتیجه ای بدست نیاورد و نهایتاً در ساعت 1200 روز 22 خردادماه 60 ضمن آزادسازی حدود 9 کیلومترمربع از مناطق اشغالی (درسرپل)، وضعیت به حالت عادی درآمد.

عملیات های هوایی:

به طور کلی در سال های دفاع مقدس، کمتر عملیات زمینی (آفندی و پدافندی) و همچنین دریایی (از حمله به اهداف تاکتیکی و استراتژیکی دشمن گرفته تا اسکورت نفتکش ها، کشتی های تجاری و ایجاد تأمین هوایی در منطقه عملیاتی و...) را می توان نام برد که با پشتیبانی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران همراه نبوده باشد. به هر حال، فعالیت های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران تثبیت دشمن متجاور تا پایان نخستین سال دفاع مقدس را می توان به شرح زیر دسته بندی و عنوان نمود:

(الف) - فعالیت های شناسایی

(1) - اجرای مأموریت های شناسایی های هوایی صوری و فیلم برداری بنا به درخواست نیروی زمینی و نیروی دریایی به منظور کسب اطلاعات از مناطق عملیاتی، وضعیت نیروهای متجاوز و اماکن و تأسیسات حیاتی و حساس واقع در عمق خاک دشمن.

(2) - کشف و شناسایی هواپیماهای متجاوز به حریم هوایی میهن اسلامی توسط یگان های پدافند هوایی.

(ب) - فعالیت های عملیاتی

فعالیت های عملیاتی نیروی هوایی در این مقطع از جنگ شامل، اجرای آتش پشتیبانی هوایی نزدیک برای رزمندگان جبهه های عملیاتی، انهدام پادگان های نظامی، مراکز حیاتی، صنعتی، نفتی، بنادر استراتژیکی، نیروگاه های برق و پل های استراتژیکی عراق می باشد که با انجام عملیات های زیر صورت گرفته است:

(1) - عملیات تأمین هوایی خلیج فارس و دریای عمان

(2) - عملیات مروارید

در جریان عملیات مروارید (هفتم آذر 1359) خلبانان جنگنده بمبافکن های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران سه فروند ناوچه موشک‌انداز «اوزا»، یک فروند کشتی نفربر هزارتنی و سه فروند ناوچه تندروی «P-6» عراقی را در آب‌های نیلگون خلیج‌فارس غرق نمودند. نیروی هوایی 5 فروند از هواپیمای جنگنده دشمن شامل: «میگ - 23»، «میگ - 21» و «سوخوی - 22» را سرنگون ساختند.

(3) عملیات هوایی «الولید»

در دوران دفاع مقدس، یکی از حملات درخشان و جالب توجه نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به کشور عراق، بمباران پایگاه هوایی الولید (موسوم به اچ - 3) در غرب آن کشور و نزدیک مرزهای سوریه و اردن بود. نیروی هوایی عراق، پایگاه الولید را (به علت بعد مسافت تا مرزهای ایران) مأمن تعداد زیادی از انواع هواپیماهای خود قرار داده بود. با این وجود، در پانزدهم فروردین‌ماه 1360 یک اسکادران هشت فروندی از هواپیماهای شکاری بمبافکن اف - 4 که با 13 فروند از هواپیماهای شکاری، سوخترسان و گشتی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی و همراهی می‌شدند، با اجرای یک طرح بسیار دقیق و انجام دوبار سوخت‌گیری هوایی، خود را به پایگاه مزبور رسانیدند و آن را به شدت بمباران نمودند. در اثر آن عملیات حماسی و شجاعانه 48 فروند از پیشرفته‌ترین هواپیماهای دشمن و آشیانه‌های آنها منهدم گردید.

همچنین در این عملیات پالایشگاه کرکوک با 4 فروند شکاری بمب افکن بمباران شد.

(3) عملیات‌های دریایی:

سلسله عملیات انهدام سکوهای نفتی البکر و الامیه عراق

پایانه‌های مدرن صادرات نفت البکر و الامیه¹ عراق در خلیج فارس علاوه بر توانایی صدور نفت به نفتکش‌های تناژ بالا، به‌عنوان یک پایگاه جهت هدایت نیروها و همچنین، پناهگاهی به منظور اختفاء شناورهای موشک‌انداز و استقرار توپخانه دوربرد عراق که سعی در ناامن نمودن معبر وصولی بندر امام داشتند، مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بنابراین، در همان روزهای نخست جنگ تحمیلی، فرماندهان و طراحان عملیاتی نیروی دریایی تصمیم به انهدام سکوهای فوق‌الذکر گرفتند و با انجام سلسله عملیات‌های اشکان، شهید صفری و مروارید (از نهم آبان‌ماه الی هفتم آذرماه 1359 ادامه داشتند) موفق به نابودی آن‌ها شدند.

عملیات مروارید:

¹ سکوهای نفتی البکر و الامیه برای کشور عراق از چنان اهمیتی برخوردار بودند که نیروی دریایی آن کشور به منظور حفاظت از سکوهای مذکور، بیشتریتوان خود را در روز هفتم آذرماه 1359 شمس در برابر نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران از دست داد.

اگرچه تأسیسات انتقال نفت سکوهاي البکر و الامیه در اثر انجام عملیات‌هاي اشکان و شهید صفریکاملاً منهدم شده بودند، لیکن، هنوز هم به عنوان مقر کنترل تحرکات دریایی و پناهگاه ناوچه‌هاي عراقی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بنابراین، ناوچه‌هاي موشک‌انداز پیکان و جوشن نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روزهاي 6 و 7 آذرماه 1359 شمسی، طرح عملیاتی مروارید را به‌منظور انهدام شناورهاي عراقی و نیروهاي مستقر در سکوهاي مذکور، به مرحله اجراء گذاردند. در جریان عملیات مروارید 10 فروند از انواع شناورها و دو فروند هواپیمای دشمن نابود شد.

فصل نهم

آزادسازی مناطق اشغالی جمهوری اسلامی ایران

1 - تغییر در فرماندهی عالی جنگ

بلافاصله پس از برکناری بنی صدر از فرماندهی نیروهای مسلح در 1360/3/21، تیمسار ولی الله فلاحي جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش از سوی امام خمینی(ره) اجازه یافت تا تعیین تکلیف جانشین فرماندهی نیروهای مسلح، با استفاده از اختیارات مقام رهبری مأموریت‌ها و وظایف محوله را در ستاد مشترک ارتش انجام دهد.

این حکم اختیارات ستاد مشترک ارتش را افزایش داد و ارتباط ارتش را با امام خمینی(ره) که هدایت دفاع در مقابل ارتش متجاوز را بر عهده داشتند نزدیک تر کرد. بنی صدر که شاید تصور می‌کرد که ارتش از وی حمایت می‌کند، پس از عزل از ریاست جمهوری مخفی شد. از این هنگام او عملاً در اختیار سازمان مجاهدین خلق که به منافقین مشهور شدند، قرار گرفت و با کمک آنها برای خروج از کشور تلاش می‌نمود.

با فرار بنی صدر از کشور با کمک و همکاری برخی از افراد نیروی هوایی، تغییراتی در سطوح عالی ارتش در دستور کار قرار گرفت. بر این اساس کلیه فرماندهان پایگاه‌ها و تعدادی از مسئولین ستاد نیروی هوایی در 1360/5/16 تعویض گردیدند.

همچنین سرهنگ علی صیاد شیرازی که از سوی بنی صدر کنار گذاشته شده بود در 1360/5/12 به سمت فرماندهی قرارگاه غرب نیروی زمینی ارتش برگزیده شد. (صحیفه امام، ج 14، 186) امام خمینی(ره) با استقبال از این تغییرات، در دیدار با جانشین فرمانده نیرو و فرماندهان جدید پایگاه‌های هوایی کشور در 1360/5/21 فرمودند: من امیدوارم حالا که امور به دست افراد متدین و متعهد افتاده است در سایر جاها هم همین طور بشود و این طور نیست که شما کار کنید و دیگران استفاده کنند. پیروزی شما، پیروزی همه ملت است و ملت از شما قدردانی می‌کند. امروز به دنبال شما دعا زیاد است و بعد از خدا، امید است شما مملکتتان را حفظ کنید.

2 - همکاری و هماهنگی موثر ارتش و سپاه

پس از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا، زمینه برای همکاری و هماهنگی بیشتر ارتش و سپاه فراهم گردید. نیروی زمینی ارتش با انجام چهار عملیات ناکام در چهار ماه اول جنگ، متوجه شد که بدون کمک سپاه و حضور نیروهای داوطلب مردمی و بسیجی امکان اجرای عملیات موفقیت آمیز در جبهه ها را ندارد.

پس از برطرف شدن مهم ترین مانع همکاری بین ارتش و سپاه، همدلی بیشتری برای استفاده از ظرفیت های یکدیگر برای مقابله با ارتش عراق پیدا شد. از این زمان بود که جلسات مشترکی برای انجام عملیات شکست حصر آبادان بین ارتش و سپاه برگزار گردید که در نهایت منجر به طرح ریزی و اجرای عملیات مشترک از جمله عملیات ثامن الائمه (ع) گردید.

3 - آزادسازی مناطق اشغالی (کلیاتی از عملیات های مشترک سپاه و ارتش) الف- عملیات ثامن الائمه

پس از اشغال خرمشهر و در حالی که احتمال اشغال و تصرف شهر آبادان از سوی ارتش عراق می رفت، امام خمینی طی سخنانی در روز 14 آبان سال 1359 خطاب به روحانیون حاضر که در آستانه ماه محرم به دیدار ایشان رفته بودند، فرمودند: من منتظرم که این «حصر آبادان از بین برود. باید این حصر شکسته بشود.

عملیات ثامن الائمه که به منظور رفع حصر آبادان طرح ریزی شد در ساعت 1 بامداد تاریخ 5 مهرماه سال 1360 به اجرا درآمد. این عملیات تنها 90 روز پس از عزل بنی صدر و پس از دوران پر التهاب حوادث تروریستی ماه های تیر و شهریور انجام شد. با توجه به اینکه یکی از واحدهای شرکت کننده در این عملیات یعنی لشکر 77 از استان خراسان به جبهه اعزام شده بود و پاسداران و بسیجیان هم مشتاق اسم امام رضا(ع) بودند، بنابراین نام امام هشتم بر تارک این عملیات گذاشته شد و به ثامن الائمه معروف گردید.

قرارگاه فرماندهی عملیات، در سه راهی شادگان در کنار جاده ماهشهر قرار داشت. در این قرارگاه سرتیپ ظهیر نژادفرمانده نیروی زمینی ارتش، یوسف کلاهدوز قائم مقام فرمانده کل سپاه حضور داشتند.

به منظور شکست حصر آبادان، تهاجم به مواضع ارتش عراق از سه محور اصلی پیش بینی شده بود و حضور نیروهای بسیجی داوطلب، توانست کمبود واحدهای سپاه و ارتش را برطرف نماید.

عملیات ثامن الائمه، با همکاری مشترک سپاه و ارتش و حضور نیروهای داوطلب مردمی با رمز « نصر من الله و فتح قریب » به اجرا درآمد. طبق پیش بینی های قبلی، قرار بود نیروهای رزمنده بدون تحریک قوای ارتش عراق، ساعت 1 بامداد خود را به زیر خاکریزهای خط اول دشمن برسانند. اما وجود سرو صدا، موجب هوشیاری دشمن گردیده و یک ربع قبل از آغاز عملیات در حالی که نیروهای خط شکن به 200 متری مواضع ارتش عراق رسیده بودند، دشمن با شلیک گلوله های منور، تاریکی شب را تبدیل به روشنایی کامل نمود و رزمندگان را مورد هدف قرار داد. رزمندگان اسلام با مقاومت سرسختانه قوای دشمن مواجه شدند. در این حملات، ارتش عراق تعداد زیادی از خودروهای زرهی خود را از دست داد و تا پایان روز دوم مقاومت نمود.

در ساعت 7 صبح روز سوم عملیات برابر با 1360/7/7 با انهدام پل حفار، نیروهای خودی، منطقه شرق کارون را تصرف و به عقبه دشمن دسترسی پیدا کردند و عملیات ثامن الانمه خاتمه یافت. با پایان یافتن عملیات، شهر آبادان پس از 349 روز از محاصره ارتش بعثی خارج شد. در این عملیات کلیه اهداف پیش بینی شده در طرح از جمله «شکست حصر آبادان، آزاد سازی نیروهای خودی از خط پدافندی طولانی و نیز باز شدن «جاده اهواز - آبادان و جاده آبادان- ماهشهر» تأمین گردید.

با خبر پیروزی رزمندگان اسلام در شکست حصر آبادان، امام خمینی طی پیامی در پاسخ به نامه فرماندهان ارتش و سپاه، ضمن تبریک و تقدیر از رزمندگان و فرماندهان این عملیات، آن را «پیروزی بزرگ» نامیدند. این عملیات اولین عملیات مشترک ارتش و سپاه بود که در آغاز سال دوم جنگ انجام شد. این عملیات اولین پیروزی بزرگ ایران در جبهه های جنگ بود که جزء عملیات های کاملاً موفق و نسبتاً گسترده به حساب می آید.

ب- عملیات طریق القدس

پس از عملیات شکست حصر آبادان، بلافاصله همه افکار فرماندهان سپاه و ارتش متوجه منطقه مناسب برای انجام عملیات بعدی شد. به همین منظور با مشخص شدن منطقه غرب سوسنگرد برای طرح ریزی نهایی به تدریج سلحشوران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی راهی منطقه «بستان» شدند تا به اتفاق یگان های منتخب ارتش جمهوری اسلامی ایران، تلاش نمایند این شهر و هفتاد روستای بین سوسنگرد تا بستان و اطراف منطقه چزابه را از دست ارتش متجاوز خارج کنند و خود را به بخشی از مرز بین المللی برسانند.

عملیات طریق القدس در ساعت 30 دقیقه بامداد روز یکشنبه 8 آذر ماه سال 1360 با رمز مبارک «یا حسین(ع)» انجام شد.

این عملیات پس از گذشت ایام ماه محرم و در روزهای اول ماه صفر آغاز شد و رزمندگان اسلام تحت تاثیر نهضت عاشورا در این نبرد شرکت کردند.

در این عملیات رزمندگان 3 تیپ از سپاه با 3 تیپ از ارتش، ادغام گردیدند. لازم به ذکر است که سپاه در ادامه عملیات، استعدادی در حدود 2 تیپ دیگر را نیز به صحنه نبرد، وارد کرد. در این عملیات از تانک ها و نفربرهای غنیمتی لشکر 3 زرهی ارتش بعثی که در شکست حصر آبادان بدست آمده بود استفاده شد.

در لحظه شروع عملیات که در اواخر فصل پاییز و در هوای نسبتاً سرد انجام می شد، نم باران آغاز گردید و باعث شد تا منطقه رملی محل عبور رزمندگان خط شکن، محکم و سفت گردیده و تردد از مسیر شن های روان برای آنها، آسان تر گردد. از سوی دیگر بارش باران، بنابر اظهارات اسیران این عملیات، موجب غافلگیری لحظه ای دشمن و پناه بردن نیروهای ارتش بعثی به درون سنگرها گردید و فرصت مناسبی را برای نزدیک شدن رزمندگان اسلام به مواضع دشمن پدید آورد.

در ادامه عملیات رزمندگان تیپ 14 امام حسین (ع) به سرعت خود را به شهر بستان رسانده و این شهر اشغال شده را پس از 427 روز اسارت، از چنگال ارتش متجاوز دشمن آزاد نمودند.

پیامدهای عملیات

انجام موفقیت آمیز عملیات طریق القدس موجب شد تا مسئولین کشور پیام تیریکی به مناسبت پیروزی رزمندگان اسلام برای حضرت امام خمینی(ره) ارسال نمایند. ایشان در پاسخ، پیامی به شرح ذیل در تاریخ 8 آذر 1360، مصادف با 2 صفر 1402 صادر کردند و این عملیات را «فتح الفتوح» نامیدند.

این عملیات پیامدهای زیادی را نیز در برداشت از جمله، تجربه موفقیت آمیز بکارگیری گسترده مردم را نشان داد. همچنین دیدگاه شهید محمد علی رجایی که «ما سرنوشت جنگ را در میدان جنگ تعیین می کنیم»، تقویت شد و مسئولین کشور به اهمیت این شعار بیشتر پی بردند.

ج- عملیات فتح المبین

وسعت منطقه عملیاتی فتح المبین از سه بخش کوهستانی، تپه ماهوری و دشت تشکیل شده بود. لذا هدف عملیات آزاد سازی مناطق اشغالی در غرب شهرهای دزفول و منطقه غربی کرخه و تصرف ارتفاعات تینه و رسیدن به مرز فکه بود.

سازمان و استعداد نیروهای خودی

با توجه به وسعت زیاد منطقه عملیاتی فتح المبین که بیش از چهار برابر مساحت منطقه عملیاتی طریق القدس بود، نیاز به وجود یگانهای جدید و تمرکز کلیه واحدهای عملیاتی جهت اجرای این عملیات گسترده به خوبی احساس می گردید.

برای انجام عملیات، ارتش و سپاه هر آنچه که می توانستند پای کار آوردند. تا آنجا که می شد از استعداد یگان ها در خطوط پدافندی کاستند و به نیروهای آزاد خود برای شرکت در عملیات اضافه کردند.

شرح عملیات

عملیات فتح المبین در ساعت 30 دقیقه بامداد روز دوم فروردین ماه سال 1361 با رمز «یازهراس(س)» و در تاریکی کامل هوا آغاز شد.

در این عملیات که در جبهه ای به طول 80 کیلومتر و عرض 30 کیلومتر انجام شد، در حدود 2400 کیلومتر مربع از خاک کشور شامل ارتفاعات عین خوش، علی گره زد، تینه، ابوغریب، تنگه رقابیه، دشت عباس و تپه های ابوصلیبی خات و پایگاههای راداری 4 و 5 نیروی هوایی ارتش، از تصرف دشمن آزاد گشت.

همچنین شهرهای شوش، اندیمشک و دزفول و نیز جاده مواصلاتی اندیمشک - اهواز از برد آتش توپخانه صحرایی و موشکهای فراک خارج شدند.

در عملیات فتح المبین حدود 10 هزار نفر از نظامیان عراقی کشته و مجروح و استعدادی در حدود 2 لشکر عراقی منهدم گردید.

در جریان این عملیات در مجموع 11 فروند هواپیما، 3 فروند بالگرد، 361 دستگاه انواع تانک و نفربر و صدها دستگاه خودروی نظامی ارتش عراق منهدم گردید.

با به اسارت در آمدن حدود 17 هزار نفر از نظامیان بعثی، توانایی رزمی ارتش بعثی، کاهش یافته و با انهدام بخشی از قوای دشمن و به غنیمت گرفته شدن تعداد زیادی سلاح به همراه مهمات فراوان، فرصت برای انجام عملیات بزرگ بعدی به نام بیت المقدس فراهم آمد.

تقدیر امام خمینی از عملیات فتح المبین

امام خمینی در تاریخ 1361/1/2 پیام زیر را منتشر و بر فرماندهان و رزمندگان این عملیات درود فرستادند: «... مبارک باد بر شما عزیزان افتخار آفرین، پیروزی بزرگی را که با یاری ملائکه الله و نصرت ملکوت اعلی نصیب اسلام و کشور عزیز ایران، کشور بقیه الله الاعظم - اروحناله الفداء - نمودید. رحمت و اسعۀ خداوند بر آن مادران و پدرانی که شما شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان با نفس در شبهای نورانی را در دامن پاکشان تربیت نمودند.»

آفرین بر شما که میهن خود را بر بال ملائکه الله نشانید و در میان ملل جهان سرافراز نمودید. مبارک باد بر ملت، چنین جوانان رزمنده ای و بر شما چنین ملت قدردانی که به مجرد فتح و پیروزی توسط رزمندگان به دعا و شادی برخاستند. اینجانب از دور دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می بوسم و بر این بوسه افتخار می کنم.

د- عملیات بیت المقدس

پس از پایان یافتن عملیات فتح المبین بلافاصله برنامه ریزی و تلاش ها برای طرح ریزی و اجرای عملیات بیت المقدس آغاز شد.

عملیات بیت المقدس یکی از گسترده ترین و با ارزش ترین عملیات های دوران دفاع مقدس و یکی از دوازده عملیات بزرگ و مؤثر ایران در طول 8 سال دفاع مقدس می باشد. هر مرحله از عملیات بیت المقدس در مقایسه با عملیات هایی مثل ثامن الائمه و طریق القدس، خود یک عملیات بزرگ به حساب می آید.

منطقه ی عملیات بیت المقدس بین شهرهای اهواز و خرمشهر تا منطقه مرزی بین ایران و عراق که از سه جهت، در محاصره موانع طبیعی مثل رودخانه های کرخه نور در شمال منطقه و کارون در شرق جبهه و هور الهویزه در غرب منطقه قرار داشت و از سوی دیگر محدود به مرز بین المللی بود.

در شمال منطقه عملیاتی، رودخانه نیسان امتداد یافته و به رودخانه ی کرخه کور می رسید. در شرق آن رودخانه عریض کارون قرار داشت. از سمت جنوب به اروند رود می رسید و سمت غرب آن هم هور هویزه قرار داشت.

استعداد و گسترش ارتش عراق

دشمن در این منطقه در حدود 41 گردان زرهی و نیز 38 گردان مکانیزه که هر گردان از حدود 34 دستگاه تانک یا نفربر تشکیل شده بود و نیز 40 گردان پیاده و 30 گردان توپخانه صحرائی، در اختیار داشته است. بنابراین حدود 2700 دستگاه تانک و نفربر و نزدیک به 40000 نفر نیروی پیاده و 500 قبضه توپ از سوی دشمن در این منطقه گسترش یافته بود. ارتش عراق مهمترین تدابیر دفاعی را برای خرمشهر در نظر گرفته بود و با تمام توان و قوا، از این شهر حفاظت می کرد. ارتش عراق یک پدافند 180 درجه ای را از سمت شرق و شمال شهر بارده های دفاعی متعدد پیش بینی کرده بود.

ارتش بعثی با تحریب برخی از خانه های مسکونی مردم در ضلع شرقی و شمالی این شهر یک رده دفاعی برای نیروهای خود ایجاد کرده بود. مقاومت در خرمشهر و نگهداری این شهر در هر شرایطی، از راهبردهای اساسی ارتش بعثی بود.

با مطمئن شدن عراق از برنامه ایران برای آزادسازی خرمشهر، از دو هفته قبل از آغاز عملیات بیت المقدس، شروع به میله کوبی و نصب موانع عمودی در میدان گمرک برای مقابله با عملیات هلی برن ایران نمود و به صورت تعجیلی آنها را بر پا نمود.

سازمان و استعداد خودی

در عملیات بیت المقدس قرارگاه مرکزی کربلا، هدایت عملیات را با سه قرارگاه اصلی و یک قرارگاه پشتیبانی بر عهده گرفت.

در این عملیات مجموعاً 14 تیپ پیاده و یک تیپ زرهی از سپاه با 120 گردان که هر کدام استعداد یک لشکر را داشتند و 3 لشکر و 5 تیپ از ارتش شامل 24 گردان زرهی و مکانیزه و 36 گردان پیاده شرکت کردند. این واحدها با 26 فروند بالگرد جنگی کبری و 32 فروند بالگرد ترابری 214 و 16 فروند بالگرد نفربر شینوک و 22 فروند بالگرد 206 پشتیبانی می شدند. لازم به ذکر است که هر تیپ سپاه حد اقل بالغ بر 8 تا 9 گردان بود و هر گردان زرهی ارتش هم بین 17 تا 20 دستگاه تانک و نفربر در اختیار داشت. گرچه در این عملیات، سپاه و ارتش تمام توان آزاد خود را پای کار آوردند ولی طبق برآورد عملیات هنوز پنج شش لشکر کم بود.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز با پرواز 20 نوبت هواپیمای جنگی در روز اول و 6 پرواز در روزهای بعد و همچنین استقرار سامانه پدافند هوایی، از عملیات، پشتیبانی می نمود. نیروی هوایی جمعاً 2161 سورتی پرواز در این عملیات داشته است. همچنین این عملیات با 29 گردان توپخانه صحرایی ارتش، پشتیبانی شده است.

رزمندگان جهاد سازندگی هم با حدود 100 دستگاه ماشین آلات مهندسی و سایر امکانات و کمک ها در عملیات حضور فعالی داشتند.

در این عملیات، سه گردان مهندسی رزمی ارتش و یک گروه مهندسی و یک گردان پل شناور و یک گروهان شناور زرهی سنگین GSP ارتش، عملیات عبور از رودخانه را پشتیبانی کرده اند. در مجموع ارتش در این عملیات، دارای 63 دستگاه ماشین آلات مهندسی و سپاه نیز دارای 60 دستگاه بود. کار احداث 5 پل PMP بر روی رودخانه کارون در شب اول عملیات نیز بر عهده نیروی زمینی ارتش بود.

شرح عملیات

عملیات بیت المقدس در ساعت 12:30 شب و در اوایل بامداد روز جمعه 10 اردیبهشت ماه سال 1361 با رمز یا علی ابن ابی طالب (ع) آغاز شد. از آنجا که این ایام مصادف با ماه رجب و همزمان با فرارسیدن روز مبارک تولد امام علی (ع) بود، رزمندگان اسلام به اسم ایشان به عنوان رمز عملیات، جهت موفقیت هرچه بیشتر تمسک جستند.

بر اساس طرح مانور پیش بینی شده، می بایستی دو سوم کل نیروهای برآورد شده برای این عملیات، از رودخانه آرام و عریض کارون عبور نمایند. این یک خطر پذیری بزرگ برای تصمیم گیرندگان بود ولی در عین حال یک نوآوری و یک ابتکار عمل مهم و تعیین کننده نیز بود.

حرکت به سمت مرز

پس از عبور از رودخانه کارون، جاده اهواز- خرمشهر به طور کامل آزاد شد. در تعقیب واحدهای ارتش بعثی، درگیری در منطقه جفیر ادامه یافت. با عقب نشینی لشکرهای ارتش بعثی، یگان های دو قرارگاه فتح و قدس به هم رسیدند و عمده منطقه پیش بینی شده در طرح عملیات بیت المقدس به جز منطقه خرمشهر، آزاد گردید.

پس از رسیدن نیروهای خودی به مرز بین المللی دشمن از نظر روحی آشفته و از هم پاشیده شده بود و همه چیز برای ورود به خرمشهر مهیا بود.

نیروهای خودی پس از یک نبرد بسیار سنگین، بالاخره در بامداد روز سوم خرداد سال 1361 با آرایش و سازماندهی فوق و با حدود 12 گردان رزمی پیاده، عملیات آزاد سازی خرمشهر آغاز شد.

بدین ترتیب ساعت 10 صبح روز دوشنبه سوم خرداد، رزمندگان اسلام از طریق شمال غرب شهر، وارد خرمشهر شدند و تا غروب آن روز، بیش از 12 هزار نفر از نظامیان بعثی را در داخل خرمشهر به اسارت خود درآوردند و مهر پیروزی را بر جبین ایرانیان و امام عزیزشان ثبت کردند.

به هر حال این پیروزی بزرگ، در اخبار سراسری رادیو در ساعت 2 بعد از ظهر به اطلاع مردم ایران رسید و فضایی از خوشحالی و شمع و شادی و سرور را برای مردم ایران به ارمغان آورد.

نگاه امام خمینی به فتح خرمشهر

امام خمینی هم از این پیروزی بسیار مسرور شدند. از قول فرزند ایشان حاج احمد آقا، نقل شده است که گفته اند: هیچ گاه امام را در طول عمرشان تا به این اندازه، بشاش و خوشحال ندیده بودم. امام هم با بیان اینکه «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، دیدگاه خودشان را نسبت به عملیات بیت المقدس و ارزش آن بیان کردند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی با شنیدن خبر فتح خرمشهر در همان روز پیامی را صادر فرمودند که ضمن نشان دادن اهمیت آزاد سازی خرمشهر، دیدگاه خود را نسبت به دفاع اسلامی، رزمندگان سلحشور و پیروزی بر دشمن بیان کردند. در این پیام، امام با یقین به آنکه پیروزی فقط از جانب خداوند است «وما النصر الا من عند الله» از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه الله الاعظم را از چنگ گرگان آدم خوار که آلت هایی در دست ابر قدرتان خصوصاً آمریکای جهان خوارند، بیرون آورد و ندای الله اکبر را در خرمشهر عزیز طنین انداز کرد و پرچم پر افتخار لا اله الا الله را بر فراز آن شهر خرم - که با دست پلید جنایتکاران غرب به خون کشیده شده و خونین شهر نام گرفت - بیفراشت، تشکر کردند.

نتایج و دستاوردهای عملیات بیت المقدس

بیشترین دستاوردهای دوران جنگ در عملیات بیت المقدس حاصل شد. در جریان این عملیات، شهرهای خرمشهر، هویزه، پادگان حمید و منطقه وسیعی از خاک ایران، به وسعت تقریبی 5400 کیلومتر مربع آزاد شد.

حدود 19 هزار و 700 نفر از نظامیان عراقی به اسارت در آمدند. حدود 16 هزار نفر از نظامیان ارتش بعثی کشته و زخمی شدند.

فراوانی غنایم به اندازه ای بود که فقط تخلیه مهمات برجای مانده از سوی ارتش بعثی در داخل سنگرهایش حدود دو ماه به طول انجامید. این مهمات غنیمتی تا 3 سال، علیه قوای دشمن در نبردهای بعدی بکار می رفت. همچنین حدود 20 فروند هواپیما و 2 فروند بالگرد نظامی دشمن ساخط و 418 دستگاه تانک و نفربر ارتش بعثی نیز منهدم گردید.

پس از فتح خرمشهر نمایندگان سازمان ملل از مناطق آزاد شده ایران بازدید و گزارشی را برای سازمان ملل تهیه کردند. آنها از پیروزی ایران بسیار شگفت زده شده بودند و باور نمی کردند که ایران به تنهایی و با دست خالی چنین پیروزی عظیمی را کسب کرده باشد.

عملیات بیت المقدس فرصت بزرگی را برای دستگاه سیاست خارجی ایران بوجود آورد. ایران می توانست با ارائه طرح صلحی خواستار تشکیل دادگاهی برای محاکمه صدام به عنوان آغازگر جنگ شود و خواهان پذیرش معاهده‌ی 1975 از سوی عراق و پرداخت خسارات کشور شود. گرچه جمهوری اسلامی به طور مرتب این خواسته ها را از زبان مسئولین مختلف کشور مطرح می کرد ولی دستگاه سیاست خارجی این پیروزی بزرگ را تبدیل به یک دستاورد سیاسی ماندگار نکرد.

4 - دلایل پیروزی نیروهای مسلح

- الف - برنامه ریزی صحیح
- ب- فرماندهی فهیم و مقتدر
- ج - ایمان و انگیزه رزمندگان اسلام
- د - ابتکار عمل و نوآوری
- ه - ترکیب تدبیر و عقلانیت با روحیه شهادت طلبی
- و - افزایش همکاری و همدلی بین ارتش و سپاه
- ز - تقلیل اختلافات سیاسی در کشور پس از عزل بنی صدر
- ح - استفاده بهینه از ظرفیت ها و منابع ملی
- ط - شناسایی و کسب اطلاعات دقیق از دشمن
- ی - استفاده گسترده تراز ظرفیت داوطلبان بسیجی و مردمی
- ک - بکارگیری تجربه عملیات های قبلی
- ل - رهبری و مدیریت مدبرانه حضرت امام خمینی(ره)

فصل دهم

راهبرد تعقیب و تنبیه متجاوز

1- چرایی ادامه ی جنگ پس از آزادسازی خرمشهر

با گذشت سه روز پس از فتح خرمشهر، فرماندهان ارتش و سپاه از حضرت امام خمینی(ره) برای چگونگی ادامه جنگ، کسب تکلیف کردند.

امام (ره) پس از تیریک فتح خرمشهر و تشکر از رزمندگان اسلام، فرمودند برای ادامه جنگ می خواهید چه کار کنید؟ نظر فرماندهان این بود که اگر می خواهیم جنگ را ادامه دهیم، باید از مرز عبور کنیم تا در کنار یک عارضه طبیعی مانند اروند رود پدافند نماییم. آقای هاشمی رفسنجانی می گوید: «امام موافق نبودند که نیروهای ما وارد خاک عراق شوند و در عین حال متوقف کردن جنگ را هم قبول نداشتند و می گفتند: اگر شما وارد عراق شوید چند اشکال پیدا می شود».

بنابراین در این جلسه نظر و دیدگاه حضرت امام خمینی(ره) بر این بود که جنگ بدون ورود به خاک عراق، ادامه یابد تا کشور به اهداف خود و تأمین منافع ملی نائل آید.

امام خمینی(ره) دلایل ذیل را برای دیدگاه خود بر شمردند :

الف- مردم عراق تصرف سرزمین خود را تحمل نمی کنند و آن هایی که الان با ما هستند در آن صورت به ما به عنوان متجاوز نگاه می کنند. پس نباید مردم عراق را در مقابل خود قرار دهیم.

ب- الان از لحاظ بین المللی موضع برحق داریم و متجاوز در خاک ماست، اگر وارد خاک عراق شویم کشورهای جهان، ایران را متهم به اشغالگری می نمایند.

ج- اگر وارد خاک عراق شویم، مردم بی گناه عراق آسیب می بینند و اذیت می شوند.

د- پس از ورود به خاک عراق، کشورهای عربی در حمایت صدام، صریح می شوند و بعضی ها که با ما هستند پشت سر صدام قرار می گیرند و کار ما دشوار می شود.

آقای هاشمی رفسنجانی معتقد است: «به هر حال امام(ره) مصلحت نمی دیدند که وارد خاک عراق شویم. از طرف دیگر متوقف شدن جنگ را هم قبول نداشتند».

نظامی ها با منطق خودشان گفتند: « اگر دشمن بفهمد که ما وارد خاکش نمی شویم، احساس امنیت می کند. یعنی لازم نیست در مرزهایش نیرو بچیند. نیروهایش را متمرکز می کند و در مقاطع مشخصی از نقاط معین به ما حمله می کند. منطق نظامی می گوید نباید چنین امنیتی به دشمن بدهیم. باید به گونه ای باشد که عراق فکر کند تا بغداد هم می رویم.»

آقای هاشمی رفسنجانی ضمن تأکید بر این که امام(ره) حرف و استدلال نظامی ها را پسندیدند. می افزاید: «حرف این ها از لحاظ نظامی محکم بود. امام(ره) با همان سلامت نفس و قاطعیتی که در وجودشان بود و در موارد لازم، استدلال متخصصین را می پذیرفتند، قبول کردند و گفتند حرف شما درست است.»

امام(ره) در اندیشه ی پایان جنگ نبود بلکه اجتناب اولیه ی ایشان از ورود به خاک عراق، برای متجاوز خوانده نشدن ما بود.

امام خمینی(ره) خود در این باره طی سخنانی در 1361/3/22 می فرمایند: «ما هیچ وقت طالب جنگ از اول نبودیم. اگر چنانچه عراق به ما حمله نکرده بود ما دفاع نمی کردیم. اما ما دفاع کردیم، ما جنگ نکردیم تا حالا. در عین حالیکه رزمندگان ما و فرماندهان ارتش و سپاه به ما گفتند اجازه بدهید ما وارد بشویم در آنجا و با آن ها چه بکنیم (ما گفتیم فقط دفاع کنید) خوب، ما هم، ما می خواهیم دفاع بکنیم، دفاع که يك مسئله عقلي است... دفاع يك مسئله طبيعي است. ما همیشه دفاع کرده ایم تا حال، هیچ وقت جنگ نکرده ایم».

دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر

الف- عدم پذیرش معاهده ی 1975 و ادامه حضور ارتش عراق در بخشی از سرزمین های

ایران

گرچه با پایان یافتن عملیات بیت المقدس، ایران توانسته بود تجاوز ارتش عراق را دفع نماید و سرزمین های خود را آزاد سازد و قوای دشمن را تا مرز عقب براند ولی هنوز بخش هایی از کشور از جمله مناطق مرزی غرب مانند ارتفاعات مسلط بر شهرهای سومار، قصر شیرین، گیلانغرب و مهران، ارتفاعات میمک و نفت شهر.

- بخشی از مرز شلمچه تا اروند رود به وسعت حدود 1000 کیلومتر مربع، همچنان در دست ارتش عراق باقی مانده بود.

- ادامه‌ی حضور قوای عراق در بخشی از اراضی ایران به مفهوم آن بود که دولت عراق در برابر خواسته‌های ایران، تسلیم نشده و می‌خواهد با گروگان گرفتن آنها، معاهده‌ی 1975 الجزایر را در مذاکره با ایران تغییر دهد.

ب- تصور ایران از قدرت یافتن

پیروزی‌های نظامی مستمر ایران در جبهه‌های جنگ و انجام چهار عملیات پی در پی و موفق، موجب شد تا جمهوری اسلامی احساس نماید که دارای توانایی نظامی لازم برای غلبه نهایی بر ارتش عراق و شکست صدام حسین می‌باشد. بنابراین می‌تواند با ادامه عملیات نظامی به اهداف بلندتری در جنگ دست یابد.

ایران احساس می‌کرد جنگ به جایی رسیده است که می‌تواند از موضع بالا و برتر حرف بزند، بنابراین باید شور جهاد را حفظ کند.

ج- عدم اراده‌ی هیچ‌گونه پیشنهاد صلح از سوی رژیم بعثی عراق و یا مراجع بین‌المللی اگرچه تلاش‌هایی برای انجام صلح از سوی برخی از سازمانهای بین‌المللی و بعضی از دولت‌ها صورت گرفت ولی هیچ‌یک از این اقدامات، نتوانست ایران را قانع کند که بدون نگرانی از آغاز دوباره جنگ، تنها با آتش بس می‌تواند به صلحی پایدار دست یابد. این امر، موجب نگرانی ایران از نرسیدن به صلح با پذیرش آتش بس و ایجاد شرایط «نه جنگ و نه صلح» برای مدتی نامعلوم می‌گشت. مذاکره می‌توانست سال‌ها به طول انجامد زیرا طولانی شدن مذاکره به نفع عراق و به ضرر ایران بود.

د- عدم اعتماد به رفتار صدام

با فرض توقف جنگ، چنانچه ایران در مذاکرات با عراق به نتیجه نمی‌رسید، با توجه به روحیات صدام و وجود یک ارتش سازمان‌یافته در عراق، ممکن بود دوباره ارتش عراق حملات خود را آغاز کرده و این بار فضاها را بیشتری از کشور را به اشغال خود درآورد. باید توجه داشت که عمده نیروهای ایرانی، بسیجی بوده و طبیعتاً با توقف جنگ به سرکار و زندگی خود باز می‌گشتند و ایران قادر نبود تا حجم گسترده‌ای از نیروهای ثابت را در جبهه‌های جنگ در برابر ارتش عراق برای مدت طولانی حفظ نماید. از سوی دیگر صدام به نقض قول، شهرت داشت و نمی‌شد روی او حساب باز کرد. بنابراین کسی نمی‌توانست تضمین بدهد که صدام پس از آتش بس، دوباره جنگ را آغاز نکند.

ه- شرایط نامساعد دفاعی در مرزهای جنوبی کشور

مرز کشور در جنوب استان خوزستان در یک منطقه‌ی دشت وسیع قرار داشت که از نظر نظامی عبور از آن‌ها برای واحدهای زرهی ارتش عراق به سادگی میسر بود. از آنجا که عمده قدرت نظامی ایران متکی بر نیروهای پیاده بود، بنابراین نیاز به رسیدن به یک مانع طبیعی مثل شط العرب (اروند رود) جهت پدافند مطمئن ضروری می‌نمود. ایران در تلاش بود تا به یک عارضه قابل دفاع در جغرافیای منطقه جنگی دسترسی پیدا کند به گونه‌ای که از تهاجم دوباره ارتش عراق، ایمن گردد.

و- انتظار مردم برای سرکوبی کامل دشمن

در آن زمان در بین مردم بخصوص خانواده های آسیب دیدگان از جنگ این احساس بوجود آمده بود که نه تنها بایستی قوای متجاوز را از خاک ایران بیرون نمود بلکه بایستی دولتی را که به خود اجازه آغاز جنگ را داده است مجازات نمود و شرایطی را فراهم آورد که حکومت عراق هیچگاه به فکر حمله به ایران نیفتد. اظهارات بسیاری از مردم، بر چنین درخواستی تأکید می ورزید. (هاشمی رفسنجانی، 1386، ص. 123) نگاه امام خمینی(ره) نسبت به نظرات مردم را از پیام ایشان به مناسبت روز پاسدار در 1361/3/6 می توان فهمید آنجا که می فرمایند: «در ایران اسلامی، مردم تصمیم گیرندگان نهایی تمامی مسائلمند.

2- راهبرد جمهوری اسلامی ایران پس از آزادسازی خرمشهر

الف- دفع کامل تهاجم سرزمینی

جمهوری اسلامی ایران در دو سال اول جنگ، «جلوگیری از پیشروی ارتش متجاوز بعثی، دفع تجاوز دشمن و آزادسازی سرزمین های اشغالی و حفظ تمامیت ارضی کشور» را هدف قرار داده بود. بر این اساس در مرحله اول، تلاش رزمندگان اسلام برای جلوگیری از گسترش پیشروی دشمن در خاک ایران و سپس طرح ریزی سلسله عملیات هایی به منظور بیرون کردن قوای دشمن از خاک ایران، تمرکز یافته بود. مردم نیز با مشاهده حمله دشمن به مناطق مسکونی در شهرها، شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» را در حمایت از فرزندانشان در جبهه های جنگ، سر می دادند.

ب - محدود نگهداشتن دامنه ی جنگ

جمهوری اسلامی ایران در سال های اولیه جنگ، در تلاش بود تا دامنه جنگ از حوزه مرزهای جغرافیایی دو کشور فراتر نرفته و آن را محدود نگه دارد. ولیکن با توسعه جنگ به مناطق شهری، قصد توسعه آن را داشت.

ج-توسعه ی توان مقاومت و تلاش برای پشیمان کردن دشمن از حمله به ایران

جمهوری اسلامی ایران از آغاز جنگ، سعی نمود تا با تکیه بر توانمندی ها، استعداد ها و ظرفیت های ملت ایران، ضمن تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود از میان داوطلبان بسیجی، بر توسعه قدرت مقاومت خود افزوده و همچنین با توسعه صنعت دفاعی، اکثر جنگ افزارها، مهمات، مایحتاج و نیازمندی های خود را از داخل کشور فراهم کرده و با اتکا به مردم خود، تجاوز ارتش بعثی را دفع و امنیت خود را تأمین نماید.

امام خمینی(ره)پس از فتح خرمشهر و بعد از آنکه برخی از اعضای شورای عالی دفاع عبور از مرز و رسیدن به شط العرب را برای دفاع ضروری دانستند، با طرح شعار «جنگ جنگ تا رفع فتنه»، سرنگونی صدام حسین و نظام بعثی با همت، کمک و حرکت مردم عراق را در اندیشه خود داشتند.

3- اجرای عملیات در داخل خاک عراق برای وادار نمودن دشمن به قبول شرایط جمهوری

اسلامی ایران

پس از عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر تلاش چندانی برای خاتمه دادن به جنگ، صورت نگرفت. نه عراق حاضر شد از تمامی سرزمین های ایران عقب نشینی کرده و معاهده ی 1975 را به عنوان مبنایی برای ختم جنگ قرار دهد، نه ایران توانست بدون مشخص شدن آغازگر جنگ و آزادی تمامی سرزمین های خود به آتش بس تن دهد و جنگ را از راه سیاسی و با کمک دیپلماسی فعال به پایان ببرد.

تصور ایران آن بود که رژیم عراق بر اثر ادامه ی جنگ، دوام نخواهد آورد و تصور رژیم بعثی عراق هم این بود که ایران نمی تواند پیروزی های بزرگ نظامی خود را ادامه دهد و مجبور خواهد شد تن به مذاکره داده و شرایط عراق را برای پایان دادن به جنگ، بپذیرد.

به هر حال جنگ، عمدتاً در حواشی مرز و در خاک عراق ادامه یافت. از این زمان طی دو سال و نیم عملیات های رمضان، مسلم ابن عقیل، محرم، والفجر مقدماتی، والفجرهای 1 و 2 و 3 و 4، خیبر و بدر انجام شد ولی هیچ يك از طرفین نتوانستند موازنه قوا را به گونه ای بهم بزنند که تحولی اساسی در راستای پایان یافتن جنگ، صورت پذیرد.

پیچیدگی های جنگ افزایش یافت و تکیه بر قدرت سلاح از سوی ارتش عراق توسعه پیدا کرد و تلفات هر عملیات نسبت به عملیات های دوره قبل افزایش یافت.

کمک های تسلیحاتی و مالی کشورهای مختلف از جمله شوروی، فرانسه و کشورهای عربی خلیج فارس از عراق افزایش یافت و آمریکا گرایش آشکارتری به سوی عراق یافت. توان هوایی عراق توسعه پیدا کرد و جنگ آرام آرام از حوزه جبهه های زمینی به خلیج فارس نیز کشیده شد و رژیم صدام به دنبال دستیابی به جنگ افزارهای جدید و سلاح های مخرب تر رفت.

در مجموع، جنگ در داخل خاک عراق و با برتری قوای جمهوری اسلامی ایران ادامه یافت اما در عوض عراق، جنگ را به خلیج فارس کشاند و حملات شیمیایی را در جبهه ها آغاز نمود و بمباران مناطق مسکونی را شدت بخشید.

4- طرح ریزی و اجرای عملیات والفجر 8

برابر دستور قرارگاه عملیاتی خاتم الانبیاء(ص) برای اولین بار در طول جنگ، هر يك از دو سازمان سپاه و ارتش در این عملیات، موظف شدند به صورت جداگانه، در مناطق مورد علاقه خود، برنامه ریزی و اجرا نمایند.

حضرت امام خمینی(ره) در دیداری که قبل از انجام عملیات فاو با فرماندهی سپاه داشتند با توجه به این نکته فرمودند: «شما توکل به ما و مسنولین و این ها نکنید، توکلتان را به خدا بکنید». همین مسئله باعث شده بود تا فرماندهان سپاه با احتیاط بیشتری به طرح ریزی عملیات فاو بپردازند.

سپاه در منطقه فاو، عملیات خود را با بکارگیری دو قرارگاه کربلا و نوح و با پشتیبانی پدافند هوایی، هوانیروز، بخشی از نیروی هوایی و توپخانه، برنامه ریزی کرده بود و ارتش نیز قرار بود به صورت همزمان در منطقه شلمچه، عملیات خود را انجام دهد.

هدف از برنامه ریزی و انجام عملیات والفجر 8 تصرف منطقه فاو و پیشروی به سمت امالقصر و قطع ارتباط کشور عراق با دریا، بود. عملیات فاو یکی از عملیات هایی بود که برای ختم جنگ طراحی شده بود. هدف هم این بود که از جاده ساحلی به ام القصر برویم.

نکات اساسی طرح مانور والفجر 8

در عملیات والفجر 8 به چند نکته اساسی تأکید می شد. علاوه بر «توکل به خداوند بزرگ» و «لزوم پرهیز از تردید و یأس» روی این موارد تأکید می شد:

الف- اعمال غافلگیری در تمامی ابعاد.

ب- دقت و کنترل در جزئیات تمامی فعالیت ها از جمله شناسایی ها.

ج- به کارگیری صحیح آتش های توپخانه.

د- مراحل انجام طرح مانور از جمله عبور از اروند و شکستن خط مقدم دشمن، پاکسازی و رسیدن به هدف و در نهایت انجام پدافند.

ه- انتقال وسائل سنگین مهندسی مثل لودر و بولدوزر از رودخانه ی اروند.

روش های اعمال غافلگیری

در این عملیات قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) برای غافلگیر کردن دشمن اقدامات ذیل را انجام داد:

طرح ریزی عملیات فریب بزرگ

پس از انجام عملیات های خبیر و بدر در منطقه هورالهویزه از سوی رزمندگان اسلام، ارتش عراق نقطه ضعف و آسیب پذیری خود را در جبهه هور می دید. بنابراین با تشکیل قرارگاهی به نام «قرارگاه عملیات فریب» سعی شد تا به دشمن نشان داده شود که عملیات بزرگ بعدی قوای اسلام در این منطقه که حدود 200 کیلومتر دور از منطقه ی فاو بود، صورت خواهد گرفت.

2 - طرح ریزی عملیات محدود و ایذایی

فرماندهی کل سپاه با به کارگیری بخشی از توان یگان هایی که در مرحله اول عملیات والفجر 8 برای آن ها مأموریتی پیش بینی نشده بود در منطقه ام الخصب در جزیره ام الرصاص واقع در خاک عراق، روبروی شهر خرمشهر و جزیره مینو، عملیاتی را طراحی کرد تا یگان های دشمن در این منطقه را درگیر نگه داشته و از امکان اعزام فوری آن ها به منطقه ی اصلی عملیات در جبهه فاو جلوگیری نماید.

3 - رعایت حفاظت اطلاعات

بدین منظور اقداماتی نظیر تخلیه ی مردم، کنترل تردد، تعویض نیروهای ژاندارمری، اطلاع رسانی محدود، محدودیت مخابراتی و انتخاب اسامی گمراه کننده صورت گرفت.

4- کنترل اطلاعاتی دشمن و شناسایی مواضع

با شنود مکالمات ارتش عراق و نیز بررسی فرکانس های فعال در منطقه، مشخص گردید که از خانه ای در اهواز تماس هایی با عراق برقرار می شود. با دستگیری فردی که در آن خانه مستقر بود مشخص گردید که وی جاسوس عراق بوده و اطلاعات مربوط به جبهه های ایران را از طریق بیسیم در اختیار ارتش عراق می گذارد. از وی خواسته شد تا برای تخفیف در مجازاتش به کار خود ادامه دهد و اطلاعاتی را که سپاه می گوید به ارتش عراق مخابره کند.

5- انتخاب منطقه غافلگیر کننده

ارتش عراق امکان عملیات در منطقه ی مثلث فاو را از نظر منطق نظامی رد می کرد. اسناد به دست آمده پس از عملیات والفجر 8 نشان می دهد که بخش های اطلاعاتی ارتش بعثی، با کمک اطلاعات دریافتی از ماهواره ها، عکس های هوایی و مشاهده فعالیت های ایران، به این نتیجه رسیده بودند که قرانن و شواهد یک تهاجم گسترده از سوی قوای ایران در منطقه فاو و رأس البیشه وجود دارد ولی فرماندهان نیروهای عملیاتی ارتش صدام با توجه به منطق نظامی، امکان عبور از رودخانه اروند و انجام یک تهاجم وسیع بدون داشتن پل های متعدد بر روی اروندرود و نیز مشکل تدارک نیروهای تک کننده و نیز تداوم عملیات از سوی یگان های مهاجم را منتفی می دانستند .

وضعیت و موقعیت منطقه عملیات

زمین منطقه عملیات والفجر 8، شامل شبه جزیره ی فاو می شد که بین رودخانه ی اروند واقع در جنوب استان خوزستان و خلیج فارس و خور عبدالله در کنار مرز کشور کویت قرار گرفته است. این سرزمین تحت تأثیر جذر و مد آب خلیج فارس و رطوبت دائم حاصل از آن و نیز نهرهای منشعب از اروند رود قرار داشت. به همین دلیل قسمت عمده ای از زمین منطقه عملیات، باتلاقی، نمک زار و سست بود و در نتیجه برای تردد خودروها و نیز تانک ها و نفربرها و حرکت ستون های زرهی و نیز مانور یگان های پاتک کننده دشمن مناسب نبود.

بخش دیگری از زمین منطقه ی عملیات، پوشیده از نخلستان و نهرهایی بود که نخل های موجود در کنار ساحل را آبیاری می کردند. بنابراین تردد خودروهای رزمی و زرهی منحصراً از طریق سه جاده اصلی آسفالتی که یکی جاده ساحلی رأس البیشه به ام القصر، و دیگری جاده بصره- فاو به نام البحار و دیگری جاده استراتژیک فاو است صورت می گرفت و سایر نقاط برای تردد خودروها و ادوات جنگی و حتی برای رفت و آمد نفرات پیاده، مناسب نبودند و امکان گسترش یگان های رزمی زیاد، به دلیل شرایط، وضعیت و عواض زمین، وجود نداشت.

بنابراین، زمین منطقه عملیات یکی از سرزمین های پیچیده جنگی و عملیاتی، در آن زمان، محسوب می شد، به طوری که شامل انواع عوارض طبیعی از جمله رودخانه، نهر، نخلستان، باتلاق، چولان، جاده، روستا، شهر، ساحل، نمک زار، دشت، اسکله و بندرگاه می شد.

ساحل خودی و دشمن در رودخانه ی اروند باتلاقی و لجن زار بود و این وضعیت حوزه ی عمل غواص های خط شکن و پهلوگیری قایق ها را محدود می کرد. عمق آب رودخانه ی اروند رود، که از خلیج فارس تأثیر می پذیرفت به طور متوسط به 8 متر می رسید، به طوری که امکان کشتی رانی در آن را فراهم می آورد.

عرض این رودخانه در منطقه مورد نظر برای عملیات، بین 600 تا بیش از 1000 متر بود و پل زدن بر روی آن، شرایط ویژه ای را می طلبید. جذر و مد چهار بار در رودخانه ی اروند و نهرهای منشعب از آن اتفاق می افتاد. بررسی وضعیت دقیق جذر و مد برای عملیات بسیار ضروری بود. در شرایط مد رودخانه، تمام نهرها و نخلستان ها پر از آب می گردید که حدود شش ساعت ادامه داشت ولی به هنگام جذر تمام نهرها خشک شده و عبور قایق از آنها ممکن نبود.

مرحله بندی عملیات

برای انجام عملیات والفجر 8 چهار مرحله به قرار زیر مشخص گردید:

مرحله اول: عبور نیروهای خط شکن از رودخانه اروند و شکستن خط اول دشمن و پاکسازی سر پل به دست آمده از عناصر دشمن با کمک نیروهای ویژه غواص بود. به هر لشکرگفته شد که از بین شجاع ترین نیروهای خود 100 نفر را انتخاب کرده به آنها آموزش غواصی بدهد.

مرحله دوم: تصرف شهر بندری فاو، رسیدن به خور عبدالله و استقرار در منطقه مثلثی شکل شمال شهر فاو و همچنین استقرار در پایگاه دوم موشکی در شمال غربی شهر بود.

مرحله سوم: پیشروی یگان های خط شکن و واحدهای پشتیبان تا ابتدای کارخانه نمک و تشکیل خط دفاعی به موازات این منطقه از ساحل تا خور عبدالله.

مرحله چهارم: رسیدن یگان ها به زمین های انتهایی کارخانه نمک و کانال انتهایی آن، واقع در جاده ام القصر تا ساحل رودخانه اروندرود.

اقدامات مهندسی

مهندسی سپاه با کمک جهاد سازندگی عمده مأموریت آماده سازی منطقه عملیات را بر عهده گرفت و توانست با به کارگیری حدود 400 کمپرسی و تعداد زیادی لودر و بولدوزر، 473 کیلومتر جاده جدید در منطقه اروندرود احداث و 110 کیلومتر از جاده های موجود را تعمیر و آسفالت نماید. همچنین قرارگاه مهندسی به ساخت بیمارستان صحرائی، مکان های مناسب برای رفع آلودگی مواد شیمیایی، ساخت مواضع توپخانه، احداث مواضع موشک های پدافند هوایی هاگ و نیز بنه های تدارکاتی لازم، قرارگاه های مختلف و همچنین پد بالگرد اقدام نماید. در حین عملیات نیز وظیفه ی نصب پل های شناور بر روی اروندرود و همچنین احداث خاکریزهای مناسب در جلوی خطوط دفاعی بر عهده قرارگاه مهندسی قرار گرفته بود.

شرح عملیات

عملیات در شب 21 بهمن 1364، توسط سپاه در فاو (در ساعت 10:22 روز 1364/11/20) با رمز مقدس «یا فاطمه زهرا(س)» از منطقه عمومی جنوب خسروآباد تا انتهای جزیره آبادان با عبور غواصان خط شکن از اروند رود در حالی که نم نم باران می بارید، آغاز گردید.

با اعلام رمز عملیات، حدود 2000 غواص تهاجم خود را جهت شکستن خط اول دشمن آغاز و شروع به پاکسازی ساحل اروند رود و ایجاد یک سرپل مناسب، نمودند.

اکثر غواص ها برای اینکه در مقابل دشمن دیده نشوند «آیه 9 سوره یس» را با خود زمزمه می کردند. این آیه که از سویی اکثر رزمندگان و بخصوص از سوی نیروهای اطلاعات- عملیات به هنگام مواجه با نیروهای دشمن، قرائت می شد به این شرح است: «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» آنها معتقد بودند که با خواندن این آیه، خداوند به آنها کمک خواهد کرد تا از چشم نظامیان دشمن، مخفی بمانند. برخی از غواص ها در خاطرات خود می گویند: پس از آنکه وارد رودخانه شدیم، سطح رودخانه را موجی فرا گرفت که باعث شد سرهای ما در میان امواج از دید دشمن مخفی بماند.

در روز اول عملیات، لشکر 25 کربلا که از رزمندگان استان مازندران تشکیل شده بود، موفق شد تا شهر فاو را به تصرف کامل خود درآورد. فرمانده این لشکر برادر مرتضی قربانی براساس مأموریتی که از سوی برادر محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دریافت کرده بود، پرچم گنبد حضرت ثامن الائمه امام رضا(ع) را که از مشهد به جبهه آورده بودند را بر بالای بلندترین مناره ی مسجد آن شهر نصب نمود و افتخار به احتزاز درآوردن پرچم گنبد امام رضا(ع) در شهر فاو برای همیشه نصیب لشکر 25 کربلا گردید.

دفع پاتک های تعجیلی

اولین اقدام عراق برای جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی، استفاده از قدرت نیروی هوایی خود بود. هواپیماهای جنگی عراقی تلاش زیادی را برای بمباران مواضع رزمندگان اسلام در روزهای اول عملیات انجام دادند. اما بارش باران و ابری بودن هوا در نخستین روزهای عملیات موجب شد تا پروازهای جنگنده های عراقی با مشکل مواجه شود. از سوی دیگر استقرار پایگاه موشکی هاگ توسط نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، حملات هوایی عراق را با محدودیت جدی مواجه ساخت و نیروی هوایی عراق در هفته اول عملیات، بیش از 15 هواپیمای خود را که هر کدام بیش از 20 میلیون دلار قیمت داشتند از دست داد.

همزمان با حملات هوایی جنگنده های عراقی، یگان های زمینی ارتش عراق نیز حملات خود را به مواضع نیروهای ایرانی آغاز کردند. پاتک های عراق در روزهای اول بصورت ضعیفی انجام می شد ولی آرام آرام بر شدت آنها افزوده می گردید. فرمانده سپاه قبل از آغاز عملیات والفجر 8، فرمانده توپخانه سپاه برادر (سرلشکر شهید) حسن شفیق زاده را مأمور نمود تا با کمک آتش دقیق توپخانه از منطقه جزیره آبادان، پاتک های سه روز اول دشمن را دفع نماید تا برای یگان های پیاده فرصتی فراهم شود تا آنها بتوانند مواضع خود را در مناطق تصرف شده، تثبیت نمایند. توپخانه فرارگاه خاتم الانبیاء، در تمام دوره هفتاد و پنج روزه نبرد فاو توانست به عنوان یک یگان پر قدرت، واحدهای خط مقدم را در برابر پاتک ها و تهاجمات دشمن، به طور مرتب پشتیبانی نماید.

نیروی هوایی عراق در طول عملیات والفجر 8 به طور متوسط روزانه 355 پرواز انجام می داد و بالگردهای جنگی عراق نیز روزانه 134 پرواز در منطقه عملیاتی داشتند. در همین حال مشکل اصلی رزمندگان، همچنان نداشتن پل بر روی اروندرود و چگونگی انتقال وسایل و تجهیزات سنگین به منطقه فاو بود.

احداث پل بعثت

یکی از مهم ترین مسائل عملیات والفجر 8 چگونگی تدارک رسانی و پشتیبانی از هزاران نفر رزمنده در آن سوی اروندرود بود. مأموریت این کار بزرگ بر عهده جهاد سازندگی قرار گرفت. نیروهای مهندسی و پشتیبانی جنگ جهادسازندگی، توانستند با بکارگیری حدود 3 هزار و 400 لوله نفتی 56 اینچی و با یک طرح مهندسی دقیق، چنین پلی را به طول حدود 600 متر و عرض حدود 12 متر و با عمق حدود 8 متر احداث نمایند.

تلفات و خسارات دشمن

در این عملیات در حدود 32 هزار نفر از نظامیان ارتش عراق، کشته و مجروح گردیدند و 2105 نفر از نظامیان عراقی نیز به اسارت درآمدند و همچنین تعداد 34 فروند هواپیما و 5 فروند بالگرد ارتش عراق ساقط و منهدم گردید. در این عملیات پایگاه پدافند ضد هوایی هاوک ارتش جمهوری اسلامی ایران بسیار فعال بود و در مجموع 86 فروند موشک به سمت هواپیماهای عراقی پرتاب کرد که 52 موشک به هدف اصابت کرد که موجب انهدام یا آسیب جنگنده های عراقی گردید و تعداد زیادی تانک و نفربر و خودروهای زرهی منهدم شد.

نتایج عملیات فاو

الف - تصرف کامل بخشی از اروند رود.
ب - تصرف فاو و تأسیسات بندری آن.
ج - تصرف سکوهای موشکی و تأمین خور موسی و افزایش ضریب امنیتی در جزیره ی خارک.

د - کنترل خور عبدالله و تهدید بندر ام القصر.

ه - ایجاد فشار به کشورهای عربی.

5- تشریح عملیات کربلای 5

یکی از سخت ترین، معروفترین، دشوارترین و به یاد ماندنی ترین عملیات هایی که در دوران جنگ، صورت گرفته و توانسته ذهن بسیاری را به خود مشغول نماید، عملیات کربلای 5 است.

این عملیات که حدود یک سال و نیم قبل از پایان جنگ تحمیلی در منطقه ی غرب شهر خرمشهر و در محور شلمچه به سوی بصره انجام شده بود با رمز یا فاطمه زهرا (س) آغاز و مهمترین عملیات در سال 1365 هجری شمسی بود که ضربه بسیار مهلکی بر استعداد و توان رزمی رو به افزایش ارتش بعثی صدام وارد آورد.

عملیات کربلای 5، از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرح ریزی و در محور شلمچه در نیمه شب 1365/10/19 در جبهه ی جنوب و در محور شلمچه در منطقه شرق بصره به مرحله اجرا درآمد.

زمین منطقه عملیات کربلای 5 در شرق بصره دارای ارزش و اهمیت زیادی بود. محور مواصلاتی شلمچه کلید فتح بصره به شمار می رفت. وسعت سرزمین خشک این منطقه عملیاتی که به پنج ضلعی معروف بود به کمتر از پنجاه کیلومتر مربع می رسید.

یک کیلومتر پیشروی در محور شلمچه، از نظر اهمیت نظامی و فشار سیاسی بر دشمن، برابر با حدود 10 کیلومتر پیشروی در نقاط دیگر مانند محور فکه، ارزش داشت. بنابراین ارزش نظامی و سیاسی زمین منطقه عملیات کربلای 5 بسیار زیاد بود.

استحکامات و موانع منطقه ی عملیاتی کربلای 5

ارتش عراق در طول سالیان دراز استقرار و پدافند در منطقه شرق بصره مبادرت به اقدامات زیر نموده بود :

الف - استحکامات هلالی شکل، به طوری که در درون هر یک از آنها یک دسته تانک می توانست موضع گرفته و با امنیت خاطر تیراندازی نماید. اطراف این استحکامات نیز با سیم های خاردار و میداین مین در مقابل نیروهای سپاه پوشانده شده بود.

ب - ایجاد منطقه ی آبرفتگی در شمال منطقه عملیات به منظور رها کردن آب در زمین جهت جلوگیری از عملیات نیروهای پیاده ایران.

ج - تعبیه ی سنگر های بتونی، دیده بانی، تیربار و مهمات و نیز تعدادی سنگر تانک به منظور تسلط بر منطقه ی شلمچه.

د - تعبیه ی سنگر های کمین برای محافظت و کنترل از موانع، میداین مین و استحکامات ایجاد شده.

ه - ایجاد تعدادی دکل بلند دیده بانی در غرب اروند رود به منظور کنترل تردد نیروهای خودی. و - استفاده از سلاح های ضد هوایی در خط اول و تعداد زیادی تانک به منظور جلوگیری از نفوذ رزمندگان اسلام در شکست خط اول.

ز - ایجاد موانع عظیمی از سیم های خاردار، تله های انفجاری، کانال، میدان های وسیع مین و سنگر های بتنی، سنگر های استراق سمع و سنگر های کمین هم در جلوی خط اصلی قرار داشت.

ح - ایجاد ده ها ردیف موانع گوناگون در آبرفتگی ها که در زیر آبرفتگی هم مین کاشته بودند تا عبور هر نوع نیروی پیاده غیر ممکن گردد.

شرح عملیات

این عملیات درست دو هفته پس از ناکامی در عملیات کربلای 4، صورت گرفت، در حالی که زمانی حدود یک ماه برای آمادگی رزمندگان اسلام ضروری بود. اگر این فرصت به یگان های ارتش یعنی داده می شد، می توانستند بلافاصله نقاط ضعف خود را پوشانده و ایران را از دستیابی به منطقه شلمچه باز دارند.

در حین عملیات و پس از به اسارت در آمدن تعدادی از نیروهای دشمن مشخص شد که برخی از فرماندهان ارتش یعنی چند روز پیش از آغاز این عملیات، به مرخصی رفته بودند و برخی دیگر هم در شب عملیات، فرصت رساندن خود به قرارگاه مربوطه را نیافتند. حتی برخی از فرماندهان گردان های ارتش یعنی، فرصت پوشیدن لباس نظامی خود را نیز نیافتند و حتی با لباس شخصی به اسارت در آمدند آنها می گفتند: ما در خانه بودیم که به ما خبر دادند، بصره در تهدید است و ابلاغ کردند که خود را سریعاً به منطقه عملیاتی برسانیم.

در دو روز اول، به دلیل عدم آمادگی نیروهای دشمن، عملیات به خوبی پیش رفت و رزمندگان موفق شدند تعدادی تانک دشمن را به غنیمت گرفته و حدود 650 نظامی عراقی را اسیر نمایند. پایگاه موشکی هاگ ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در این عملیات فعال گردید و توانست تعدادی از هواپیماهای دشمن را مورد هدف قرار دهد. ولی از روز سوم به بعد آرام آرام، جنگ سختی از سوی ارتش عراق، علیه رزمندگان اسلام شکل گرفت.

در طی این عملیات، ایران در حدود یک میلیون و 800 هزار گلوله توپ و حدود یک میلیون و 200 هزار گلوله انواع خمپاره را به سوی مواضع ارتش عراق پرتاب نمود. با این همه، رزمندگان سپاه اسلام تنها توانستند تا خط نهر جاسم که آخرین رده دفاعی ارتش بعثی در منطقه عملیات بود مرحله به مرحله پیشروی کنند و در نهایت، به دلیل کمبود یگان پیاده و واحد زرهی، امکان این که رزمندگان اسلام گام های بلندتری در پیروزی بردارند میسر نشد.

در جریان عملیات کربلای 5، هوانیروز سه تیم پروازی شامل 9 فروند بالگرد را به کار گرفت. از این سه تیم یک تیم در حال عملیات، یک تیم در حال سوخت گیری و تیم دیگر در حال رفتن به منطقه ی عملیات بود. در مجموع از 4 پایگاه هوانیروز تعداد 130 فروند وسیله ی پروازی از بالگردهای ترابری و کبری در منطقه ی جنوب مستقر گردیده بودند.

در جریان پاتک ها، از 180 تیپ موجود ارتش عراق، 110 تیپ یعنی حدود دو سوم استعداد ارتش بعثی وارد منطقه ی عملیات شد. به طوری که در خلال این عملیات، نظامیانی از 110 یگان و تیپ مختلف ارتش بعثی عراق اسیر شدند. بنابراین می توان گفت که شدید ترین و گسترده ترین نبرد ها در میان عملیات های 90 گانه نیروهای مسلح در طول دوران دفاع مقدس، عملیات کربلای 5 بوده است.

نتایج و دستاوردهای عملیات

در این عملیات بیش از 150 کیلومتر مربع از خاک عراق به تصرف قوای ایران درآمد و پاسگاه های بوبیان، شلمچه، کوت سواری و خین در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت. جزایر بوارین، فیاض و ام الطویل و شهرک دو عیجی، رودخانه دو عیجی و نهر جاسم و همچنین 10 کیلومتر از جاده شلمچه بصره و نیز 11 پاسگاه فرماندهی ارتش بعثی عراق نیز به کنترل قوای اسلام درآمد.

در این عملیات 2655 نظامی عراقی شامل چهل افسر ارشد و چهل افسر جزء و 600 درجه دار به اسارت درآمدند. استعدادی در حدود 55 تیپ تا حدود زیادی منهدم گردید و به 870 دستگاه تانک، 180 قبضه توپخانه صحرایی و 1000 دستگاه خودرو آسیب وارد شد. حدود 30 هزار نفر از نظامیان عراقی کشته و تعداد بیشتری زخمی گردیدند و 30 هواپیمای دشمن آسیب دید و 7 فروند بالگرد دشمن نیز ساقط شد.

پس از 45 روز جنگ، ارتش عراق به منظور جلوگیری از انهدام بیشتر، دست از جنگ کشید. همچنین 230 دستگاه تانک، 20 قبضه توپ، 200 دستگاه خودرو و 100 دستگاه وسایل مهندسی و 100 قبضه توپ ضد هوایی به غنیمت درآمد.

تقدیر امام خمینی (ره) از رزمندگان عملیات کربلای 5

شرایط و سختی های انجام دو عملیات فشرده کربلای 4 و 5 موجب شد تا امام خمینی(ره) در ایام دهه مبارکه فجر این سال از شهیدان و رزمندگان عملیات های انجام شده در پیامی در 1365/11/16 به شرح ذیل تجلیل نمایند: « من ضمن تشکر و تقدیر فراوان از نیروهای مردمی و بسیجیان جان بر کف و سپاهیان محمد - صلی الله علیه و آله - و ارتش قدرتمند و مقاوم و سپاهیان قهرمان و دلاور و روحانیون و جهادگران و امدادگران و خیرنگاران و نیروهای انتظامی، کمیته، شهربانی و ژاندارمری و همه کسانی که در پشت جبهه ها به تقویت و تدارک رزمندگان همت گماشته اند و نیز با تقدیر و تشکر وافر از رزمندگان عملیات کربلای 4 و خصوصاً کربلای 5 که واقعاً حماسه آفریدند و حیرت و تعجب همه جهانیان را برانگیخته اند و بر مستحکمترین دژها و موانع و مدرنترین سلاح ها یورش بردند و دلاورانه در مصاف با دشمن زبون جنگیدند و امیران و افسران و درجه داران و سربازان بیشماري از دشمن را به اسارت گرفته اند و هم اکنون نیز به نبرد خود ادامه می دهند و دل انبیا و پیامبر اسلام (ص) و مولای خود حضرت صاحب الامر (عج) را شادمان ساخته اند، از همه جوانان غیور و اقشار برومند کشور اسلامی می خواهم که مثل همیشه به جبهه ها هجوم آورند و به سپاهیان حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - بپیوندند و نفس های آخر عمر صدامیان را بگیرند که دست نصرت حق با شما است. چنانچه تا به امروز و در همه صحنه ها از امدادهاي غیبي و عنايات ویژه خود، شما را متنعم ساخته است، بعد از این نیز یار و یاورتان خواهد بود و شما را تنها نخواهد گذاشت و من هم در همه حالات به شما دعا می کنم و شما را دوست دارم و ای کاش در کنار شما و در سنگر شما بودم.»

فصل یازدهم

اقدامات دشمن جهت توسعه ی جنگ و وادار نمودن جمهوری اسلامی ایران به توقف اقدامات

نظامی

1- استفاده ی گسترده از عوامل شیمیایی و نقش کشورهای کمک کننده در آن

الف- جنگ شیمیایی چیست؟

منظور از جنگ شیمیایی، کاربرد گازهای شیمیایی مانند گاز خردل، اشک آور، سیانور و اعصاب به عنوان سلاح در جنگ است. چنین سلاح هایی بدلیل قدرت کشتار بالا و اثرات بسیار نامطلوب زیست محیطی آن جزء سلاح های نا متعارف طبقه بندی شده اند و تولید و استفاده از آنها طبق کنوانسیون 1925 ژنو ممنوع اعلام شده است. با وجود این ممنوعیت کاربرد سلاح شیمیایی توسط ارتش بعث عراق از همان ابتدای جنگ آغاز و تا پایان جنگ هم ادامه یافت.

بر حسب نوع و میزان گستردگی استفاده عراق از این سلاح ها در جنگ تحمیلی میتوان سه

دوره را از هم تفکیک کرد:

- (1)- از آغاز جنگ (31 شهریور 1359) تا آزاد سازی خرمشهر (3 خرداد 1361) به نظر میرسد اهداف ارتش عراق در این دوره از کاربرد سلاح شیمیایی، آزمایش سلاح و عوامل شیمیایی، ارزیابی بازتاب و عکس العمل جهان و وارد آوردن تلفات بوده شده است.
- (2)- از تیرماه 1361 تا پایان سال 1365

در این دوره که همزمان با آغاز عملیات تهاجمی ایران در عملیات درون مرزهای عراق، با هدف تنبیه متجاوز و احقاق حق صورت گرفت. عراق دوران تازه ای را از کاربرد سلاح شیمیایی آغاز کرد. در این مدت عراق از سلاح شیمیایی در نقش سلاح تدافعی با هدف خنثی کردن تهاجمات ایران و وارد آوردن تلفات و ایجاد رعب و وحشت و استفاده از یک سلاح مطمئن استفاده کرد.

(3)- از سال 1366 تا پایان جنگ (مرداد 1367)

در این دوره عراق از سلاح شیمیایی به عنوان یک سلاح تهاجمی برای بازپس گیری مناطق تصرف شده اش توسط نیروهای ایران استفاده کرد.

ب-تعریف عوامل شیمیایی

به گروه هایی از ترکیبات مواد سمی و کشنده اطلاق می گردد که بصورت جامد، مایع و یا گاز (بخار) مورد استفاده قرار گرفته و منجر به بروز اثرات مخرب کشنده و یا مصدومیت شدید در جانوران شده و همچنین باعث تخریب محیط زیست و نابودی گیاهان می شود. مواد سمی از دستگاه تنفسی، گوارشی و پوست مستقیماً پس از وارد شدن در بدن انسان، اثرات تحریکی به روی اجزاء دستگاه ایمنی بدن و ضایعات تخریبی بر پوست بر جای گذاشته و منجر به مصدومیت و نهایتاً مرگ انسان می شود.

این عوامل عبارتند از :

- (1)- عوامل سیانور که از طریق تنفس و جذب خون اثر سمی آن ظاهر میشود.
 - (2)- عوامل عصبی که در حالت عادی بصورت مایع هستند ولی بدلیل فراریت زیاد بصورت گاز نیز منتشر می شوند و در اثر تماس با پوست بدن، دستگاه تنفسی، چشم و سلسله اعصاب بدن باعث مسمومیت و اختلال در جریان عصبی میشوند.
 - (3)- عوامل خفه کننده مواد خطرناکی هستند که بر روی بافت دستگاه تنفسی تأثیر گذاشته و موجب تحریک مخاط بینی، شش ها، چشم ها و تخریب بافت ها و سرانجام باعث مرگ میشود.
 - (4)- عوامل تاول زا که بصورت مایع و گاز مورد استفاده قرار می گیرند و موجب ضایعات موضعی پوستی و تحریک عمومی بافت ها، غشایی مخاطی، تاول و تخریب آن میگردد.
 - (5)- عوامل ناتوان کننده به عواملی اطلاق می شود که فرد را از انجام عملیات عادی باز دارند و معمولاً در درگیری و جنگ های شهری استفاده میشود.
 - (6)- سایر عوامل شیمیایی مانند مواد سمی کشنده توکسین ها، عوامل کنترل شورش ها، عوامل دودزا و عوامل علف کش ها را نیز میتوان نام برد.
- ج-هدف از کاربرد سلاح شیمیایی
- (1)- ایجاد رعب و وحشت و اضطراب و تشویش با هدف عملیات روانی علیه دشمن و مردم غیر نظامی.
 - (2)- کاهش توان رزمی و ایجاد اختلال در سازمان رزمی دشمن.

(3) - مرعوب نمودن و زمین گیر نمودن دشمن و یا ایجاد تزلزل در روحیه و مقاومت دشمن و یا نیروهای پشتیبانی کننده.

د- دوره های استفاده از سلاح شیمیایی توسط ارتش بعث عراق در هشت سال دفاع مقدس (1)- دوره اول : در سالهای اول و دوم جنگ تحمیلی و تا حدود نیمه دوم سال 1361 با اینکه ارتش بعث عراق مورد حملات کوبنده و بسیار اثرگذار رزمندگان اسلام قرار گرفت و تلفات و ضایعات قابل توجهی دید مع الوصف از سلاح شیمیایی به حالت آفندی در طول عملیات دفاعی خود بطور گسترده استفاده نکرد.

(2)- دوره دوم : از سال 1362 تا پایان سال 1365 بویژه در نبردهای کربلا و 5 برای پشتیبانی از نیروهای دفاعی زمینی خود، از سلاح شیمیایی استفاده کرد تا به کمک آن از عملیات تهاجمی نیروهای ایرانی که متکی به نیروهای پیاده بودند جلوگیری کند. در طول این دوره ارتش عراق بیش از 230 بار مواضع نیروها، مراکز پشتیبانی و عقبه ها و حتی شهرها و روستاها و مناطق غیر نظامی ایران را هدف حملات شیمیایی قرار داد که در مجموع حدود 44 هزار نفر تلفات اعم از شهید و مجروح را در پی داشت.

(3)- دوره سوم : جنگ شیمیایی عراق علیه ایران از آغاز سال 1366 شروع شد و تا پذیرش قطعنامه 598 از سوی ایران و حتی پس از آن تا تابستان 1367 ادامه یافت. در این دوره زمانی ارتش بعث عراق پس از مرتفع کردن ضعفهای تاکتیکی و تکتیکی خود در زمینه بکارگیری سلاح شیمیایی در دو دوره گذشته و دستیابی به عوامل شیمیایی دوگانه، توانست از آنها به عنوان یک سلاح تهاجمی برای باز پس گیری مناطق تحت کنترل نیروهای ایران استفاده کند. فرماندهان عراق موفق شدند از این اسلحه به عنوان بخش اصلی از پدافند و یا آفند هماهنگ شده خود در بهار سال 1367 علیه نیروهای ایران در فاو، شلمچه و جبهه های غرب و شمال غرب بهره گیرند.

پس از حملات گسترده شیمیایی ارتش بعث از سالهای 65 و 66 فاجعه آمیزترین حملات شیمیایی عراق که همه جهانیان را تحت تأثیر قرار داد. حمله شیمیایی هواپیماهای عراقی به شهر حلبچه و سردشت ایران اطراف آن با عوامل شیمیایی خردل، اعصاب و سیانور که در نتیجه بیش از 9000 نفر را تحت تأثیر مخرب خود قرار داد که تنها 5000 نفر در شهر حلبچه شهید و حدود 200 نفر در شهر سردشت شهید و 5000 نفر مصدوم گردیدند.

جنگ ایران و عراق نشان داد که سلاح شیمیایی به منزله ی سلاح ارزان و قابل دسترس می تواند در هر کشوری با کمترین امکانات آزمایشگاهی تولید شود و در خدمت نیروها قرار گیرد. بنابراین تلاش گسترده ای صورت گرفت تا آمادگی دفاعی برای مقابله با این نوع جنگ (جنگ نوین) در سازمان رزم ارتش های دنیا طراحی شود.

در طول جنگ 8 ساله ایران و عراق، بسیاری از کشورهای غربی از جمله آلمان، آمریکا، انگلستان، فرانسه، شوروی، ایتالیا و... که از طراحان پروتکل 1925 ژنو هستند در تجهیز عراق برای تولید گازهای شیمیایی نقش کلیدی داشتند. علت این همکاری را میتوان در دو نکته خلاصه کرد :

الف- حمایت از عراق در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ.

ب-سود جونی.

در جنگ ایران و عراق بار دیگر این نکته در بوته آزمایش قرار گرفت که دستیابی به سطحی از بازدارندگی تنها راه مقابله با دشمن تا دندان مسلح است، عاملی که میتواند تمام جنبه های نظامی حتی استفاده از سلاح شیمیایی را شامل شود در واقع عراق زمانی به استفاده هرچه بیشتر از گازهای سمی ترغیب شد که پی برد جمهوری اسلامی ایران سلاحي برای دفاع از خود یا مقابله به مثل ندارد.

2-حملات وسیع هوایی و موشکی به شهرها و منابع حیاتی و حساس

منظور از جنگ شهرها، بمباران مراکز تجمع انسانی غیر نظامی و اماکن شهری با هواپیما، توپخانه، راکت و موشک است. بمباران شهرها همزمان با آغاز تهاجم سراسری رژیم بعث عراق به خاک ایران آغاز شد و تا پایان جنگ در تابستان 1367 ادامه یافت. در این مدت طولانی عراق روی هم رفته 2769 مورد شهرهای ایران را مورد هدف بمباران خود قرار داد که روی 127 شهر از شهرهای ایران (همچنین جزایر جنوبی کشور در خلیج فارس) صورت گرفت.

بمباران شهرهای ایران طی جنگ فراز و نشیب های ویژه ای داشت. بیشترین بمباران شهرهای کشور در سال 1365 (20% مجموع بمباران ها) و کمترین آن در سال 1363 (52% مجموع بمباران ها) صورت گرفت و در یک نگاه کلان روی هم رفته بر حسب دفعات تهاجم به شهرهای ایران میتوان سه دوره را مشخص کرد:

الف- دوره اول از شهریور ماه 1359 و همزمان با حمله سراسری عراق آغاز شد و تا سال 1361 ادامه یافت. بیش از 30% مجموع حملات به این دوره مربوط می شود که بطور میانگین، ماهانه 50 حمله و روزانه 1/6 حمله به شهرهای کشورمان را دربر می گرفت.

ب- دوره دوم از سال 1362 تا سال 1363 را شامل میشود. تقریباً 10/7% مجموع بمباران ها در این دوره انجام شد که بطور میانگین ماهانه 21 حمله و روزانه 0/7 حمله را در بر می گرفت.

ج- دوره سوم جنگ شهرها از سال 1364 آغاز شد و تا پایان جنگ ادامه یافت. 58/8% مجموع بمباران های شهرهای کشور در این دوره انجام گرفت که بطور میانگین ماهانه 64 حمله و روزانه 2/5 حمله را شامل می شد. نخستین بار تهران در اسفند ماه 1366 با موشک زمین به زمین هدف قرار گرفت.

بر اساس آمارهای موجود در سه دوره مزبور در مجموع بیش از 16000 نفر از شهروندان غیر نظامی کشور در اثر بمباران و موشک باران شهرها جان خود را از دست دادند و افزون بر آن 59099 نفر نیز زخمی و مجروح شدند.

سه هدف عمده ی عراق از بمباران شهرهای ایران

الف- ایجاد رعب و وحشت در میان توده مردم و وارد آوردن فشار روانی مستقیم بر آنان برای متزلزل کردن اراده هایشان در ادامه نبرد و مقاومت و پشتیبانی از رزمندگان.

ب- خارج شدن ازین بست در نبردهای زمینی و جبران ناکامی هایشان در جبهه های جنگ زمینی.

ج- وادار کردن مسئولان جمهوری اسلامی ایران به پذیرش صلح مورد نظر عراق. در همین زمینه صدام در سومین سال جنگ گفت: « ما دو راه بیشتر نداریم، یا مصالحه یا اینکه برای حل مسئله جنگ، شهرهای ایران را هدف قرار دهیم.»

جمهوری اسلامی ایران هم برای مقابله با بمباران شهرهایش دو راه بیشتر نداشت:
الف- مقابله به مثل، نخستین راه بود که مسئولان جمهوری اسلامی در اتخاذ این شیوه با محدودیت اساسی کشته شدن افراد غیر نظامی و بی گناه و وجود شهرها و اماکن مقدس متعدد شیعیان (کربلا، نجف، سامرا، کاظمین) در عراق روبرو بودند. ضمن اینکه 60% از جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می دهند، وضعیتی که جمهوری اسلامی را در تصمیم گیری برای بمباران شهرهای عراق در تنگنا قرار داد بطوری که مقامات مسئول در مواردی حتی در بمباران شهرهای غیر مذهبی عراق با هشدار و اخطار قبلی اقدام می کردند. این در حالی بود که رژیم بعث عراق در جنگ شهرها، تنگناهای ایران را نداشت، برای نمونه شهر مذهبی قم طی جنگ 67 بار بمباران شد.

ب- استقرار سایت های پدافند هوایی در اطراف شهرهای کشور. این شیوه مقابله نیز محدودیت های ویژه خود را داشت. نخست اینکه امکان پوشش تمامی شهرهای کشور به دلیل کمبود سیستم های پدافند هوایی وجود نداشت، از این رو بیشتر شهرهای پر جمعیت کشور تحت پوشش قرار گرفته بودند. دوم اینکه سیستم های پدافند ایران در برابر موشک های شلیک شده عراقی کارایی نداشت، لذا جنگ شهرها، ضمن نشان دادن آسیب پذیری ایران در دفاع از مکان های مسکونی و شهری، ضرورت برخورداری از سیستم های پیشرفته راداری، دفاع هوایی و موشکی و برخورداری از توان باز دارندگی و اراده ی سیاسی لازم برای استفاده از این توان را در مواقع لزوم بطور جدی، فرا روی رهبران سیاسی- نظامی کشور قرار داد.

3- جنگ نفتکش ها و تاثیر آن در امنیت خلیج فارس و اقتصاد جمهوری اسلامی ایران
منظور از جنگ نفتکش ها، گسترش دامنه ی جنگ ایران و عراق به سطح آب های خلیج فارس به منزله ی مهم ترین منطقه تأمین کننده ی نفت خام جهان و ترانزیت این ماده پر ارزش است.

از آنجا که دو طرف درگیر برای فلج کردن سیستم اقتصادی یکدیگر که به درآمد های نفتی، متکی بوده بیشتر نفت کش های حامل نفت یکدیگر را هدف قرار می دادند این جنگ و منازعه به جنگ نفتکش ها معروف شد. در آغاز، جنگ در خلیج فارس در سطح پائین بود ولی به تدریج با طولانی شدن جنگ وضعیت حادثتر می شد و قدرت های بزرگ نیز به صحنه آمدند.

افزایش حملات عراق به کشتیرانی ایران باعث شد که ایران به نزدیکترین هدف در دسترس (کشتیرانی شیخ نشین های خلیج فارس که مبدأ و مقصد آنها بنادر عربستان و کویت بوده و این دوکشور بطور گروھی از عراق در جنگ پشتیبانی می کردند بود) و این همان چیزی بود که عراق خواهان آن بود، زیرا باعث ستیزه جونی کشورهای خلیج فارس و ابرقدرت ها با ایران گردید. از طرف دیگر اهمیت استراتژیکی خلیج فارس برای نظام بین الملل باعث شد که پای آمریکا و هم پیمانانش به این منطقه باز شود.

عراق در ابتدا به علت عدم توانایی رویارویی با نیروی هوایی ایران و محدودیت دامنه‌ی فعالیت نیروی هوایی خود، اهداف دریایی خود را در منتهی‌الیه شمال غربی خلیج فارس و جزیره خارک جستجو می‌کرد.

در پانیز سال 1362 با دریافت هواپیماهای سوپراتاندارد، ترمینال نفتی جزیره خارک را مورد حمله موشک‌های اکزوست فرانسوی قرار داد و این سر آغاز جنگ نفتکش‌ها بود. متعاقب آن در طول سال‌های بعد با دستیابی به فناوری سوخت‌رسانی هوایی به هواپیماهای میراژ فرانسوی که با کمک مستشاران فرانسوی انجام گرفت توانست در 1365/5/21 برای نخستین بار به تأسیسات نفتی جزیره سیری حمله کرده و 3 نفتکش در حال بارگیری را هدف قرار دهد و بدین وسیله با تأثیرگذاری بر روند صادرات نفتی ایران توانست میزان صادرات نفتی ایران را از 1/6 میلیون بشکه در روز به 600 هزاربشکه کاهش دهد. ایران هم در واکنش به حملات هوایی عراق به شناورهای نفتکش و ترمینالهای نفتی ایران، نفتکش‌های حامل نفت شیخ نشین‌های خلیج فارس (کویت- عربستان) را هدف قرار داد که بخشی از درآمدهای حاصل از آنها برای کمک مالی و اعطای وام به عراق استفاده می‌شد.

از میان حدود 80 حمله‌ای که ایران در سال 1987 م (1366 ه. ش) علیه کشتیرانی در خلیج فارس ترتیب داد، 73 حمله علیه کشتی‌هایی انجام شد که مبدأ و مقصد آنها کویت یا عربستان سعودی بود. در این سال ایران 80 بار و عراق 83 بار به نفتکش‌ها حمله کردند در نتیجه تعداد کل حملات انجام شده در سال 1984 تا 1987، 180 حمله از سوی ایران و 215 حمله از سوی عراق بوده است.

بدین ترتیب جنگ نفتکش‌ها که در سال 1363 شروع شده بود در سال 1366 توسعه یافت و در همین سال تعداد کشتی‌هایی که هدف قرار گرفتند از تمام سال‌های گذشته بیشتر بود و بدین سان بود که هواپیماهای عراق با موشک‌های جدید دریافتی از غرب و قابلیت سوختگیری در هوا تمامی بنادر نفتی ایران را در خلیج فارس به خطر انداختند.

مهم‌ترین و مشهورترین بخش این مرحله از جنگ در منطقه استراتژیک خلیج فارس با آمریکایی شدن جنگ متمایز می‌شود. حمله‌ی اشتباهی موشک اکزوست هواپیمای عراقی به ناو یو-اس-اس- استارک در 1366/2/27 (17 می 1987) و تماس‌های کویت با مسکو برای کمک و حفاظت از کشتی‌های بی‌طرف و متعاقب آن پذیرش آمریکا از درخواست کویت برای نصب پرچم آمریکا بر فراز کشتی‌های کویتی و انجام دادن اقداماتی برای محافظت از نفتکش‌ها در برابر حملات ایران، آمریکا را وارد جنگ مستقیم با ایران در خلیج فارس نمود و پای اروپای غربی را نیز به میدان کشید.

در 1366/5/2 (24 جولای 1987) که نفتکش غول پیکر بریجتون در حالی که توسط ناوگان آمریکا اسکورت می‌شد، با مین دریایی برخورد و آسیب دید و این حادثه دیگری بود که غرب را تحریک و مصمم نمود.

در 1366/7/24 ایران با یک موشک کرم ابریشم در آب های کویت به نفتکش سی-آویل سیتی با پرچم آمریکا حمله کرد و متعاقب آن بود که در 1366/7/27 سکوهای نفتی رشادت توسط 4 رزم ناو آمریکائی مورد حمله قرار گرفت.

در 18 آوریل 1988 (1367/1/29) بار دیگر رزم ناوهای آمریکا به سکوهای نفتی نصر و سلمان حمله و آنها را به طور کامل منهدم کردند. در این حمله علاوه بر انهدام سکوهای مذکور، دو رزم ناو ایرانی سهند و جوشن را غرق و به یک شناور دیگر ایران خساراتی وارد کردند و در 1367/4/12 بود که حمله موشکی ناو آمریکائی وینسنس به هواپیمای مسافربری ایرباس ایران بر فراز خلیج فارس، موجب شهادت 290 مسافر غیر نظامی این هواپیما گردید.

4- تغییر روش پدافند عراق و تهاجم موردی به بعضی از مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران

ارتش عراق، در طول 8 سال جنگ بجز در تهاجم اولیه، در دو دوره دست به حملات متقابل زد تا بتواند ابتکار عمل را به دست گیرد. در سایر ایام هشت سال این ارتش در حالت دفاعی مطلق فرو رفته و شرایط نا مطلوب نظامی را تحمل می نمود.

دوره اول حملات مجدد عراق بعد از 5 سال دفاع مطلق با هدف به دست آوردن ابتکار عمل، تصرف مناطقی در خاک ایران که بعد از تهاجم اولیه و در اثر حملات نیرو های ایران مجبور به از دست دادن آن ها شد، تصرف مناطقی از خاک عراق که توسط نیرو های ایران تصرف شده و مهم تر از همه ایجاد تحرکی در لشکر های عراقی بود.

در نتیجه از اسفند ماه 1364 تا اواخر اردیبهشت 1365 در 12 منطقه که 6 منطقه آن در خاک عراق بود، اقدام به حمله نمودند و مناطقی را متصرف شدند که بلافاصله با حملات رزمندگان اسلام آن ها را از دست دادند (مانند شهر مهران) و ثابت گردید که ارتش عراق در عرصه ی عملیات زمینی قادر به رویارویی با رزمندگان اسلام نیست و لذا مجدداً برای 2 سال دیگر تا آخر جنگ در حالت دفاعی خود فرو رفت.

دور دوم حملات عراق به آخر جنگ و اوایل سال 1367 بر می گردد. ویژگی این دوره حضور نیروهای آمریکا و اروپای غربی در خلیج فارس و رویارویی مستقیم ناوگان آمریکا در انهدام شناورها و سکوهای نفتی ایران در تلاش نظام بین المللی برای پایان دادن به جنگ 8 ساله می باشد.

در این دوره ارتش رژیم بعث عراق همسو با آمریکا تلاش کرد ابتکار عمل را که از ویژگی های عملیات آفندی است بدست بگیرد.

ارتش بعثی عراق که در سال های پایانی جنگ، با برخورداری از پشتیبانی اکثر کشور های سازنده ی تجهیزات نظامی و پول های کشور های ثروتمند عرب منطقه، توسعه و توان بالایی به دست آورده بود با هدف باز پس گیری مناطق حساس در داخل خاک عراق که توسط نیرو های ایران تصرف شده بود مانند فاو، جزایر مجنون، ماوت، شاخ شمیران و دستگیری اسرای بیشتر با هدف داشتن امتیاز در مذاکرات آتی در 1367/2/26 تا 1367/4/7 مبادرت به حملاتی گسترده نمود.

1- کشورهای عربی

پس از تجاوز سراسری رژیم بعثی عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی واکنش‌های متفاوتی را از خود نشان دادند. دولت‌های منطقه به ویژه عربستان، اردن و کویت حمایت خود را از عراق اعلام نمودند. ملک حسین پادشاه وقت اردن ضمن تماس تلفنی با صدام حسین دستاوردهای ارتش شجاع عراق را تبریک گفت و حمایت کامل اردن با تمامی امکانات خود از عراق را اعلام کرد.

دولت امارات متحده ی عربی مجدداً تأکید نمود جزایر سه‌گانه ی عربی که از سوی رژیم ایران به اشغال در آمده باید به این کشور باز پس داده شود.

شورای همکاری حوزه خلیج فارس در کنار صدام حسین علیه ایران صف‌آرایی کرد. دبیر کل اتحادیه عرب طی مکالمه تلفنی با دبیر شورای فرماندهی عراق مواضع عراق و عربی صدام حسین را مورد ستایش قرار داد. دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی ضمن ارسال دو تلگراف به صدام حسین و امام خمینی(ره) خواستار برقراری آتش‌بس فوری شد.

دولت‌های منطقه نیز با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحت تأثیر تبلیغات منفی بیگانگان، ایران را سرچشمه تهدید علیه خود می‌دانستند. لذا به حکومت صدام حسین علیه ایران کمک می‌کردند. آندره فونتن، نویسنده، روزنامه‌نگار و مورخ شهیر معاصر می‌نویسد:

«از شیخ نشین‌های خلیج فارس گرفته تا شوروی و آمریکا... همه از پیداکردن راهزنی مثل صدام حسین که در برابر آیت الله قد علم کند، خوشحال بودند. در آن زمان، آرزوی غربی‌ها این بود که دو طرف متخاصم هرچه بیشتر به کشتن یکدیگر ادامه دهند.»

2- بلوک غرب با محوریت ایالات متحده آمریکا

الف- آمریکا

ایالات متحده یا آمریکا با توجه به روند جاری جنگ و اشغال بخشهایی از خاک ایران از سوی ارتش بعثی عراق و در موضع برتر بودن عراق و توان تسلیحاتی قوی آن (به دلیل تجهیز شدن از سوی شوروی سابق) که همه اینها را در راستای منافع خود می‌دید، تصمیم گرفت که در ابتدای جنگ، اعلام بی‌طرفی کند. این موضع در آن موقع کاملاً به نفع عراق بود و با اعمال فشار بر ایران، می‌توانست تأمین‌کننده منافع ایالات متحده در ابعاد گوناگون باشد.

با وجود آنکه روابط پنهانی ایالات متحده با عراق و دیدارهای مخفیانه و آشکار مسئولان دو کشور همچنان ادامه داشت (ملاقات صدام با برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر رئیس جمهور آمریکا در تیرماه 1359 در مرز اردن)، اما به دلیل روند حاکم بر جنگ، این موضع بی‌طرفی ظاهری آمریکا تا هنگام تغییر وضعیت جبهه‌های جنگ و تغییر موازنه به نفع ایران، همچنان به قوت خود باقی بود.

آمریکا با هدف تحت فشار قراردادن ایران برای آزادی گروگان های خود و به منظور مهار خطری که از جانب ایران متوجه منافع خود در منطقه می دانست، با سیاست صدام حسین همسو بود. در کتاب گروگان های آمریکایی در ایران، اداره یک بحران، که از جمله نویسندگان آن، برخی از دست اندرکاران مذاکرات مساله گروگان ها (وارن کریستوفر، معاون وقت وزیر امور خارجه آمریکا و هارولد ساندرز و گری سیک) هستند، آمده است :

«... ما فکر می کردیم چیزی که موجب تسلاي خاطر و آرامش خیال ما می شد این بود که ایران با وجود جنگ احساس خواهد کرد که زیان های ناشی از تحریم ها بیشتر از همیشه خواهد شد و بالاچاره در اذهان اثر خواهد گذارد و زیان آن از نگهداری گروگان ها بیشتر خواهد بود...»

ب- فرانسه

نخست وزیر فرانسه در 7 مهر ماه سال 1359 در واکنش به حمله عراق اظهار داشت : «عراق هیچ کاری نمی کند جز باز پس گرفتن خاک خود». وی میانجی گری فرانسه میان ایران و عراق را رد کرد و اظهار داشت :

«فروش سلاح در چهار چوب همکاری موجود میان فرانسه و عراق صورت می گیرد و عراق برای به دست آوردن سرزمین هایش طبق معاهده 1975 که ایران آن را تصویب کرده می جنگد.» فرانسه به طور شفاف و در سطح رسمی، موضع خود را حمایت از عراق اعلام کرد. منافع تجاری و تسلیحاتی پاریس با بغداد، قبل از شروع جنگ کم و بیش در جریان بود. این کشور طی سالهای 1977 و 1978 م دو میلیارد دلار اسلحه به عراق فروخت. چهار ماه پس از آغاز جنگ در فوریه 1981، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه اعلام کرد: ا فرانسه 60 فروند میزائل از نوع اف-1 را در ادامه اجرای قرارداد سال 1977 م به عراق ارسال داشته است. در همین سال، صدور مواد غذایی از سوی شرکتهای فرانسه به عراق به 4/7 میلیارد دلار بالغ گردید. از سوی دیگر، منافع فرانسه در منطقه، عامل دیگری در جانبداری این کشور از عراق محسوب می شد. بر این اساس، ریموند بار، نخست وزیر فرانسه، درباره حمایت قاطع کشورش از عراق اظهار داشت :

«فرانسه نه تنها از نظر نظامی به عراق کمک می کند، بلکه قرا دادهای اقتصادی و فرهنگی نیز با این کشور دارد.» در توجیه مواضع پاریس در مورد تجاوز عراق گفت: «عراق هیچ کاری نمی کند جز پس گرفتن خاک خود. عراق برای به دست آوردن سرزمین هایش طبق معاهده سال 1975 م که ایران آن را تصویب کرده است می جنگد.»

ج- انگلستان

موضع انگلستان نیز در همین چارچوب قابل مطالعه است. به طور کلی، مواضع انگلستان و فرانسه با سیاست آمریکا در جانبداری از عراق و همچنین قدرت های میانه ی اروپایی و غیر اروپایی مانند آلمان، ژاپن، ... در جهت یکدیگر قرار داشته است. با این تفاوت که مواضع ژاپن و آلمان بیشتر اقتصادی بوده و نسبت به آمریکا، فرانسه و سپس انگلستان از اعتدال بیشتری برخوردار بوده است.

3 - بلوک شرق با محوریت اتحاد جماهیر شوروی

الف- شوروی

عراق دومین کشور عرب، بعد از مصر است که در 9 آوریل 1972 میلادی (20 فروردین 1351) قرار داد دوستی و همکاری با شوروی را امضاء کرد.

در ماده 8 این قرارداد نوشته شده بود: در صورت بروز موقعیتی که دال بر مخاطره ی صلح هر یک از طرفین و تجاوز به صلح باشد؛ متعاهدین معظم، بدون درنگ برای هماهنگی مواضعشان تماس حاصل خواهند کرد تا خطر موجود را برطرف و صلح را برقرار کنند. همچنین در ماده 9 آن نوشته شده بود: طرفین متعاهدین معظم برای تقویت ظرفیت دفاعی خود توسعه همکاری را تعقیب خواهند کرد.

عراق با قرارداد دوستی و همکاری بلندمدت، متحد دیرینه و برجسته ی شوروی در جهان عرب بود. ارزش سیاسی و استراتژیک عراق تنها در نتیجه موافقتنامه کمپدیوید و تصمیم مصر در پیوستن به طرح خاورمیانه‌ای ایالات متحده افزایش یافته بود.

علاوه بر این، عراق واردکننده ی اساسی سلاح‌های شوروی و صادرکننده ی قابل اعتماد نفت به اتحاد شوروی و متحدان اروپای شرقی آن بود. سرانجام، شوروی باید این را نیز می‌سنجید که حمایت نکردن از عراق ممکن است بر اعتبار اتحاد شوروی به عنوان حامی بادوام دولت‌های عربی در دوره ی پس از جنگ بازتاب منفی داشته باشد.

از سوی دیگر، ایران فرصتی منحصر به فرد و بی‌سابقه برای رهبری شوروی فراهم کرد. انقلاب اسلامی ایران در سال 1979م با سرعتی قابل ملاحظه یکی از ثابت قدم‌ترین متحدان ایالات متحده در برابر اتحاد شوروی در منطقه را از میان برداشته بود. در نتیجه، پایه سیاست مهار ایالات متحده در برابر اتحاد شوروی در منطقه از میان رفته و در عوض، هدفی هر چند متغیر، فرصت امیدبخش خود را به مسکو ارائه نموده بود.

توانایی تغییر در تحرک داخلی ایران و تردیدهایی که در شکل نهایی و تعیین موقعیت رژیم ایران وجود داشت، یک عامل اساسی در تصمیم اولیه شوروی در عدم حمایت از تلاش جنگی عراق علیه ایران به شمار می‌رفت.

ب- چین

در این مقطع، موضع چین در برابر جنگ تعیین کننده و با اهمیت نبود. اما موضع این کشور نیز بدون توجه به آغاز کننده ی جنگ اتخاذ شد. از همین رو، مقامات چین رسماً از دو کشور خواستند که از جنگ دست برداشته و از راه مذاکره، مسائل خود را حل کنند.

فصل سیزدهم

رفتار سازمان ملل در جنگ ایران و عراق و فرآیند صدور قطعنامه 598

هنگامی که نیروهای عراق در 31 شهریور 1359 (22 سپتامبر 1980) تهاجم خویش به جمهوری اسلامی ایران را آغاز کردند هیچ کشوری در شورای امنیت سازمان ملل تحرکی برای توقف آن انجام نداد. کشورهای عرب از عراق حمایت کردند. هیچ کشور غیر عرب دیگری نیز تمایل نداشت به رابط خود با بغداد لطمه بزند. تنها دبیرکل سازمان ملل (کورت والدهایم) مبادرت به صدور بیانیه‌ای نمود.

سخنگوی مطبوعاتی سازمان ملل متحد در مصاحبه مطبوعاتی روزانه با خبرنگاران، جلسه را با قرانت اعلامیه دبیرکل درباره جنگ عراق و ایران آغاز نمود. در این بیانیه گفته شد:

«دبیر کل با نگرانی فزاینده و عمیق تیره‌تر شدن روابط ایران و عراق و شدت یافتن اختلاف بین آنها را مورد توجه قرار داده است. در چنین وضع پر از مخاطره اختلاف ممکن است عواقب وخیم و غیرقابل پیش بینی به همراه داشته باشد. دبیرکل از هر دو دولت خواست که نهایت خویشتن داری را به عمل آورند و تا آنجا که می‌توانند برای رفع اختلافات خود از طریق مذاکره راه حلی پیدا کنند.

دبیرکل در این بیانیه تعمداً و آگاهانه از به کار بردن عبارت «تجاوز مسلحانه» خودداری می‌نماید و اصولاً نام «عراق» را به تنهایی نیاورده و کوشیده است نام عراق و ایران را همراه با هم بیاورد و روی سخن او متساویاً با هر دو کشور باشد. دبیرکل از هر دو کشور به ویژه از ایران می‌خواهد که خویشتن داری کند و اختلاف خود را با عراق از راه مذاکره حل کند. دبیرکل آشکارا از ایران می‌خواهد که به علت حمله نظامی عراق در صدد انجام اقدامات تلافی‌جویانه بر نیاید و از «حق ذاتی دفاع از خود» چشم پوشی کند.

مروری بر تعداد قطعنامه های صادر شده توسط شورای امنیت سازمان ملل.

الف - قطعنامه ی 479 در 28 سپتامبر 1980م مطابق با 6 مهر 1359 ه. ش

- (1) - از ایران و عراق می‌خواهد از هرگونه کاربرد بیشتر زور به فوریت خودداری کنند و مناقشه خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل حل نمایند (2) - از آنها مصرانه می‌خواهد هر پیشنهاد مناسب در مورد میانجیگری، سازش یا توسل به نهادهای منطقه‌ای یا دیگر راه‌های مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود را که اجرای تعهداتشان بر اساس منشور ملل متحد را تسهیل کند، بپذیرند.
- (3) - از کلیه کشورهای دیگر می‌خواهد حداکثر خویشتن‌داری را می‌پذیرند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود خودداری کنند (4) - از کوشش‌های دبیر کل و پیشنهاد وی در مورد مساعی جمیله برای حل این وضعیت پشتیبانی می‌کند.
- (5) - از دبیر کل درخواست می‌کند که ظرف چهل و هشت ساعت به شورای امنیت گزارش

دهد.

در بررسی قطعنامه 479 نکات زیر قابل توجه است:

- شورای امنیت در ششمین روز آغاز جنگ و حمله عراق به ایران، قطعنامه صادر می‌کند و در آن از لفظ «وضعیت» استفاده می‌کند در حالی که همین شورا در تجاوز عراق به کویت در دوم اوت 1990، فقط دو ساعت پس از این تجاوز، قطعنامه ی 660 را صادر کرده و عراق را محکوم می‌کند.

- در قطعنامه ی 497 سخنی از نقض تمامیت ارضی ایران نشده و پیشنهاد آتش‌بس هم نداده و از نیرو های اشغالگر هم نخواستند خاک طرف دیگر را ترک کنند.

- جالب این‌که عراق این قطعنامه را بلافاصله پذیرفت ولی ایران اعلام کرد تا زمانی که نیرو های ارتش بعثی عراق در داخل خاک ایران هستند، قطعنامه ی فوق قابل قبول نیست.

ب - قطعنامه ی 514 در 12 جولای 1982م مطابق با 23 تیرماه 1361 ه. ش

پس از صدور قطعنامه 479، شورای امنیت در سکوتی سنگین فرو رفت. این امر هم زمان با پیشروی نیروهای عراقی در داخل خاک ایران و تحکیم مواضع آنها در مناطق تحت اشغال خود بود. ادامه اشغال سرزمین‌های ایران، حملات موشکی عراق نیز نتوانست شورا را به تحرك وادارد. اما انجام عملیات‌های نظامی از سوی ایران و آزادسازی بسیاری از مناطق تحت اشغال در عملیات ثامن‌الانمه و به ویژه در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس شرایط سیاسی- نظامی را تحت الشعاع قرار داد. نماینده دائم کشور گویان که در جولای 1982 ریاست شورای امنیت را بر عهده گرفت، قادر شد اعضا شورا را که در ابتدا دچار تردید بودند به تصویب قطعنامه 514 ترغیب کند.

با این حال قدرت نظامی ایران باعث گردید که شورای امنیت به درخواست اردن و حمایت امریکا تشکیل جلسه دهد و در 12 جولای 1982 (1361/4/21) قطعنامه شماره (1982) 514 را به اتفاق آراء تصویب نماید که اهم مفاد آن به قرار زیر می باشد:

- 1- خواستار آتش بس و خاتمه فوری کلیه عملیات نظامی است.
 - 2 - علاوه بر آن خواستار عقب کشیدن نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی است.
 - 3- تصمیم می‌گیرد که گروهی از ناظران سازمان ملل متحد را به منظور بررسی، تائید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی اعزام دارد و از دبیرکل می‌خواهد که گزارش خود را در مورد ترتیباتی که بدین منظور مورد نیاز است به شورای امنیت تسلیم نماید .
- در خصوص این قطعنامه نکات زیر جالب توجه است :

- 1- عنوان این قطعنامه نیز همانند قطعنامه 479 «وضعیت میان ایران و عراق» است
- 2- این قطعنامه نیز همانند قطعنامه 479 «توصیه» است .
- 3- فاصله زمانی این قطعنامه با قطعنامه قبلی 21 ماه و 15 روز است که این فترت طولانی خود سوال برانگیز است. فترت مربوط به زمانی است که نیروهای عراقی مشغول استحکام مواضع خود در داخل ایران بودند .

4- در قطعنامه 514، شورای امنیت به خطر افتادن و تهدید صلح را احراز نموده، ولی همچنان اقدامی درمورد معرفی متجاوز و آغازگر جنگ و تنبیه او ننموده و اصولاً صحبتی از تجاوز به میان نیاورده است .

5- در این قطعنامه برای نخستین بار از برقراری آتش بس، عقب نشینی نیروها و تشکیل نیروی پاسدار صلح و استقرار آنها سخن به میان آمده است.

ج- قطعنامه ی 522 در اول اکتبر 1982م مطابق با 12مهرماه 1361ه.ش

- 1- مصرانه مجدداً خواستار آتش بس فوری و پایان دادن به کلیه عملیات نظامی می‌شود.
- 2- درخواست خود را برای عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی مجدداً مورد تاکید قرار می‌دهد.

نکات قابل توجه در تحلیل تطبیقی این قطعنامه عبارت است از:

- در فاصله قطعنامه قبلی 514 تا این قطعنامه دو عملیات عمده رمضان (23 تیرماه 1361 تنها دوروز بعد از تصویب قطعنامه 514) و نیز عملیات مسلمین عقیل در (9 مهرماه 1361) انجام شد که دوباره شورای امنیت را بیدار و نگران کرد! به فاصله 4 روز پس از عملیات مسلم بن عقیل تشکیل جلسه داده و قطعنامه 522 را صادر می‌کند.

- در این قطعنامه بند جدیدی نیامده و صرفاً به دلیل فشار عملیاتی ایران به عراق و فشار سیاسی عراق به شورای امنیت برای جلوگیری از پیشرفت‌های ایران می‌باشد.

- به دنبال این قطعنامه، ارتش عراق حملات هوایی خود را بر علیه مناطق مسکونی، کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها شدت می‌دهد.

د - قطعنامه ی 540 در 31 اکتبر 1983م مطابق با 9 آبان ماه 1362

1- از دبیر کل تقاضا می‌نماید تا به کوشش‌های میانجیگرانه خود میان طرفین به منظور نیل به حل اختلاف به نحو کامل و عادلانه و شرافتمندانه که مورد قبول هر دو طرف باشد، ادامه دهد
2- نقض حقوق انسانی و بشر دوستانه، مخصوصاً مفاد کنوانسیون 1949 را در کلیه زمینه‌های آن محکوم می‌سازد و خواستار توقف فوری کلیه عملیات نظامی علیه هدف‌های غیر نظامی از جمله شهرها و مناطق مسکونی است.

3- حق کشتیرانی و بازرگانی آزاد را در آب‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار داده و از کلیه کشورهای می‌خواهد که این حق را رعایت کنند و از طرفین متخاصم می‌خواهد که بلافاصله به خصومت‌ها در منطقه خلیج [فارس] من جمله خطوط دریایی و آبراه‌های قابل کشتیرانی، بنادر، پایانه‌ها، تأسیسات دور از ساحل و همه بنادری که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دریا راه دارند، پایان داده و به تمامیت ارضی دیگر کشورهای ساحلی احترام بگذارند.

در بررسی و تحلیل تطبیقی این قطعنامه، نکات زیر حائز اهمیت است:

- در فاصله قطعنامه 522 تا 540 چند عملیات بزرگ از جمله محرم و والفجرهای 1 تا 4 انجام می‌شود و بازم شور با هدف جلوگیری از پیروزی‌های ایران، قطعنامه 540 را صادر می‌کند.
- فاصله این قطعنامه با قبلی 13 ماه است در حالی که همین‌شورا در تجاوز عراق به کویت در کمتر از دو ماه 9 قطعنامه علیه عراق صادر می‌کند و در همه قطعنامه‌ها از لفظ تجاوز استفاده می‌کند در حالی که هنوز پس از 4 سال از تجاوز عراق به ایران، کماکان از لفظ «وضعیت» و توصیه استفاده می‌کند.

ه - قطعنامه ی 552 در اول ژوئن 1984م مطابق با 11 خرداد 1363ه.ش

1- از کلیه دولت‌ها می‌خواهد تا براساس حقوق بین‌المللی حق کشتیرانی آزاد احترام بگذارند.
2- حق کشتیرانی آزاد در آب‌های بین‌المللی و خطوط دریایی و کشتیرانی در مسیر کلیه بنادر و تأسیسات کشورهای ساحلی را که طرف مخاصمات نیستند مجدداً تأیید می‌کند.
3- حملات اخیر به کشتی‌های بازرگانی را در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی محکوم می‌کند.

در بررسی قطعنامه 552 نکات زیر قابل توجه است:

- شوراي امنيت در اين قطعنامه كه يك سند بين‌المللي است براي اولين بار از لفظ خليج استفاده مي‌كند و عمداً كلمه فارس را حذف مي‌كند.

- اين قطعنامه پس از حملات عراق و ناامن كردن تردد كشتي‌هاي تجاري در خليج فارس و با شكايست كشورهاي حوزه خليج فارس از جمله كويت، عربستان، قطر، بحرين و امارات از ايران صادر مي‌شود! در حالي كه عراق به 71 كشتي تجاري حمله کرده بود.

- عمليات بزرگ‌خيبر در اسفندماه 1362 و تصرف جزايرمجنون عراق توسط رزمندگان اسلام از دلایل ديگر صدور اين قطعنامه بود.

و - قطعنامه ی 582 در 24 فوریه 1986م مطابق با 5 اسفند 1364ه.ش

شورا با تأکید بر اصل عدم اجازه استیلا بر اراضي از طريق روز و با ابرازنگراني فزاينده نسبت به طولاني شدن نزاع بين دوکشور و خسارت‌هاي جاني و مالي ناشي از آن و اين كه صلح و امنيت بين‌المللي را در معرض خطر قرار مي‌دهد.

1- نسبت به اعمال نخستيني كه باعث شروع نزاع بين ايران و عراق شد، ابراز تأسف کرده و نسبت به تداوم آن، متأسف است.

2 - نسبت به تشديد اين نزاع، به‌خصوص حمله به اراضي و بمباران مراکز صرفاً غيرنظامي و حمله به كشتي‌هاي بي‌طرف يا هواپيماهاي غيرنظامي و نقض حقوق بشر به‌خصوص استفاده از سلاح‌هاي شيميايي، ابراز تأسف مي‌كند.

3 - از جمهوري اسلامي ايران و عراق مي‌خواهد كه فوراً آتش‌بس برقرار کرده و تمام عمليات جنگي خود را در زمين، دريا و هوا متوقف و تمام نيروهاي خود را بي‌درنگ به مرزهاي شناخته شده بين‌المللي بازگردانند.

4 - شورا ترغيب مي‌كند كه طي مدت كوتاهي پس از توقف عمليات جنگي، از طريق همكاري با كميته صليب سرخ بين‌المللي، هم اسراي جنگي مبادله شوند.

در بررسی قطعنامه 582 نکات زیر قابل توجه است:

- فاصله اين قطعنامه تا قبلي (552) يكسال و 8 ماه و 25 روز است! و در طي اين مدت عمليات‌هاي مختلفي از جمله سنگين ترين عمليات آبي - خاكي در بهمن ماه 1364 در منطقه عمومي، آبادان و فاو عراق (والفجر 8) انجام مي‌شود كه تعادل امنيتي، نظامي و سياسي دنيا و شوراي امنيت را مختل مي‌كند. و در حين عمليات پاسخگويي رزمندگان و به پاتك‌هاي سنگين عراق صادر مي‌شود.

- در اين قطعنامه براي اولين بار مبادله اسراي جنگي مطرح مي‌شود كه شايد يكي از علت‌هاي آن، افزايش تعداد اسراي عراقي باشد.

- رزمندگان غيراسلام تا اين قطعنامه 3 مورد از خواسته هاي به‌حق خود را از شوراي امنيت گرفتند!

ز - قطعنامه ی 588 در 8 اکتبر 1986م مطابق با 19 مهر ماه 1365ه.ش

شورا با تأکید مجدد به متن قطعنامه 582 و ناراحتی شدید به خاطر طولانی شدن و تشدید منازعه با اشاره به تعهد دولت‌های عضو، مبنی بر عدم استفاده از زور بر علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هیچ‌کشوری، از جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌خواهد که به طور کامل و بدون درنگ قطعنامه 582 را که در تاریخ 24 فوریه 1986 تصویب شد را اجرا کنند. دو نکته:

- از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شده، این قطعنامه کوتاهترین قطعنامه از مجموعه قطعنامه‌های مورد مطالعه است.

- فاصله زمانی این قطعنامه با قبلی (582) 7 ماه و 12 روز می‌باشد و کوتاهترین قطعنامه نسبت به موارد قبلی می‌باشد که باز هم نسبت به برخورد شورای امنیت با تجاوز عراق به کویت، قابل توجه و ابهام است. چرا که هنوز هم از لفظ «وضعیت» استفاده شده و توصیه‌ای و ارشادی است!

2- فرآیند صدور و مفاد قطعنامه 598

زمینه‌های صدور قطعنامه 598:

قطعنامه‌های 582 و 588 تا حدودی زمینه‌های مناسب برای صدور 598 بوده است. رد قطعنامه 588 توسط ایران، شورای امنیت را در یک فشار شدید قرار داد تا بالاخره این جنگ طولانی را به اتمام رساند.

در طی این مدت حملات هوایی عراق به کشتی‌ها خصوصاً تاسیسات انتقال نفت ایران در خلیج فارس افزایش یافت.

از طرفی حملات سنگین نیروهای رزمنده ایران نیز به بخش‌هایی از خاک عراق و خصوصاً تهدید بصره، باعث شد که شورای امنیت، فکری اساسی بکند.

رفت و آمدهای سیاسی و طرح‌های مختلف مقامات منطقه‌ای مانند سازمان کنفرانس اسلامی و سیاسی به نتیجه‌ای نرسید و ایران کماکان به حقوق حقه خود پافشاری می‌کرد.

متن قطعنامه 598

شورا با تأکید مجدد به قطعنامه 588 عمیقاً نگران تلفات انسانی و مادی بوده و با ابراز تأسف به بمباران مناطق مسکونی غیرنظامی و حملات به کشتی‌های بی‌طرف و هواپیماهای غیرنظامی، تخلف از قوانین بشردوستانه بین‌المللی به ویژه استفاده از سلاح شیمیایی و با ابراز تصمیم به پایان دادن تمامی عملیات نظامی بین ایران و عراق:

1- آمرانه می‌خواهد که ایران و عراق به عنوان اولین قدم به سوی یک حل و فصل از طریق مذاکره، به یک آتش‌بس فوری اقدام کنند و تمام عملیات نظامی را در زمین، دریا، و هوا متوقف کرده، نیروها را بی‌درنگ تا سرحدات شناخته شده بین‌المللی بازگرداند.

2- از دبیر کل درخواست می‌شود که گروهی از ناظران سازمان ملل متحد را برای تأیید، تحکیم و نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی به مرزها اعزام دارد و به علاوه از دبیر کل درخواست می‌شود که ترتیبات ضروری را برای مشاوره با طرفین انجام داده و گزارش آن را تسلیم شورای امنیت کند.

3- شورا اصرار دارد که پس از توقف مخاصمات فعال، بی‌درنگ اسرای جنگی بر اساس کنوانسیون سوم ژنو در 12 اوت 1949 آزاد و عودت داده شوند.

4- از دبیر کل درخواست می‌شود که ضمن مشورت با ایران و عراق، مسأله تفویض کار تحقیق در باب مسئولیت مخاصمه به هیئتی بی‌طرف را بررسی کرده و در حداقل ممکن به شورا گزارش دهد.

5- ابعاد عظیم خسارات وارده در خلال مخاصمه و نیاز به کوشش در جهت نوسازی با امدادهای بین‌المللی در خور، زمانی که مخاصمه خاتمه پذیرد، تصدیق می‌گردد و در همین خصوص از دبیر کل درخواست می‌شود که هیئتی از کارشناسان را برای پژوهش در باب مسأله نوسازی تعیین کرده و به شورای امنیت گزارش دهد.

چند نکته:

برای اولین بار در قطعنامه‌های جنگ ایران و عراق، شورای امنیت در قطعنامه 598 از لفظ منازعه به جای وضعیت استفاده کرد.

در این قطعنامه وحدت نظر 5 عضو دائمی شورای امنیت که در قطعنامه‌های قبلی به ندرت اتفاق افتاده بود، ایجاد شد.

این قطعنامه چه از نظر شکلی و محتوایی، حالت توصیه و ارشاد نداشت، بلکه بیشتر حالت قاطعانه و دستوری داشت.

این قطعنامه از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شد. مفصل‌ترین قطعنامه از مجموعه قطعنامه‌های مورد مطالعه است.

فاصله این قطعنامه با 588 حدود نه و نیم ماه بود که در طی این مدت رفت و آمدها و جلسات فشرده‌ای در مراجع حقوقی منطقه و بین‌المللی برگزار شد تا خواسته‌های به حق ایران در لایحی بندهای آن، قرار گیرد.

یکی از اشکالات این قطعنامه مثل موارد قبلی، عدم مشورت با ایران برای تدوین و تصویب آن بود و در واقع شورای امنیت، قطعنامه‌ای که از نظر ایران مردود و قابل اشکال بود را مجدداً مورد تائید قرار داد.

با وجود یقین شورای امنیت به نقض حقوق بشر به دلیل حمله به مناطق مسکونی، کشتی‌ها، هواپیماهای غیرنظامی و استفاده از عوامل شیمیایی و ... صرفاً به ابراز تأسف اکتفا کرده و حداقل اسمی از عوامل این جنایات هولناک خصوصاً عراق در هیچ یک از قطعنامه‌ها به میان نیاورد.

شورا می‌بایستی بر اساس مواد 39 و 40 منشور ملل متحد، متجاوز را احراز و معرفی می‌کرد که متأسفانه این کار را انجام نداد.

3- شرایط داخلی و خارجی ایران و دلایل پذیرش قطعنامه 598 توسط ایران

الف - مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران که حضرت امام خمینی (ره) به عنوان رهبر و ولی فقیه بر اساس اختیاری که به موجب اصل یکصد و ده قانون اساسی داشتند. پذیرش قطعنامه را اعلام و آن را به مصلحت نظام تشخیص دادند.

ب - شرایط بین‌المللی نامساعد به نحوی که عراق با پذیرش کلیه قطعنامه‌های شورای امنیت ادعای صلاح طلبی می‌نمود و در مجامع بین‌المللی، ایران را جنگ طلب معرفی می‌کرد.

ج - شرایط جدید و پیچیده در منطقه با حضور بی سابقه نیروهای نظامی آمریکا و متحدینش در خلیج فارس. در این خصوص حمله به هواپیمای مسافربری ایران به قول جناب آقای هاشمی رفسنجانی اخطاری برای ایران بود.

د - کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی توسط عراق و عکس‌العمل ضعیف مجامع بین‌المللی در این مورد.

ه - شرایط نامساعد اقتصادی به عنوان مثال نامه مسئولین اقتصادی کشور در خصوص ناتوانی در ادامه مدیریت اقتصادی کشور.

و - البته قطعنامه 598 هیچ‌گاه از سوی ایران رد نشده بود و پیشنهاد ایران جابجایی در بندهای اجرایی آن بود.

ز - توسعه کمی و کیفی گسترده ارتش عراق در بعد تجهیزات و نیروی انسانی. پس از اعلام رسمی پذیرش قطعنامه 598 از طرف ایران دبیر کل سازمان ملل گزارشی به شورای امنیت ارسال کرد که منجر به صدور قطعنامه 619 شورای امنیت در تاریخ 19 اوت 1988 (18/5/67) در خصوص تاسیس و اعزام گروه ناظران نظامی ایران-عراق نیروهای ملل متحد (یونیمک) گردید.
چند نکته :

لازم است که نقش شورای امنیت را در قبال تهاجم عراق به ایران و عراق به کویت دوباره به اختصار مرور کرده و نتیجه را به اهل انصاف واگذار کنیم:

- شورای امنیت سازمان ملل در طول هشت سال جنگ تحمیلی فقط 8 قطعنامه در شرایطی خاص و با اشکالات و ابهامات جدی حقوقی و سیاسی صادر کرده که اولین آن 6 روز پس از آغاز تجاوز عراق به ایران و دومی پس از 21 ماه بعد (پس از آزادی خرمشهر) بوده است!

- شورای امنیت سازمان ملل در تهاجم عراق به کویت در سال 1369 در طول 24 ماه 12 قطعنامه صادر می‌کند که اولین آن بلافاصله و کمتر از 2 ساعت از آغاز تجاوز (که در تاریخ مصوبات شورای امنیت کم‌نظیر بوده) و صرفاً 5 مورد آن در ماه اول تجاوز و 4 مورد آن در ماه دوم صادر می‌شود.

- در قطعنامه‌های مربوط به ایران و عراق از لفظ «وضعیت» ولی در تهاجم به کویت بلافاصله از لفظ «تجاوز» استفاده می‌شود!

- تمام کشورهای منطقه این تهاجم را محکوم می‌کنند و وزارت خارجه آمریکا و شوروی نیز خواستار توقف تمام کمک‌های نظامی بین‌المللی به عراق می‌شوند!

- در قطعنامه 661 شورای امنیت بر علیه تجاوز عراق به کویت با مجازات‌های اقتصادی عراق موافقت می‌شود که 106 کشور جهان به این مهم عمل می‌کنند!

- با بیانیه عراق مبنی بر الحاق کویت به این کشور، به شدت برخورد شده و محکوم می‌کنند.

- عراق در قطعنامه 665 تحریم دریایی می‌شود و اجازه ندارد هیچ کشوری به سوی سواحل عراق برود یا از سواحل عراق حرکت کند.

در بیست و نهم نوامبر سال 1990 شوراي امنیت دست به بالاترین اقدام ممکن زد و به کشورهایایی که با کویت همکاری می‌کردند اجازه داد تا برای اخراج عراق از کویت از تمام وسایل لازم استفاده کنند. اقدامات شوراي امنیت در نهایت منجر به حمله نظامی نیروهای عراقی مستقر در کویت شد. ادامه مناقشه در پایان منجر به حذف رژیم صدام حسین نیز گردید.

- عراق حدود 11 سال بعد از آغاز تهاجم در سال 1370 از سوی دبیرکل سازمان ملل به عنوان متجاوز معرفی می‌شود در حالی که در تهاجم به کویت در کمتر از دو ساعت به عنوان متجاوز معرفی می‌شود!

- فرزندان پاک میهن اسلامی و رزمندگان کفرستیز اسلام در طول هشت سال با سختی‌های فراوان موفق شدند با توکل بر خداوند از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا 27 تیرماه 1366 و در طول 8 قطعه‌نامه، حقوق انسانی و بین‌المللی خود را در میدان نبرد و با ایثار و فداکاری از امپراطوری جهانی دریافت کنند.

4 - فرازهایی از نامه امام خمینی (ره) مبنی بر قبول قطعه‌نامه 598

حضرت امام (ره) در پیامی که به مناسبت سالگرد کشتار حجاج بیت‌الله الحرام (تیرماه 1366) در 29 تیرماه 1367 صادر فرمودند علاوه بر تحلیل بلندی از فلسفه سیاسی-الهی حج و تأثیر عمیق آن در وجوه مختلف زندگی مردم دنیا، در انتها به دلایل پذیرش قطعه‌نامه 598 پرداخته که فرازهایی از آن را مرور می‌کنیم:

«... و اما در مورد قبول قطعه‌نامه که حقیقتاً مسأله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل متعهد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنها اعتماد دارم، با قبول قطعه‌نامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم.

... من در اینجا از همه فرزندانم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم و همه ملت ایران را به هوشیاری و مقاومت دعوت می‌کنم.

... ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان، آن را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت، کور شدنی نیست.

... آری دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت و فردا امتحان دیگری که پیش می‌آید و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چندسال مبارزه و جنگ به هردلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند، مطمئن باشند از معامله با خدا، طفره رفته‌اند و خسارت و زیان بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید.

... من در میان شما باشم یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند.

... من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

و من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی، اعتقادی، علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنها زنده نگاه دارید. مبدا اساتید و معلمین که به وسیله معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بت تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گداصفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند.

به جای این که گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم، به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند.

ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌انیم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت‌ها داشته‌باشیم، ان‌شاءالله در شرایط بهتر، زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم.

مبارزات علمی برای جوانان، زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌هاست و اما مبارزات علمی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی جهاد و شهادت شکل گرفته است.

... خداوند متعال به خانواده‌های شهدا صبر و اجر و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید و اسراء و مفقودین را به وطن خویش بازگرداند.

خداوندا از تومی‌خواهیم آنچه مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمائی. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
روح‌الله الموسوی الخمینی .

پنجم ذی‌حجه 1408 برابر با 29 تیرماه 1367
(صحیفه امام، 1378، ج 21: 74 تا 100)

فصل چهاردهم

مقطع پایان جنگ

جنگ‌ها میان کشورها معمولاً در سه حالت به پایان می‌رسند. در حالت اول یکی از دو کشور درگیر بر کشور دیگر غلبه کرده و جنگ با پیروزی یکی از طرفین به پایان می‌رسد، مانند حالتی که در جنگ جهانی دوم بر سر آلمان آمد و متفقین پیروز جنگ شدند. در حالت دوم شرایط درگیری و نزاع با برقراری آتش بس پایان می‌یابد، اما جنگ به صورت کلی پایان یافته تلقی نمی‌شود، مانند شرایطی که در جنگ سوریه و اسرائیل برقرار است. در حالت سوم، طرفین جنگ با پذیرش شرایطی که معمولاً توسط کشوری ثالث یا نهاد و سازمان بین‌المللی پیشنهاد می‌شود، به جنگ خاتمه می‌دهند، مانند شرایطی که در جنگ عراق علیه ایران پدید آمد و طرفین بر اساس قطعنامه ی 598 در تاریخ 27 تیرماه 1367 به درگیری خود خاتمه دادند.

1 - پذیرش قطعنامه ی 598 توسط جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی
پذیرش قطعنامه ی 598 از سوی ایران، این ابهام را ایجاد کرد که با توجه به سوابق شورای امنیت سازمان ملل در جاتبداری از عراق، چگونه می‌توان به این نهاد و تصمیمات آن اطمینان کرد. وزیر خارجه وقت ایران در پایان سال 1366 در نامه‌ای به دبیر کل اعلام کرد:
ایران از اجرای قطعنامه ی 598 شورای امنیت به طور کلی و به هم پیوسته پشتیبانی می‌کند. تعیین روز D (روز اعلام آتش بس) با اشاره به طرح اجرایی دبیر کل که باید با شروع آتش بس و کار بر روی تعیین هیئت بی‌طرف همراه باشد ایران آمادگی هر نوع همکاری دارد. این نکته نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران ماهها قبل از پذیرش رسمی قطعنامه ی 598، با دیدی مثبت به این قطعنامه می‌نگریسته و به صورت تلویحی آن را پذیرفته بود. نظر مثبت ایران به طرح اجرایی دبیر کل سازمان ملل که باعث به تعویق افتادن طرح تحریم تسلیحاتی ایران در سازمان شد به نوعی این برداشت را ایجاد می‌کرد که ایران قطعنامه ی 598 را پذیرفته است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه 1367/3/20، با بیان مواضع ایران نسبت به راه حل‌های سیاسی، به ابهامات اخیر پاسخ داده و فرمودند: «ما اصراری نداریم بر این که حتماً باید با جنگ این مقصود (پایان جنگ) عملی شود، اگر آنها مقاصد ما را برآورده می‌کردند، ما حرفی نداشتیم، منتهی به تجربه معلوم شده که اینها نمی‌کنند.... البته راه حرکت‌های سیاسی را هم هرگز نمی‌بندیم. در خصوص قطعنامه ی 598 ما این قطعنامه را رد نکردیم، چون نکات مثبتی را در آن گنجانده بودند. ما آن نکات مثبت را نگه داشتیم، اما قبول هم نکردیم، چون نکات منفی هم دارد»

حجت‌الاسلام و المسلمین آقای هاشمی رفسنجانی در این باره می‌گوید :

«در دو، سه روز گذشته، جلسات متعددی با حضور سران کشور تشکیل شد و جمع بندی تمام این جلسات به حضور امام رسیده است. طی بحث هایی که صورت گرفت، مجموعه شرایط جمهوری اسلامی را به این نتیجه رساند که برای مصلحت انقلاب قطعنامه ی 598 پذیرفته شود..... ایران تا به حال خواستار آن بود که ابتدا کمیته تعیین متجاوز تعیین شود، اما فعلاً با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده است، از آن شرط خود صرف نظر کردیم وقتی به ما اطمینان دادند که ترکیب کمیته تعیین متجاوز به گونه ای خواهد بود که واقعاً به حق رسیدگی می کند، ما از شرط قبلی خود، صرف نظر کردیم.»

پس از ارائه جمع بندی محتوای این جلسه خدمت امام خمینی (ره) و تأیید آن توسط ایشان، مجدداً جلسه ای در تاریخ 1367/4/26 به ریاست حضرت آیت الله امام خامنه ای مدظله العالی رئیس جمهور وقت کشور تشکیل و پایان جنگ با پذیرش قطعنامه ی 598 اعلام شد. به دنبال این جلسه رئیس جمهور در نامه ای به دبیر کل سازمان ملل، موافقت ایران را با قطعنامه ی 598 اعلام کرد :

«ایران تصمیم گرفته است که رسماً قطعنامه 598 شورای امنیت را به خاطر اهمیتی که برای حفظ جان انسان ها، برقراری عدالت و صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی قائل است، بپذیرد.»
با ارسال این نامه به سازمان ملل، «خاویر پرز دکونیا»، دبیر کل سازمان ملل، بلافاصله اعلام کرد که ایران رسماً و بدون قید شرط قطعنامه ی 598 را بپذیرفته است. وی اظهار امیدواری کرد «که تا دو روز آینده آتش بس میان دو کشور برقرار شود.»

در حالی که دبیر کل سازمان ملل تلاش داشت تا گام های اجرایی قطعنامه 598 هرچه سریعتر برداشته شود، رژیم بعث عراق با درک این که در اجرای این قطعنامه متضرر خواهد شد و در نتیجه هیچ امتیازی پس از هشت سال جنگ دریافت نخواهد کرد، کارشکنی های خود را ادامه می داد و بر طبل جنگ می کوبید.

2 - اجرای تهاجم گسترده و مجدد ارتش بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران

با پذیرش قطعنامه ی 598 از سوی ایران، امیدواری های بسیار زیادی در مجامع جهانی نسبت به پایان جنگ پدید آمد. دبیر کل سازمان ملل پس از اعلام رسمی تصمیم ایران، با فراخوانی وزرای خارجه دو کشور به نیویورک تصمیم داشت . جهت اجرای آتش بس با دو کشور وارد گفتگو شود، اما وزیر خارجه عراق با اظهار تردید نسبت به تصمیم ایران، در این روند کارشکنی می کرد. در این شرایط دبیر کل سازمان ملل با اظهار نگرانی از این روند که نمایندگان رسمی عراق به آن دامن می زدند، خواستار مشارکت قدرتهای بزرگ برای پیش برد قطعنامه ی 598 شد.

در ادامه روند کارشکنی های رژیم عراق و زمینه سازی این کشور برای هجوم مجدد به ایران، طارق عزیز وزیر خارجه این کشور در نامه ای به دبیر کل، پیشنهادهایی را ارائه کرد تا عملاً قطعنامه 598 از صحنه مذاکرات بین دو کشور حذف شود و نظر عراق که ناقض بندهای قطعنامه 598 بود، به اجرا در آید مقامات عراق که می دانستند این پیشنهاد توسط مقامات ایران و سازمان ملل پذیرفته خواهد شد، با این اقدام خود، قصد داشتند زمینه های حمله مجدد به ایران را فراهم کنند.

و در چنین شرایطی ارتش عراق صبح روز جمعه 67/4/31 تهاجم سراسری مجدد خود را از سه منطقه به ایران آغاز کرد. این تهاجم تنها سه روز پس از آن آغاز شد که جمهوری اسلامی ایران رسماً قطعنامه ی 598 را پذیرفته بود.

- در منطقه ی جنوب نیروهای دشمن از دو محور شلمچه و کوشک به داخل خاک ایران پیشروی کردند که هدف آن ها محاصره و تصرف مجدد شهر خرمشهر بود و در محور کوشک، با تصرف مرز، قصد اشغال جاده ی اهواز - خرمشهر را داشتند.

- در منطقه ی غرب کشور، دشمن به منظور تصرف شهرهای قصر شیرین، سرپل ذهاب، گیلان غرب، نفت شهر، سومار و مناطق میمک صرفی، صالح آباد، گلان، امیر آباد و شهر مهران را اشغال و در استان کرمانشاه در محور قصر شیرین و سرپل ذهاب تا پل ماهیت، پیش روی کرد.¹

- در منطقه ی شمالغرب نیز ارتش عراق اقدام به حمله نمود که بدون کسب موفقیت در ارتفاعات منطقه متوقف شد.

3 - دفع تجاوز مجدد ارتش بعثی عراق در خوزستان

با انتشار اخبار تهاجم مجدد عراق به کشور به ویژه در منطقه جنوب، هجوم آحاد مردم به سوی جبهه های جنگ آغاز شد و سپاه با استفاده از این فرصت به سازماندهی نیروهای بسیج پرداخت. و آنها را در قالب یگانهای سازمانی در مقابل ارتش عراق آرایش پدافندی داد. در این شرایط که بار دیگر شهرهای خرمشهر، آبادان و اهواز در معرض تهدید دشمن قرار گرفته بودند، امام خمینی (ره) در پیامی به سپاه هشدار دادند: «برای دفاع از کشور باید متر به متر بجنگیم و هیچ عذری از هیچ کس پذیرفته نیست». حاج سید احمد خمینی پیام را تلفنی به فرمانده سپاه اطلاع داد: «اینجا نقطه حیاتی کفر و اسلام است، یعنی نقطه شکست یا پیروزی اسلام یا کفر است و باید متر به متر بجنگید و هیچی از هیچ کس پذیرفته نیست و اینجا نقطه ای است که یا موجب می شود سپاه حیات پیدا کند دوباره در کشور و یا برای همیشه یک سپاه ذلیل و مرده بشود».²

با این پیام، روح تازه ای در فرماندهان، پاسداران، بسیجیان و نیروهای مردمی دمیده شد و خطوط مقاومت در برابر ارتش عراق در جنوب شکل گرفت صدام که همچنان در ابتدای جنگ سودای پیروزی آسان و سریع را در ذهن می پروراند با شدت درگیری ها مجبور شد دستور عقب نشینی بدهد. تنها پس از 24 ساعت ارتش عراق در اطلاعیه نظامی خود عقب نشینی به مرزهای بین المللی در مناطق جنوب را اعلام کرد.

4 - اجرای عملیات فروغ جاویدان توسط منافقین با پشتیبانی ارتش بعث عراق

¹مجلسی که چند روز بعد، نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از آن عبور کرده و وارد شهر کرند سپس به اسلام آباد وارد شدند.

²این مطلب که در سندی صوتی با صدای مرحوم حاج احمد خمینی¹ در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، موجود است با شماره 1710 مورخه 1367/5/1 و صفحه 53 به چشم می خورد.

در حالی که ارتش عراق برای تسهیل ورود نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به خاک ایران¹، حضور خود را در مناطق غربی ایران (قصر شیرین، سرپل ذهاب) حفظ کرده بود، ارتش به اصطلاح آزادی بخش ملی ایران (منافقین) از یگانهای ارتش بعث عراق عبور کرده و وارد خاک ایران شد.

ورود ستون منافقین که ابتدا بدون درگیری تا گردنه ی چهار زیر ادامه یافت، سرآغاز فصل جدیدی در مبارزه ی مردم ایران علیه سازمان نفاق شد. سازمان مجاهدین با این تحلیل که جمهوری اسلامی به دلیل پذیرش قطعنامه ی 598، «مبانی مشروعیت خود را زیر سؤال برده» و «امام خمینی (ره) با این اقدام مقبولیت خود را از دست داده است» و ... حمله ی برنامه ریزی شده خود را آغاز کردند. به گفته مسعود رجوی این حمله طبق برنامه زمان بندی شده قرار بود در سالگرد جنگ ایران و عراق در اواخر شهریور 1367 انجام شود، اما به دلیل آنکه ایران، قطعنامه ی 598 را پذیرفته و احتمال برقراری آتش بس وجود داشت، باید از این فرصت طلایی استفاده می شد.

دیدگاه سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از اوضاع داخلی ایران در سال 1367 رهبری سازمان مجاهدین خلق با درک ضعیف از مناسبات قدرت در ایران و نیز شناخت ناقص از نقش معنوی امام خمینی (ره) و رابطه و اعتقاد عمیق مردم با ایشان برخی وقایع و رخدادهاي داخل ایران را دست مایه تحلیلی قرار داد که از درون آن فروپاشی نظام سیاسی ایران تداعی می شد. رهبران سازمان معتقد بودند که در شرایط عادی پذیرش قطعنامه 598 از سوی ایران امری غیر ممکن است و جمهوری اسلامی زمانی قطعنامه را خواهد پذیرفت که از نظر نظامی، سیاسی و اقتصادی به بن بست کامل رسیده باشد.

1- سازمان مجاهدین یک گروه شبه نظامی با تفکر القاطی (اسلام + مارکسیسم) که پس از انقلاب اسلامی رهبران آن به دنبال سهم خواهی از انقلاب بودند که امام (ره) به دلیل مواضع غیر دینی سازمان، آنان را طرد کرد و به دلیل تفکر انحرافی و عملکرد دوگانه در اذهان عمومی مردم ایران، «مجاهدین خنثی» به عنوان «منافقین» مطرح شدند این سازمان پس از حوادث 14 اسفند 59 و با ائتلاف با لیبرال ها، دقیقاً در مقابل مردم و امام فرار گرفت و به ویژه پس از حوادث 30 خرداد 1360 رجوی رهبر سازمان نفاق، بنی صدر رئیس جمهور مخلوع، همراه سرهنگ معزی خلبان شاه، با گریم و تغییر چهره (آرایش زنانه) پس از درگیری های 30 خرداد سال 1360 از کشور فرار و در پایگاه نظامی و متروکه «ورلی» شهر پاریس به زمین نشستند و بنی صدر طی مصاحبه ای در پاریس اعلام می دارد: «ح.ا.ا. در آینده نزدیک دچار حوادث امنیتی زیادی خواهد شد» که شش روز بعد از طریق افراد نفوذی منافقین حوادث انفجار مسجد ابوذر تهران، انفجار حزب جمهوری اسلامی، انفجار نخست وزیری و ترور شهدای محراب و توسط منافقین به وقوع پیوست.

به استناد مطالب مندرج در کتاب «پیدایی تا فرجام» که به همت جمعی از پژوهشگران نگاشته شده و توسط موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی به زیور چاپ آراسته شده، رجوی در ادامه‌ی مباحث خود بر این مسئله تأکید کرد که «... ما از قیل تصمیم به انجام این عملیات بزرگ داشتیم و می‌خواستیم آن را دیرتر انجام دهیم، اما پذیرش قطعنامه کار ما را تسریع کرد ... اگر الان اقدام نکنیم فرصت از دست خواهد رفت، زیرا بعد از اینکه بین ایران و عراق صلح شود، در اینجا قفل می‌شویم و دیگر نمی‌توانیم کاری انجام دهیم و از لحاظ سیاسی تبدیل به فسیل می‌شویم... رژیم از لحاظ نظامی تعادل خود را از دست داده است و هم از لحاظ سیاسی در انزوای بین المللی قرار دارد». «... ما باید با جفت پا به کمر رژیم زده و خود رابه تهران برسانیم و با نفربرهای دجله به پشت درب های زندان اوین رفته و نیروهای خود را آزاد کنیم...».

سرلشکر و فیق السامرائی از مسئولین سابق اطلاعات ارتش عراق که در جلسه تصمیم‌گیری

برای انجام سریع تر عملیات فروغ جاویدان حضور داشت در این باره می‌گوید :

«به محض» قبول قطعنامه ی 598 از سوی ایران سرلشکر فاضل البرک تکریتی مدیر

سرویس‌های اطلاعاتی و سپهبد ستاد صابری دوری و مسعود رجوی رئیس سازمان گروهک

مخالفین ایران با حضور اینجانب به منظور بحث و بررسی درباره چگونگی پیش روی سریع و

عمیق نیروهای این سازمان از خاتقین به سمت تهران، برای در دست گرفتن قدرت در این کشور با

پشتیبانی نیروهای مسلح عراق، در کاخ ریاست جمهوری در حضور شخص صدام تشکیل جلسه

دادیم.

ابعاد این عملیات و پیامدهای احتمالی آن مورد بحث و تبادل نظر طولانی قرار گرفت.

مسعود رجوی به صدام گفت: «مولای من، مطمئن باشیید که سازمان من ظرف چند ساعت

وارد شهر همدان در 250 کیلومتری مرز خواهد شد».

سپهبد صابری دوری گزاره گویی‌هایش را از حد گذراند و گفت: «سرور من از دیروز تا به

حال تصویر ورود این سازمان به ایران و به دست گرفتن قدرت در آنجا از برابر چشمان من

دور نمی‌شود».

همچنین به منظور پشتیبانی هوایی از عملیات فروغ جاویدان، از نیروی هوایی و

هوانیروز ارتش عراق خواسته شده تا در این عملیات از سازمان حمایت کنند.

شرح عملیات فروغ جاویدان

پس از فراهم شدن شرایط و آمادگی در ارتش عراق و نیز کسب آخرین وضعیت جبهه‌ها،

ستون ارتش آزادیبخش، در ساعت 06:00 روز دوشنبه 1367/5/3 پس از اجرای مراسم

صبحگاه از قرارگاه خود در عمق خاک عراق به حرکت درآمد و پس از پیمودن مسیر تعیین شده

در ساعت 16:00 از مرز خسروی عبور و طبق پیش بینی قبلی در ساعت 17:00 از قصر

شیرین و در ساعت 18:00 از سر پل ذهاب عبور کرد. نیروهای سازمان با مقدماتی که ارتش

بعث عراق در این محورها فراهم کرده بود توانست با کمترین درگیری (تلفات) عبور کند. با

عبور ستون ارتش آزادیبخش از مسیرهای تعیین شده، درگیری‌های پراکنده و محدود نیروهای

خودی با آن‌ها آغاز شد.

در این مرحله از عملیات فروغ جاویدان که نیروهای خودی به دلیل حمله گسترده عراق در محور غرب، انسجام خود را از دست داده بودند، ابتدا تصور می‌کردند که این ارتش عراق است که به سمت کرد و اسلام آباد پیشروی می‌کند. سازمان منافقین در تحلیل درون سازمانی خود که در کتاب «ارتش آزادی بخش» که در کشور سوئیس منتشر شده در این خصوص می‌نویسد: «در واقع فرماندهان سپاه مستقر در منطقه ماهیدشت و گردنه چهارزبر با نیروهای مهاجم درگیر بودند.»

جنگ و گریز در این گردنه استراتژیک ادامه داشت. جنگ سخت تن به تن در گرفت و نیروهای سپاه و بسیجی با آر پی جی، تیر بار و سلاح های انفرادی به مقابله با ستون نظامی منافقین پرداختند. در کمتر از 3 ساعت ستون نیروهای سازمان متوقف و زمین گیر شده بودند. نیروهای سازمان در آغاز روز 1367/5/4 تلاش خود را برای عبور از تنگه چهارزبر با 16 خودروهای زرهی آغاز کردند که بی نتیجه بود و با دادن تلفات مجبور به عقب نشینی شدند. رهبر سازمان که در رویای فتح تهران بود که هر لحظه خیر ناکامی و شکست تلاش سازمان را دریافت می‌کرد. شهید صیاد شیرازی با هلی کوپترهای هوانیروز توانست ستون منافقین را به روی جاده آسفالت منهدم نماید. نیروهای نفاق زمین گیر شده بودند و هرکدام شکاری، سوراخی یا حفره ای برای پنهان شدن یافته و در آن خزیده بودند.

فرمانده کل سپاه به یگان های مستقر در این منطقه مأموریت داد تا هم زمان از محور کرمانشاه - اسلام آباد به شهر اسلام آباد، از محور پل دختر به اسلام آباد و همچنین از محور ایلام به اسلام آباد به شهر نزدیک شده و ضمن هوشیاری، نیروهای دشمن نفاق را محاصره، منهدم و سپس منطقه را پاکسازی کنند.

نیروی هوایی و هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در منطقه نیز با تمام توان، پشتیبانی از عملیات را به عهده داشتند.

عملیات زمینی یگانهای سپاه از سمت های مختلف آغاز شد همزمان با آن، هجوم نیروی هوایی و هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ستونهای منافقین را مورد هجوم قرار دادند. یکی از فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران که در این عملیات نقش مهمی را ایفاء نمود (شهید صیاد شیرازی) بود که فرماندهی هلی کوپترها را به عهده داشت.

پس از انجام عملیات سد پیشروی و تثبیت (زمین گیر کردن) ستون نظامی سازمان نفاق، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عملیات مرصاد را به منظور مقابله، انهدام، تعقیب و تنبیه ارتش آزادیبخش سازمان نفاق آغاز کردند. نیروهای خودی، تهاجم سنگینی را از محور کرمانشاه - اسلام آباد شروع و به سمت تنگه حسن آباد و شهر اسلام آباد حرکت کردند.

خودروهای سازمان یکی پس از دیگری هدف آر پی جی های پاسداران و بسیجیان با پشتیبانی هلیکوپترهای ارتش جمهوری اسلامی قرار می‌گرفت و منهدم می‌شد نیروهای سازمان نیز که در حال فرار به سمت شهر اسلام آباد یا دشت های کنار جاده بودند، با تیربارها و سلاح های انفرادی هدف قرار گرفته و به هلاکت می‌رسیدند.

در عملیات مرصاد نزدیک 1523 نفر از افراد سازمان کشته، 2300 نفر زخمی و 305 نفر اسیر شدند و اکثر امکانات آنان نابود و یا به غنیمت رزمندگان اسلام در آمد. خداوند چنین مقرر کرده بود که ملت ایران انتقام خود را از منافقین در پایان جنگ هشت ساله بگیرند. در واقع هلاکت منافقین در حالی که متحد صدام و ارتش رژیم بعث عراق شده بودند، یکی از دستاوردهای جنگ هشت ساله بود که از طرف خداوند به ملت ایران هدیه شد.

5- پذیرش قطعنامه ی 598 از سوی عراق به طور رسمی

جمهوری اسلامی ایران پس از پذیرش قطعنامه 598، در مذاکره با دبیر کل سازمان ملل بر اساس مفاد این قطعنامه، اصرار داشت تا زمان برقراری آتش بس از سوی دبیر کل اعلام شود. نماینده وقت ایران در سازمان ملل در این باره تصریح کرد:

ما امروز بار دیگر اعلام می‌کنیم شرط اجرای همه بندهای قطعنامه ی 598 که جمهوری اسلامی ایران آماده است همین لحظه، آتش بس در جنگ را بپذیرد.

روزنامه نیویورک تایمز که منعکس کننده دیدگاههای مقامات وزارت خارجه امریکاست، در این باره نوشت:

امریکا به عراق فشار آورد تا آتش بس را قبول کند.

با تغییر اوضاع به زیان عراق و فشارهایی که از سوی ابر قدرت‌ها، کشورهای منطقه و سازمان ملل به این کشور وارد شد، مقامات عراق در 1367/5/15 در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل رسماً اعلام کرد، «عراق نیز با آتش بس موافقت می‌کند».

6- اعلام آتش بس توسط شورای امنیت سازمان ملل

به دنبال موافقت عراق با تعیین زمان آتش بس، وزیر خارجه ایران در جلسه نهم ملاقات با دبیر کل سازمان ملل در روز 1367/5/16، پاسخ مثبت ایران را مبنی بر قبول برقراری آتش اعلام کرد.

پیرو اعلام موافقت ایران و به دنبال مذاکرات دبیر کل با اعضای شورای امنیت درباره ترکیب هیئت ناظر بر آتش بس «یونیماک» 1 (گروه نظامی ناظر سازمان ملل در جنگ ایران و عراق)، دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد، تاریخ 20 اوت 1987 میلادی (1367/5/29) زمان برقراری آتش بس خواهد بود و پس از آن، اقدامات لازم برای اجرای بندهای 4، 6 و 7 قطعنامه انجام خواهد شد.

با تصمیم مقامات دو کشور ایران و عراق نسبت به تاریخ اجرای آتش بس، سرانجام در فاصله کمتر از دو هفته از تعیین زمان برقراری آتش بس تا اجرای آن، کلیه ی تلاش های دبیر کل سازمان ملل برای استقرار نیروهای ناظر بر آتش بس (یونیماک) در جبهه های جنگ و در پایتخت دو کشور انجام گرفت و جنگ ایران و عراق، پس از گذشت هشت سال از تجاوز عراق به ایران پایان یافت. صدام در حالی که هیچ دست آوردی از این جنگ به دست نیاورده بود و مشکلات داخلی و ژئوپلیتیک عراق همچنان به قوت خود باقی بود، زمینه های جنگ دیگری را فراهم کرد. وی با پذیرش قرارداد 1975 الجزایر که در پی رد و بدل کردن نامه‌هایی با رئیس جمهور وقت ایران صورت گرفت، تجاوز به کویت را آغاز کرد. اقدامی که بیش از گذشته حقانیت جمهوری اسلامی ایران و سخنان امام خمینی(ره) درباره ی شخصیت صدام که او دیوانه است را اثبات کرد.

فصل پانزدهم

دلایل و عوامل پیروزی جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس

هشت سال دفاع مقدس مردم مسلمان و انقلابی ایران فرازنشیب زیادی داشت و عملیات های پیروز و افتخار آفرینی چون فتح المبین و بیت المقدس و والفجر 8 و کربلای 5 و در مواردی نیز عدم موفقیت هانی مثل رمضان و والفجر مقدماتی در کارنامه ی عملیاتی رزمندگان اسلام مشاهده می گردد.

1- دلایل پیروزی

الف - حفظ، تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی

هدف اصلی رژیم بعثی عراق و ابر قدرت های حامی آن براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بود. که هر چند آسیب های فراوانی به کشور مان وارد شد لیکن به اقتدارش نیز افزوده شد و حاکمیت از انسجام و ثبات بیشتری برخوردار شد و جایگاه ویژه ای را در نظام سیاسی منطقه و جهان کسب نمود.

انقلاب اسلامی نه تنها با تحمیل جنگ توسط استکبار جهانی مهار نشد بلکه با قدرت و بالندگی بیشتر به حرکت خود ادامه داد و امروزه شاهد آثار آن در اقصی نقاط گیتی مثل خاورمیانه ، شمال آفریقا و آمریکای جنوبی در رویش و خیزش امواج ضد استکباری و ضد امریکائی هستیم. مقاومت و از خودگذشتگی ملت مسلمان ایران و اراده ی آنان در احقاق حق خود موجب آشنائی بیشتر مردم دنیا و ملت های تحت ستم با اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی و ظهور بیداری اسلامی گردید.

ب- شکست استراتژی عراق در تهاجم به جمهوری اسلامی ایران

نگاهی به تاریخ معاصر نشانگر این واقعیت است که جنگهای قرون اخیر همواره جدا شدن بخشی از خاک ایران را در پی داشته است و از افتخارات ج.ا.ایران این است که علی رغم حمایت ابرقدرت ها از دشمن، با اتکال الهی و تکیه بر قدرت ملی، اجازه تجزیه ذره ای از خاک کشور را نداد و دشمن بعثی نتوانست به ادعاهای خود در مورد ارون رود و سایر نقاط مرزی کوچکترین دسترسی پیدا کند.

برادر علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری
با این تصمیم ما دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب همه
آنچه را که می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی
جز مبادله اسناد باقی نمی‌ماند تا با هم از موضع مسئولیت، نظاره‌گر واقعی
حیات جدیدی سرشار از تعاون در سایه اصول اسلام باشیم حقوق یکدیگر
را محترم شمرده و بدین وسیله کسانی را که سعی می‌کنند از آب گل آلود
ماهی بگیرند از سواحل خود دور کنیم و چه بسا در جهاتی همکاری کنیم
که در نتیجه آن خلیج به دریاچه صلح و امنیت و عاری از ناوگانها و
نیروهای بیگانه که در کمین ما نشسته‌اند مبدل شود. مضافاً اینکه
همکاری مزبور می‌تواند شامل جنبه‌های دیگر زندگی شود. الله اکبر
و لله الحمد

صدام حسین رئیس جمهوری عراق

۲۳ / محرم / ۱۴۱۱ هـ

۱۴ / اوت / ۱۹۹۰

شماره ۱ - پذیرش قطعنامه به طور رسمی و شکست نهایی عراق

ج - پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط رژیم بعث عراق
صدام که با پاره نمودن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر جنگ را آغاز کرد در نهایت با پذیرش آن
در ششمین و آخرین نامه خود در ۶۹/۵/۲۳ به رئیس جمهور ایران نوشت «بدین ترتیب همه
آنچه را که می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد
باقی نمی‌ماند.»

د - معرفی رژیم بعث عراق به عنوان متجاوز توسط دبیرکل سازمان ملل
خاویر پرز دکونیا دبیرکل سازمان ملل پس از اخذ و بررسی اسناد و ادله ج.ا. ایران و عراق
در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۷۰ صدام را به عنوان متجاوز و آغازگر جنگ معرفی نمود که این
موضوع تحقق یکی از شرائط و خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران بود.
با عنایت به دلایل ذکر شده معلوم می‌گردد که جمهوری اسلامی ایران پیروز قطعی این
جنگ بوده زیرا توانسته است دشمن متجاوز را در کلیه اهداف خود ناکام نماید و از موجودیت
و تمامیت ارضی خود به نواحسن دفاع نماید.

۲- مهمترین عوامل پیروزی جمهوری اسلامی ایران بر رژیم بعث عراق

الف - رهبری و مدیریت حضرت امام خمینی(ره) در ۸ سال دفاع مقدس

با آغاز جنگ، بزرگترین نقطه قوت ایران، وجود رهبري معنوي، پر جاذبه، دوراندیش، نترس، توانمند و با حکمتي بود که مردم ایران او را از صمیم قلب دوست داشتند و توانسته بود به عنوان نقطه اتکا و توانمندی روحی ملت ایران عمل نماید.

امام، تهدید بزرگ جنگ را تبدیل به فرصتی استثنائی برای ظهور توانایی های ملت ایران و آزمونی برای جهاد فی سبیل الله کردند. امام خمینی توانست با نفوذ عظیم خود، انگیزه بزرگی را در ایستادگی در برابر دشمن در بین بسیاری از مردم ایران بوجود آورده و روحیه تهاجمی را در قوای مسلح ایجاد کرده و با تدابیری هوشیارانه، از پیروزی دشمن جلوگیری نماید. وی توانست بلافاصله ابتکار سیاسی جنگ را در دست گرفته و دولت عراق را در بن بست عملکرد خود قرار دهد. او به سرعت در کشور انسجام ملی را علیه متجاوز شکل داد و مقاومتی مثال زدنی از ملت ایران را به نمایش گذاشت. آنقدر با دشمن جنگید تا توانست تمام سرزمین های اشغالی ایران را آزاد نماید و قدرت ایران را به سطح بازدارندگی در برابر دشمن برساند و هم صدام را از اقدام خود پشیمان نموده و او را وادار به پذیرش خواسته های منطقی ایران بنماید.

ب- نقش مردم در پشتیبانی از جنگ

در دوران جنگ تحمیلی، ملت ایران ظرفیت روحی بالا و تحمل فراوانی از خود نشان داد. میل به فداکاری و ایستادگی در بین مردم افزایش یافت. اقشار مختلف مردم پیوسته از نظام جمهوری اسلامی و سیاست های امام خمینی برای پیروز شدن در برابر دشمن، حمایت می کردند. مشروعیت دفاع از اسلام، کشور و انقلاب اسلامی، انگیزه ای قوی را در مردم به وجود آورد که موجب وحدت ملی و اراده مصمم برای دفع تهاجم نظامی خارجی گردید.

در دوران دفاع مقدس، بخشی از مردم ایران به طور داوطلبانه از سراسر نقاط کشور با انگیزه ای الهی عازم جبهه های جنگ شدند و توانستند تمام نارسایی ها و کمبود های موجود در جبهه ها را با حضور خود، برطرف نمایند. وجود چنین رزمندگانی امکان طرح ریزی عملیات های گوناگون و پیچیده را به فرماندهان و برنامه ریزان، فراهم می آورد. حضور نیروهای داوطلب بسیجی، موجب شد تا موازنه ی قوا به نفع ایران برقرار گردیده و قدرت مکمل توان رزمی ایران با سازماندهی آنها به وجود آمده تا بتوانند نقش تعیین کننده ای را در پیروزی ایران بر قوای بعثی فراهم آورند.

ج- ایثارگری و فرهنگ جهاد و شهادت

دوران جنگ، فرهنگ ویژه ای را در بین رزمندگان در جبهه ها به وجود آورد و رفتارهای جدیدی را خلق کرد. بر همین اساس اصطلاحات گفتاری و عملکردهای خاصی نیز در بین رزمندگان اسلام، رایج گردید. این فرهنگ که مبتنی بر دوستی و محبت با یکدیگر بود، یکی از عوامل مهم موفقیت دوران جنگ به حساب می آید. در اینجا به برخی از عناصر کلیدی این فرهنگ اشاره می شود.

(1)- سبقت گیری بر دیگران

رزمندگان خود را برادر یکدیگر می دانستند زیرا معتقد بودند إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ (سوره ی حجر، آیهی 47) این برادری هم در این عالم و هم در بهشت که در سریرها روبروی یکدیگر می نشینند تداوم دارد. اما در عین برادری آنها سعی می کردند تا یک نوع مسابقه را در انجام وظایف خود، بوجود آورند. آنها هر کدام در تلاش بودند تا در خالص شدن و در فعال بودن در امور جبهه ها از سایر همزمان خود، سبقت بگیرند. بیشتر کار کنند و از فرصت ها استفاده نمایند زیرا معتقد بودند که در جهان آخرت ما گرفتار اعمال خودمان هستیم و از خارج به ما چیزی نمی دهند. ما هستیم که اساس آن عالم را بنا می کنیم. إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ تُرَدُّ إِلَيْكُمْ یعنی این همه، اعمال شماست که به شما باز می گردد.

آنها معتقد بودند فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ یعنی هر کس کار خوب انجام دهد خود آن کار را می بیند وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (سوره ی زلزال، آیات 8 و 9) یعنی هر کس، کار بد انجام دهد خود آن عمل شر را می بیند. بنابراین تمام کارهای ما، عقاید ما و اخلاق ما در آن جهان منعکس می شود.

(2) - خطر پذیری

رزمندگان اسلام از رفتن به خط مقدم جبهه و حضور در عملیات ها، استقبال می کردند. آنها همیشه تمایل داشتند تا جبهه ها فعال باشد. بر همین اساس از حضور مستمر در خطوط پدافندی، کراهت داشتند. گرچه برخی از آنان بالاجبار در کارهای پشتیبانی و عقبه ها فعال می شدند ولی بسیاری از آنها تمایل داشتند که در صحنه فعال عملیات، حضور داشته باشند و رودر رو با دشمن، قرار گیرند.

بر همین اساس رزمندگانی که مجبور می شدند تا به فعالیتهای پشت جبهه بپردازند و در عملیات شرکت نکنند، ناراحت می شدند. آنها از جبهه های غیر فعال و ایجاد رکود در جبهه ها، استقبال نمی کردند. رزمندگان به این آیه قرآن باور داشتند که: لَنْ يَصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فُلْتُو كَلِ الْمُؤْمِنُونَ (سوره ی توبه، آیه ی 51) یعنی بگو هرگز به ما جز آن چه خدا برای ما مقرر داشته نمی رسد. او مولای ماست و مومنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

خلفیات و شیوه ی هدایت فرماندهان دوران دفاع مقدس به این گونه بود که خود، بیش از سایر رزمندگان در خط مقدم جبهه دشمن قرار می گرفتند و به جای اینکه به زیر مجموعه خود بگویند «جلو بروید»، در جایی که لازم بود خود جلو می رفتند و به بقیه می گفتند «بیا بید». بر همین اساس تعداد زیادی از فرماندهان لشکرها، تیپ ها، گردان ها، گروهان ها، دسته ها و افراد برجسته، در حین هر عملیات شهید می شدند. راه خط شکنی همین بود.

(3) - افزایش مستمر توانایی ها

جبهه جنگ برای رزمندگان فرصتی عظیم را جهت یادگیری مستمر فراهم آورده بود. آنها به طور مداوم در پی افزایش قابلیت ها، ظرفیت ها، توانمندی ها و کارآمدی خود بودند. در روزهای آغاز جنگ، افراد زیادی را می شد یافت که استفاده از هیچ سلاحی را نمی دانستند ولی با گذشت زمان و تلاش پیگیر، آنها به اشخاصی متخصص و با مهارت در استفاده از انواع سلاح های جنگی و فنون نظامی می شدند.

رزمندگان، جبهه را تبدیل به دانشگاهی برای تعلیم و تعلم کرده بودند. طرحریزی های عملیاتی در روزهای اول جنگ از کیفیت بالایی برخوردار نبود. هرچه از جنگ می گذشت توان فکری فرماندهان برای برنامه ریزی های دقیق تر افزایش می یافت و طرح های عملیاتی پخته تری ارائه می گردید.

د- ابتکارات و خلاقیت ها

جبهه های جنگ، فرماندهانی را پرورش داد و تربیت کرد که خلاقیت آن ها و امید آنها به پیروزی، تحول عظیمی را در تغییر وضعیت جنگ به نفع ایران ایجاد کرد. آنان در میدان جنگ توانستند سازمان مورد نیاز جبهه ها را برای مقابله با قوای دشمن، بوجود آورده و مجموعه ای یکپارچه و مقتدر را برای اداره صحنه های گوناگون جنگ، تدارک ببینند. طرح ریزی عملیات های بزرگی چون « شکست حصر آبادان»، «فتح خرمشهر»، «جنگ شلمچه»، «تصرف فاو»، «آزاد سازی بستان و سوسنگرد»، «نبرد مرصاد»، «جنگ های بازی دراز» و... بدون حضور دائمی فرماندهان، در جبهه های نبرد امکان پذیر نبود.

ه- وحدت و همبستگی ملی

در سال های جنگ، صحنه داخلی کشور تا حدود زیادی، خوب اداره شد مردم نگران وضعیت اجتماعی و معیشتی خود نبودند. اداره عقبه جبهه ها به گونه ای بود که مردم در آرامش زندگی می کردند. سیاست های حمایتی دولت موجب بهبود شاخص های ضریب جینی، تورم و تسهیلات زندگی شده بود.

دولت قیمت ها را کنترل کرده و در بازار و تجارت داخلی و خارجی، دخالت می کرد. البته جنگ موجب رکود اقتصادی گردید. در دوران جنگ، انسجام سیاسی کشور در وضعیت نسبتاً مطلوبی بود. گرچه در سال اول جنگ، با فرار رئیس جمهور وقت و اقدام مسلحانه منافقین و ترور های گسترده، فضای ناامنی در کشور ایجاد شد ولی به هر حال، این مشکل دوام زیادی نیافت و به سرعت فضای کشور به سمت امنیت و آرامش، جلو رفت.

و- شیوه و سبک مدیریت جبهه

سبک مدیریت فرماندهان در جبهه های جنگ، متفاوت از شیوه های مرسوم در سایر ارتشها بود. گرچه سلسله مراتب و فرماندهی و فرمانبری در بین رزمندگان وجود داشت ولی اطاعت بر اساس اعمال زور و فشار بر زیر دستان نبود. بلکه رابطه ای دوسویه بر مبنای محبت و مهربانی بین فرمانده و فرمانبر برقرار شده بود. فرمانده با مشورت با همزمان خود، آنان را در تصمیمات خود شریک می کرد و همه می دانستند که پس از تصمیم باید توکل بر خدا نمود. **فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ** (سوره ی آل عمران، آیه ی 159) یعنی پس چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن. همانا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.

ز- اسطوره های دفاع مقدس

... جزو واجب ترین، مفید ترین و قربی ترین کاری که ما را به پروردگار عالم تقریب می کند، این است که ما مفاخر ارزشی اسلام را زنده نگه داریم...

... شخصیت های برجسته ی ارزشی چه کسانی هستند؟ در درجه ی اول شهدا هستند... این ها علمند، اعلام الهدا و منار التقی اینهايند. مثل تعبیراتی که ما برای علمای بزرگ به کار می بریم، واقعا جای دارد که چنین تعبیراتی در باره ی اینها بشود. در واقع با تعریف یک چهره ی انقلابی، انقلاب را تعریف کنید.

... بگذارید شهدا رنگ ثابت زندگی مردم بشوند. 1

ح- تشابهات دفاع مقدس و عاشورای حسینی

برخی از وجوه مشترک دو فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس عبارتند از:

(1)- هر دو برای دفاع از حریم ارزش ها و حفظ اسلام و رضای پروردگار، رویاروی دشمن می ایستند.

(2)- رهبر هر دو حرکت فرزندان پیامبرند همان صلابت، پایداری، ذلت ناپذیری، شهادت پذیری و روح ایثار در وجود مبارک ابا عبدالله (ع) هست، در وجود امام خمینی (ره) تجلی یافته است. امام به پیروی از سرور و سالار شهیدان از هیچ فداکاری در راه مکتب و آرمان های الهی دریغ ندارد.

(3)- یاران امام خمینی (ره) همچون شهیدان کربلا، کانون عرفان و محبت الهی و سرشار از شوق شهادت و فداکاری اند.

(4)- دشمن رویارو با عاشورا و دفاع مقدس؛ در نهایت قساوت، پستی، دنیاپرستی و خودخواهی عمل نموده است.

(5)- همان مظاهر روز و شب عاشورا را در جبهه های دفاع مقدس دیده می شود: زمزمه های عاشقانه، نماز، عبادت، قرانت قرآن و آمادگی برای وصل و پیوند با محبوب.

(6)- پایداری و شکیبایی زنان ایران اسلامی و نقش روشنگری و صبوری آنان، جلوه ای از صبوری و پیامرسانی قافله اسیران کربلاست.

(7)- هر دو جریان رسواگر ستم شدند و نقاب از چهره ی دروغ و نفاق برافکندند.

(8)- در هر دو جریان از شهیدان شیر خوار تا پیران سالخورده می توان یافت.

(9)- صحنه ها و موقعیت هایی همچون صحنه های کربلا بارها در جبهه های دفاع مقدس اتفاق افتاد: مانند تشنگی، جدا شدن سرها، اسارت ها و ... این صحنه ها همواره ذهن ها را به صحنه های کربلا پیوند می زند.

(10)- پایان هشت سال دفاع مقدس، همچون پایان عاشورا، تمام شدن و توقف راه نبود؛ بلکه پس از آن ایمانی که محصول خلوص و فداکاری رزمندگان بود، هشیاری، تحرک و بیداری های بزرگی را رقم زد که نه تنها تضمین سلامت جامعه که الهام بخش مبارزات در گوشه و کنار جهان شد تأثیر این ایمان و خلوص را در رزمندگان لبنان نیز می توان یافت.

¹ برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای ستاد برگزاری کنگره ی سرداران و 18000

(11)- همچنان که انقلاب عاشورا تضمین‌کننده بقا و سلامت مکتب اسلام نوپایی شد که محصول 23 سال تلاش پیامبر(ص) و مجاهدت صحابه‌ی بزرگ بود. مجاهدت‌های هشت سال دفاع مقدس نیز موجب تضمین بقا و سلامت انقلاب اسلامی شد.

فصل شانزدهم

تحلیل آمار ایثارگران جمهوری اسلامی ایران و تلفات ارتش بعث عراق

در مکتب توحید، آن چیزی دارای ارزش و ماندگاری است که در راه خدا و برای خدا شکل گیرد. هر مقدار از عمر انسان که برای خدا صرف شود، هر کاری که برای خدا انجام گیرد و هر مالی که در این راه هزینه شود از ارزش واقعی و ماندگاری برخوردار است و از این رو هر چه انجام کاری برای خدا سخت تر و نیت خالص تر باشد ارزش و اثر آن بیشتر است. بنابر این هرگونه اهتمام و تلاش در راه خدا مصداق جهاد فی سبیل الله است.

در مکتب اسلام، از خودگذشتگی در راه خدا و دفاع از حق، والاترین ارزش هاست و همواره فرهنگ ایثارگری و شهادت طلبی در تاریخ اسلام درخشش و ویژگی خاصی داشته است

دستاورد اساسی حضرت امام خمینی(ره) در رهبری انقلاب اسلامی، احیاء اسلام ناب محمدی(ص) و مهم ترین ویژگی آن احیاء فرهنگ شهادت و ایثارگری بود. با مروری گذرا در فرآیند نهضت امام خمینی و قوام نظام اسلامی به خوبی می توان دریافت که اگر فرهنگ شهادت طلبی و ایثارگری نبود، نه انقلاب به پیروزی می رسید و نه نظام اسلامی دوام می یافت، همانگونه که در صدر اسلام نیز اگر این ویژگی نبود نه اسلام شکل گرفته بود و نه دوام می یافت.

بنابر این موضوع شهادت و ایثارگری سکه ی پر بهانی است که در یک روی آن باید والاترین ارزش های الهی را مشاهده کرد و در روی دیگر آن دستاوردها و آثار و برکات بی بدیلی را. 1

شهادت و شهادت

«شهادت» در لغت به معنی گواه، حاضر، ناظر و... و در اصطلاح دینی به کسی اطلاق می شود که با انتخاب آگاهانه، و براساس حجت شرعی، در راه خدا به شهادت می رسد. در اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی این گونه تعریف شده است: «شهادت به کسی گفته می شود که جان خود را در راه انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن یا دفاع از کیان جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات و تجاوزات دشمن و عوامل ضد انقلاب و اشراک نثار نموده یا می نماید.»

شهادت، قله ی کمال

شهادت از برترین واژه های فرهنگ اسلامی و از مقدس ترین مفاهیم معارف الهی است. شهادت اوج کمال انسان است، آنگاه که انسان تمام هستی خود را یک جا نثار معبود می کند و قطره ی وجودش به دریای بیکران هستی مطلق می پیوندد. رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ و آله فرمود:

«فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ حَتَّى يَفْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ».

«بالا تر از هر خیر و نیکی، خیر و نیکی وجود دارد تا انسان در راه خدا کشته شود که بالاتر از

کشته شدن در راه خدا، خیر و نیکی یافت نشود.»

¹- برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام رحیمیان، نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران در دانشکده

هم چنین بیغیر از «ص» فرمود: «أشرف الموت قتل الشهادة»

یعنی: «شهادت برترین مرگ ها است».

و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمود: «لُودِدْتُ أَنِّي أُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ» یعنی: «دوست دارم در راه خدا کشته شوم نه یک بار و دو بار که بارها کشته شوم و زنده شوم و باز هم کشته شوم».

مقام شهید

شهید مصداق عینی شهادت است که با انتخاب آگاهانه و در کمال خلوص، هستی خود را یکجا به آفریدگار جهان تقدیم می کند و به سرچشمه ی بقا و حیات، پیوند می یابد. درک مقام شهید از توان و ظرفیت فهم ما خارج است و تنها منبع وحی الهی است که شمه ای از این مقام را برای ما بازگو فرموده است: «و لا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِن لا تَشْعُرُونَ». (سوره ی بقره، آیه ی 154) یعنی: «برای کسانی که در راه خدا کشته می شوند نگوئید مردگانند [کلمه ی اموات را دربارہ شهدا به کار نبرید] بلکه آن ها زنده اند، لکن شما درک نمی کنید».

این آیه ضمن آنکه بر زنده بودن شهدا تأکید می ورزد، درک این مقام را از حیطة ی شعور و فهم بشر در این دنیا خارج می شمارد. در حالی که در آیه ی فوق از به کار بردن تعبیر اموات در مورد شهدا نهی می کند، در آیه ای دیگر از پندار مرده بودن آنان نیز نهی فرموده است که نه فقط به زبان نگوئید آنها مرده اند بلکه به دل نیز راه ندهید.

امام خمینی (ره) در این زمینه می فرماید: «از شهدا که نمی شود چیزی گفت. شهدا شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقهه ی مستانه شان و در شادی و وصولشان «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» اند؛ و از «نفوس مطمئنه ای» هستند که مورد خطاب «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي و ادْخُلِي جَنَّتِي» پروردگارند. اینجا صحبت از عشق است و عشق؛ و قلم در ترسیمش بر خود می شکافد.»

وظیفه ی جامعه نسبت به شهید

از آنجا که شهید برای خدا و در راه خدا هستی خود را برای نجات و سعادت جامعه فدا می نماید، هر چند پاداش اصلی خود را از خداوند دریافت می کند، اما بنا بر حکم عقل، جامعه نیز به لحاظ حقی که شهید بر گردن آنان دارد، مدیون شهید است و باید با تمام وجود دین خود را در قبال شهید ایفاء نماید.

زنده نگهداشتن یاد و نام شهید و بزرگداشت زمان و مکان شهادت و مدفن او و الگوسازی از شخصیت و سیره ی زندگی و حماسه ی ایثارگرانه ی شهید، بخشی از وظائف جامعه نسبت به شهید می باشد.

بزرگداشت و تکریم شهید در جامعه یعنی بزرگداشت و تکریم فرهنگ شهادت و تمام نیکی‌ها و ترویج روحیه‌ی ایثارگری و فداکاری برای ارزش‌ها و دفاع از جامعه و سرزمین اسلامی. فرهنگ و روحیه‌ی ای که قوام و بقاء جامعه و نظام و سرزمین اسلامی، همواره نیازمند به آن می‌باشد. این مطلبی است که تمام ملل و کشورها در چارچوب جهان بینی و ارزش‌های خود به منظور حفظ استقلال و دفاع از موجودیتشان در برابر بیگانگان و مهاجمان مورد توجه و اهتمام جدی آنان قرار می‌دهند. 1

منزلت خانواده شهید

خانواده شهید از جهات مختلف، دارای مقام و منزلت ویژه‌ای در پیشگاه خداوند و در نظام و جامعه اسلامی می‌باشد. پدر و مادر شهید باتوجه به این‌که معمولاً بیشترین نقش را در تربیت شهید ایفاء کرده‌اند و با داشتن بیشترین علاقه به فرزند خود، او را تقدیم خدا کرده‌اند مورد تکریم بیشتری هستند. والدین، مخصوصاً مادر، به طور طبیعی آنچنان علاقه‌ای به فرزند خود دارند که عادتاً برای حفظ فرزندشان حاضرند همه چیز خود را فدای او کنند و می‌توان گفت والدین، فرزند خود را از جان خود بیشتر دوست می‌دارند. این بیت از شعر سعدی بهترین توصیف حالت پدرقه والدین به هنگام عزیمت فرزندانشان به سوی جبهه است :

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن

من خود به چشم خویشان دیدم که جاتم می‌رود

همسر شهید نیز که افتخار همزیستی با شهید را داشته و شریک زندگی و پشتیبان و سرپرست خود را به ظاهر از دست داده و بار نگهداری و تربیت فرزندان شهید و مسئولیت حفظ کرامت و عظمت شهید را در جامعه به دوش گرفته، به همراه فرزندان شهید به عنوان یادگاران شهید که نزدیک‌ترین نسبت و انتساب را به او دارند، منزلت و جایگاه برجسته‌ای را نزد خداوند و مردم دارند.

به این ترتیب خانواده‌های شهدا از دو جهت شایسته‌ی تکریم و تجلیل و خدمت می‌باشند : اولاً به دلیل اهلیت و شایستگی اکتسابی و نقشی که در همراهی و همسویی با شهید ایفاء می‌کنند. ثانیاً بخاطر انتسابی که با شهید دارند و در سایه‌ی دینی که جامعه به شهید دارد، بخشی از تکریم و تعظیم شهید در احترام و تجلیل از خانواده و اهل بیت او تجلی می‌یابد و مساله‌ی تکریم خانواده شهید و تقدیم خدمات لازم به آنان نه تنها به عنوان یک کار مطلوب بلکه یک وظیفه‌ی همگانی برای جامعه و نظام اسلامی به حساب می‌آید.

حضرت امام خمینی(ره) می‌فرماید : «سلام و درود بر شما پدران و مادران، همسران، فرزندان و بازماندگان شهدا که از بهترین عزیزان خود، در راه بهترین هدف که اسلام عزیز است، بزرگوارانه گذشته‌اید و در امر دفاع از دین خدا، آنچنان صبر و مقاومت نشان داده‌اید که رشادت و استقامت یاران سید شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام را در خاطره‌ی جهانیان تجدید کردید.

1- برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام رحیمیان، نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران، در دانشکده

مقام و منزلت جانبازان و آزادگان نیز به نوبه ی خود حائز است و باید از آنان تقدیر شایسته به عمل آید. دیدگاه مقام معظم رهبری، خواندنی است: «جانبازان در قضیه جنگ، یک موضوع استثنائی اند. همه ما از جنگ فارغ شدیم، اما این جانباز است که تا آخر عمرش از جنگ، فارغ نخواهد شد. وزنه ی ایثار جانبازان 70 درصد به بالا، به تعبیری سنگین تر از مسأله ی شهادت است.»¹

در اینجا مروری بر آمار شهداء، جانبازان و آزادگان و اشاره به پاره ای از ویژگی های آنان می تواند دستمایه ای برای تحلیل های گوناگون باشد. آمار ایثارگران دوران دفاع مقدس

غیرجانباز	آزادگان			جانبازان		
	جانباز			بالای 5 درصد	زیر 5 درصد	تعیین درصد نشده
	بالای 25 درصد	زیر 25 درصد	تعیین درصد نشده			
1689	38806	2285	198	22117 9	32018 9	14971
42978	جمع کل آزادگان 2			55633 9	جمع کل جانبازان	

¹- دیدار مقام معظم رهبری با تعدادی از جانبازان و خانواده آنان در 6 مهر 1390
²از میان 42987 آزاده 41289 نفر آنها نیز جانباز هستند که در ارقام فوق ملحوظ شده است.

جدول شماره 1- آمار ایثارگران دفاع مقدس
آمار کل شهدا به تفکیک استان های کشور

ردیف	سازمان استان / اداره شهرستان	تعداد
1	آذربایجان شرقی	9534
2	آذربایجان غربی	9104
3	اردبیل	3241
4	اصفهان	23021
5	البرز	5331
6	ایلام	2653
7	بوشهر	1942
8	تهران بزرگ	21576
9	چهارمحال و بختیاری	2336
10	خراسان جنوبی	1441
11	خراسان رضوی	16407
12	خراسان شمالی	2221
13	خوزستان	13363
14	زنجان	2861
15	سمنان	2599
16	سیستان و بلوچستان	1639
17	شهرستانهای استان تهران	5719
18	فارس	13879
19	قزوین	2756

4797	قم	20
3628	گلستان	21
6946	گیلان	22
6087	لرستان	23
9853	مازندران	24
5219	مرکزی	25
1126	هرمزگان	26
6934	همدان	27
3489	یزد	28
5253	کردستان	29
6056	کرمان	30
9134	کرمانشاه	31
1717	کهگیلویه و بویراحمد	32
	211862	جمع

جدولشماره 2- آمار کل شهدای کشور به تفکیک استانی

مجموع شهدائی که در بنیاد شهید انقلاب اسلامی دارای پرونده هستند 219/000 نفر می باشند که از این رقم حدود 20/000 نفر در درگیری با شرارت های ضدانقلاب و ترورهای منافیین با شهادت رسیده اند.

افرادی که در درگیری های مستقیم دفاع مقدس شهید شده اند 172/000 نفر و شهدای بمباران های دشمن 16/000 نفر می باشند و به این ترتیب جمع شهدای جنگ تحمیلی به 188/000 نفر می رسد.

برخلاف شایعه پراکنی های بیگانگان که رقم شهدای جمهوری اسلامی را چندین برابر واقعیت، بزرگ نمائی می کردند و به منظور القاء ناتوانی در مدیریت جنگ و تضعیف روحیه مردم، بهره گیری از امواج انسانی را به جای مدیریت و تکنولوژی دامن می زدند، رقم 188/000 شهید در مقایسه با کشته های عراق در جنگ با وجود همه ی پشتیبانی های جهان استکبار از ارتش عراق از جمله نکات مهمی است که باید از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گیرد.¹

یاد آوری می شود مشابه این تفاوت را در رقم 42/175 اسرای ایران در قبال حدود 70/000 نفر اسیر عراق شاهد هستیم که باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

نکات مورد توجه در خصوص آمار شهداء، جانبازان و آزادگان دفاع مقدس:

بیشترین شهید دفاع مقدس در سال 1365 با 41/000 شهید بوده است.

سن 72% از شهداء (یعنی حدود 155/000 نفر) بین 16 تا 25 سال است (یعنی نوجوان و جوان).

بیشترین تعداد شهید از جهت سن 20 ساله می باشند با تعداد 30/000 نفر در جنگ تحمیلی به طور میانگین از هر 230 نفر جمعیت کشور یک نفر به شهادت رسیده است. در این میان استان اصفهان از هر 144 نفر یک نفر و قم از هر 148 نفر یک نفر و استان سمنان از هر 155 نفر یک نفر به شهادت رسیده اند و دارنده ی رتبه ی اول تا سوم در کشور می باشند.

در میان اقشار، جامعه ی روحانیت بیش از ده برابر میانگین کل جامعه به شهادت رسیده اند و بیش از 5 برابر میانگین جامعه شهید داده اند (یعنی فرزندانشان به شهادت رسیده اند). شهدای مؤنث بیش از 6/400 نفر و نزدیک به 3% کل شهدا می باشند.

حدود 56/000 نفر از شهدا متأهل و بقیه مجرد بوده اند. اگر این نکته را که اکثریت قاطع شهداء مجرد بوده اند و در بین متاهلین، آنان که فرزندان کمتری داشته اند نسبت بیشتری را دارا هستند، در کنار این نکته قرار دهیم که حدود 97% شهداء به قشر مستضعف تعلق دارند، می توان این نتیجه را گرفت که هر که سبکبارتر بوده است سبکبار تر به معراج شهادت پرواز کرده است. این نکته را نیز باید یادآور شد که اکثریت شهداء از پایگاه مسجد و سنگر نماز جمعه و جماعت به جبهه عزیمت کرده اند و براساس تحقیقی که روی وصیت نامه ی شهداء انجام یافته انگیزه اصلی آنها در پیمودن راه شهادت به ترتیب الهام گیری از نهضت حسینی و پیروی از امام خمینی (ره) و دفاع از اسلام مورد تأکید قرار گرفته است و به این ترتیب نتیجه می گیریم که با سبکباری از تعلقات زندگی مادی به همراه انگیزه ی نیرومند ایمان به مبدأ و معاد و عشق و پیروی از جایگاه امامت و ولایت، روحیه شهادت طلبی به فعلیت و شکوفائی می رسد.

توضیح این که آمار و ارقام فوق توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران در مرداد ماه 1391 به پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس اعلام شده است.

فصل هفدهم

¹ برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام رحیمیان، نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران، در دانشکده

نتایج و دستاوردهای جنگ و دفاع مقدس در عرصه های داخلی و بین المللی

دوره جنگ یکی از مقاطع فراموش نشدنی و بی نظیر تاریخ ایران و خود یک مقطع تاریخی بسیار مهم است. مردم ایران در شرایطی که تازه با نهضت اسلامی خود توانسته بودند حکومتی جدید را در کشور شکل دهند و هنوز ساختارهای سیاسی و نظامی جدید را آرایش نداده بودند و تحت فشارهای تبلیغاتی و اقتصادی برخی از قدرتهای بزرگ بودند و آشوبهای داخلی در بعضی از نقاط کشور در جریان بود، دچار تهاجم نظامی ارتش عراق گردیدند. درحین جنگ هم کشور مواجه با ترورهای منافقین و اختلافات سیاسی در سطح مقامات بالا از جمله ریاست جمهوری گردید.

از آن طرف، کشور عراق از همه امکانات لازم برای شروع یک جنگ برخوردار بود، مشکل مالی نداشت و حمایت تسلیحاتی هم می شدو تبلیغات جهانی هم به نفع وی بود. در چنین وضعیتی ایران توانست به مقابله با قوای متجاوز عراق بپردازد و همه سرزمین های اشغالی خود را بانجام عملیات نظامی باز پس بگیرد و برای اولین بار یک وجب از خاک کشور هم در تصرف ارتش متجاوز باقی نماند.

1- دستاوردهای داخلی

الف- عرصه های سیاسی و امنیتی

تجربه ی دیگر ما، مبارزه ی فعال با ضد انقلاب داخلی توأم با نبرد گسترده علیه تجاوز خارجی بود. در شرایطی که صدام امریکایی به ایران انقلابی تجاوز کرده بود، کلیه گروه های وابسته در کردستان، دیگر نمی توانستند انگیزه ای برای مقابله با حاکمیت انقلابی مردم و انقلاب اسلامی داشته باشند.

مهم ترین معضل ناامنی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همکاری و همراهی سازمان مجاهدین (منافقین) خلق با رژیم بعثی عراق بود که با سقوط صدام حسین و از بین رفتن حزب بعث در عراق، قدرت نظامی منافقین نیز تا حدود زیادی منهدم شد. همچنین احزاب مسلح دمکرات و کومله نیز سلاح های خود را به زمین گذاشته و تا حد زیادی نفوذ سیاسی خود را در کشورمان از دست دادند.

ب- عرصه های اجتماعی و فرهنگی

از برکات مهم دفاع مقدس، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری بوده است. ما در دوران دفاع مقدس به این نتیجه رسیدیم که باید خود را باور کنیم و با تکیه بر توانمندی های خود به ویژه جوانان خداجو کشور را اداره نماییم. تأثیر این خودباوری، بعد از جنگ در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فنآور بهای نوین دفاعی، نمود فزاینده ای داشته است که بخش هایی از آن به شرح زیر است:

- (1)- داشتن روحیه قناعت و صرفه جویی.
- (2)- ابتکار عمل در ساخت قطعات، وسایل و تجهیزات مورد نیاز.
- (3)- خودکفایی در کالاها و تجهیزات اساسی در مقابل تحریم های اقتصادی.
- (4)- رشد باورهای دینی و معنوی.
- (5)- تولد تفکر بسیجی به عنوان ایدئولوژی کارآمد دفاع مقدس.

(6) - رشد فضایل اخلاقی و معنوی.

(7) - تکلیفی عمل کردن در دفاع به عنوان یک وظیفه

یکی از مهمترین فرهنگ‌هایی که در دوران دفاع مقدس در افکار مردم رایج گردید جنگیدن رزمندگان اسلام برای ادای تکلیف الهی بود و آنها نتیجه را فرع بر انجام تکلیف می‌دانستند. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید «ملت ایران تا روزی که احساس می‌کرد توان و تکلیف جنگیدن دارد به وظیفه خود عمل نمود و تا لحظه آخر هم تردید نکرد و آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید، به آن گردن نهاد و باز هم به وظیفه خود عمل نمود.»

مقام معظم رهبری در دیدار با تعدادی از اصحاب فرهنگ و هنر دفاع مقدس در مهرماه 1379 در این خصوص می‌فرماید :

«اگر در جنگی، عزم ملی و خردمندی سردمداران کشور به کمک کشور نیاید، آن سرافکنندگی، ذلت و هزیمت معنوی ای که بر دوش ملت سنگینی خواهد کرد، شاید از همه خسارت‌ها بالاتر باشد...»

یکی دیگر از مهم‌ترین تجارب فرهنگی در دوران دفاع مقدس رواج فرهنگ ساده زیستی به جای فرهنگ رفاه طلبی و سرمایه داری بود.

ج- عرصه‌ی اقتصادی

تحریم اقتصادی کشورمان که از همان اول پیروزی انقلاب اسلامی آغاز و در اوایل سال 1359 به صورت رسمی از سوی کشور آمریکا اعلام شده، بخش قابل توجهی از نیازهای گسترده ی مردم و نیروهای مسلح را با مشکل جدی مواجه کرد. ملت ما در دوران دفاع مقدس با روحیه ی قناعت و صرفه جویی مقاومت کردند و در تولید و ساخت نیازهای مختلف عمومی و تخصصی تا مرز خودکفایی بخش قابل توجهی از نیازهای ضروری پیش رفتیم.

توزیع عادلانه کالا در این دوران توانست مواد ضروری و مورد نیاز اکثر مردم را با قیمت مناسب در اختیار آنان قرار داده و زمینه های نارضایتی عموم را مرتفع کند.

به منظور عدم اتکای جدی به درآمد نفتی در وضعیتی که صدور آن به شدت کاهش یافته و به کمتر از سیصد هزار شبکه در روز رسیده بود، شهید بزرگوار محمد علی رجایی رئیس جمهوری وقت ایران اعلام نمود : «.. ما نفت را برای سوزاندن و استفاده های مادی نمی خواهیم، بلکه از آن در جهت مبارزه با امپریالیسم استفاده خواهیم کرد، چرا که از نفت هم به عنوان سلاح می شود استفاده کرد.»

البته با تمام مشکلاتی که جنگ برای اقتصاد ایران به بار آورد، می توان گفت ایران علی رغم آنکه در دوران جنگ در شرایط تحریم تسلیحاتی (و اقتصادی) به سر می برد ولی کشور دچار قحطی یا بیماری های ناشی از کمبودهای تغذیه ای نشد.

برابر تحقیق دکتر محمد قلی مجد عضو هیئت علمی دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا در پایان جنگ اول جهانی (1917 تا 1919) به واسطه ی حضور ارتش بریتانیا در کشور ایران، حدود 8 تا 10 میلیون نفر از مردم ما به واسطه ی کمبود مواد غذایی دچار قحطی، گرسنگی و سوء تغذیه، تلف شدند.¹

د- عرصه ی علمی و فناوری

تحول در حوزه ی صنایع دفاعی، این باور را در مراکز دانشگاهی و علمی - پژوهشی کشور به وجود آورد که خواستن، توانستن است. همچنین مقابله با اتکای به بیگانه در امر فناوری های جدید و درک فرآیند رشد فناوری توسط متخصصان و نخبگان داخلی، فرهنگ خود باوری بود که در اندیشه رزمندگان ما در دوران دفاع مقدس تجلی کرد.

از انصاف به دور است اگر دستیابی به سلول های بنیادین و دانش هسته ای توسط پژوهشگران و اندیشمندان ایرانی را متأثر از فرهنگ خود باوری و خلاقیت دوران دفاع مقدس ندانیم، چنان که بارها و بارها رهبر معظم انقلاب اسلامی به این حقیقت اشاره فرموده اند.

ه- عرصه ی نظامی

جنگ تحمیلی، فشار و مشکلات زیادی را برای ملت و دولت ایران به وجود آورد و این فشارها، خصوصاً تحریم تسلیحاتی از سوی بسیاری از کشورهای بلوک غرب، شرق و حمایت مالی و انسانی تعدادی از کشورهای غربی منطقه، باعث شد که :

(1)- نیروهای داوطلب مردمی در سازمان رزم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کارگیری و با گسترش توانایی های ایران، به عنوان قدرت بازدارنده در پیشروی های ارتش رژیم بعث عراق، مطرح شوند.

(2)- ارتش جمهوری اسلامی از وابستگی نظامی کشورهای بیگانه خصوصاً آمریکا بیرون آمده، قابلیت ها و توانمندی های خود را به نمایش بگذارد.

(3)- اندیشه های دفاعی امام خمینی(ره) تبیین گردیده و مردم با فرهنگ جهاد و شهادت آشنا شوند.

(4)- رژیم بعثی عراق با تلاش و فداکاری نیروهای مسلح و مردم از سرزمین مقدس اسلامی، عقب رانده شد.

(5)- ابتکار نظامی و تدبیر عملیاتی به غیر از سال اول جنگ، در اختیار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی قرار گرفت.

(6)- شکست ارتش پولادین رژیم بعثی عراق با حمایت های گسترده کشورهای دنیا باعث شد که تهدیدات نظامی منطقه ای و حتی بین المللی از کشور ما دور شود.

(7)- ابتکارات و خلاقیت های فنی و مهندسی نظامی و طراحی نیازهای ویژه ی دوران دفاع مقدس از دستاوردهای بی نظیر در دوران دفاع مقدس بوده که رزمندگان اسلام موفق شدند با استفاده از این توانمندی در حفظ نیروی انسانی، امکانات و نیز تسهیل در دفاع نا برابر به موفقیت های چشمگیری برسند.

¹ - مستند تلویزیونی اشغال از گروه سیاسی شبکه خبر، قسمت دهم، بزرگترین هولوکاست قرن

(8) - تجربه ي جديد و منحصر به فرد جمهوری اسلامی ایران در نحوه شناسایی و تامین نیروی انسانی داوطلب، آموزش و بکارگیری در حین نبرد (با توجه به محدودیت های شدید زمانی و انسانی)، یکی از دستاوردهای موفق نظامی در دوران دفاع مقدس می باشد.

2- دستاوردهای خارجی

جمهوری اسلامی ایران، ناخود آگاه به جنگی تمام عیار فراخوانده شد که بر اساس پیش بینی کارشناسان نظامی و سیاسی، توان مقابله ی سه روزه داشت. اما پس از هشت سال دفاع دلیرانه ی رزمندگان، نه تنها دشمن نتوانست يك وجب از خاک کشورمان را اشغال کند، بلکه در اوج درماندگی و عجز قرار گرفت و همگان به عظمت، پایداری و اقتدار جمهوری اسلامی ایران اعتراف نمودند. امام خمینی (ره) در این باره فرمودند: «ما در جنگ، ریشه های انقلاب پر بار اسلامی مان را محکم کردیم.»

الف- عرصه ی سیاسی

(1) - تثبیت اقتدار جمهوری اسلامی در این دفاع باعث گردید که چشم طمع جهانخواران از تجاوز به کشورمان کوتاه شود و اگر این اقتدار نبود، قطعاً آمریکا در سال 2003 به جای حمله به عراق (حادثه سپتامبر سیاه) به کشور ما حمله می کرد.

(2) - از برکات هشت سال دفاع مقدس در عرصه سیاسی، ارایه شیوه های مبارزه با ستمگران برای کشورهای اسلامی و جهان مستضعفان می باشد و کابوس شکست ناپذیری کشورهای بزرگ را با تردید مواجه ساخت.

(3) - اکثر کارشناسان مسائل سیاسی دنیا و منطقه به این رسیدند که بایستی نقش ویژه ایران را در تامین امنیت منطقه، جدي بگیرند و در روابط سیاسی و منطقه ای خود تجدید نظر کنند.

(4) - آثار و برکات مقاومت در دوران دفاع مقدس باعث شد که خواب و خیال رژیم صهیونیستی برای گسترش در منطقه خاورمیانه با شکست مواجه شود و در گرداب انتفاضه فلسطین و مقاومت حزب الله لبنان، گرفتار شود.

(5) - عملکرد سازمان های بین المللی و منطقه ای، خصوصاً شورای امنیت سازمان ملل و رفتار سیاسی آنان در نحوه برخورد با این بحران و حل و فصل آن به شدت مورد تردید قرار گرفت.

(6) - وقوع جنگ تحمیلی، صداقت و مقاومت ملت شریف ایران، باعث مطرح شدن انقلاب مردمی ایران به عنوان الگوی مبارزه مردمی در سطح منطقه و جهان شد.

(7) - پیام امام خمینی (ره) در سوم اسفند ماه سال 1367 به موارد بالا به خوبی پرداخته است :

- هر روز ما در جنگ برکاتی داشتیم که در همه صحنه ها از آن بهره جسته ایم :
- ما انقلابیان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ، ثابت نموده ایم.
- ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان خواران کنار زده ایم.
- ما در جنگ، دوستان و دشمنان را شناخته ایم.
- ما در جنگ، ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ، ریشه های انقلاب پر بار اسلامیمان را محکم کردیم.

- ما در جنگ، به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت ها و ابر قدرت ها، سالیان سال می توان مبارزه کرد.
- جنگ ما، کمک به فتح افغانستان را به دنبال داشت.
- جنگ ما، فتح فلسطین را به دنبال داشت.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سرمداران نظام های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.

- جنگ ما، بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت.
- علاقه به اسلام شناسی مردم آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست.

در همین رابطه مقام معظم رهبری در سخنرانی خودشان در مهرماه 1379 در این خصوص می فرمایند: «ما در دوره ی جنگ، از طرف مجامعی که ادعا می کردند در مسائل جهانی بی طرفند، در مقابل یک اعمال غرض و اضحی قرار گرفتیم. ادعاهای بسیار بزرگی هم می کردند.. کسانی که شما امروز می بینید درباره ی سلاح های کشتار جمعی و میکروبی و از این حرف ها داد سخن می دهند و جزو مسائل واضح می شمردند، اینها به رژیم عراق و ارتش عراق سلاح شیمیایی دادند. برایش ساختند و یا امکان ساخت آن را برایش فراهم کردند. دو قطب بزرگ دنیای آن روز - یعنی قطب آمریکا و قطب شوروی سابق - مشترکاً با همه ساز و برگشان به کمک عراق آمدند.»

(8) ما در این ماجرای هشت ساله یک پیروزی مطلق به دست آوردیم. ما که جنگ را شروع نکرده بودیم که بگوئیم فلان جا را می خواستیم بگیریم، نتوانستیم، پس ناکام شدیم، قضیه این نبود. قضیه این بود که دشمنی به ما حمله کرده بود و می خواست بخشی از خاک ما را بگیرد، همه ی دنیا هم به او کمک کردند، ما هم مردانه ایستادیم، ناکام شد و بینی اش به خاک مالیده شده و برگشت. پیروزی از این بالاتر؟

(9) - و بالاخره سازمان ملل متحد با یک تاخیر طولانی 11 ساله و در سال 1370 رژیم بعثی عراق را به عنوان متجاوز به کشور جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد.
ب- عرصه ی اقتصادی

(1) تجربه ی تجاوز رژیم بعث عراق به منطقه و دنیا نشان داد که این کشور هر چند با توانمندی بالایی نظامی و حمایت های منطقه ای و بین المللی موفق به پیشروی در بخشی از خاک کشور مقدس ما شد، لیکن واکنش نیروهای مسلح و مقاومت ملت غیور ایران، نشان داد که شاید کشوری بتواند شروع کننده باشد، لیکن الزاماً پایان دهنده ی به آن بحران نیست و احتمال دارد که کشور مدافع با توانایی به ظاهر محدود، در صحنه های نظامی بتواند سال ها مقاومت کند.

(2) دوران دفاع مقدس تجربه ی خوبی برای نیروهای مسلح و وابستگی آنها به متن مردم و جامعه بود.

هر چه نیروهای مسلح به متن مردم وابسته تر باشند و شهروندان هر کشور، آنها را از خود بدانند، پیوستگی و انسجام بهتری ایجاد شده که می تواند با اتکا به پشتوانه مردمی بر علیه متجاوزین داخلی و خارجی وارد عمل شود.

امام خميني(ره) در اين باره خطاب به نيروهاي مسلح مي فرمايند : ملت مسلمان ايران از شما قدرداني مي كند و شما را از خود و خود را از شما جدا نمي داند و اكنون در جهان، كشوري نيست كه پيوند ملت و قواي مسلحش بدین پایه باشد.

(3) حضور قدرتمند نيروهاي نظامي با پشتوانه مردمی ايران با انجام عمليات هاي سنگين در دوران دفاع مقدس باعث شد كه مسئولان سياسي كشورمان بتوانند خواسته هاي به حق نظام مقدس جمهوري اسلامي را در مجامع بين المللي، خصوصاً شوراي امنيت سازمان ملل، به قدرت هاي بزرگ ديكته كنند. عمليات هاي غرور آفرين والفجر 8 و كربلاي 5، يكي از اين شگفتي هاي فرزندان دلاور كشورمان بود كه بندهاي قطعنامه 598 را به مرور در صحن شوراي امنيت به اعضاي آن، ديكته كرد.

(4) بودجه هشت سال جنگ تحميلي عراق بر عليه جمهوري اسلامي ايران، برابر با يكسال بودجه كل كشود بود كه اين موضوع بيانگر اوج صرفه جويي در مسائل اقتصادي در جنگ بوده است.